

فهرست

1	مطلع
3	بیش گفتار
9	آبرومندی
9	آخرت فروشی
10	آداب مهمانی
11	آموزش
11	آموزگار خشن
12	آینده نگری در کار
13	احترام به آموزگار
13	احترام به حقوق دیگران
14	احترام به هم نشینان
15	احسان و نیکوکاری
15	ارتباط با ثروت مندان
16	ارزش علم و عبادت
17	ارزش هدایت دیگران
17	استبداد رأی
18	استفاده از تجربه های دیگران
19	استقامت
19	اظهار خوشحالی از گناه
20	اظهار کردن حق
21	اظهار نکردن فقر
21	اعتدال و میانه روی
22	امیدواری به رحمت خداوند
22	بازتاب رفتار
24	بازخواست مؤدبانه
24	بازگشت
25	بازی و تفریح
26	بدترین فقر
27	بدگویی در غیاب افراد
27	بدهکاری در اثر قرض های نابجا
28	برادران الهی
28	برخوررجوان مردانه با محرومان
29	برخورد مناسب با زیردستان

<u>بصیرت به خود</u>	30
<u>بهترین کردار</u>	30
<u>بی احترامی به والدین</u>	31
<u>بی نیازی و توانگری</u>	32
<u>پاسداری در راه خدا</u>	33
<u>پاکیزگی</u>	33
<u>پرحرفی</u>	34
<u>پر خوری</u>	35
<u>پر خوری و سخت دلی</u>	35
<u>پرداخت بدهی برادران دینی</u>	36
<u>پرده پوشی</u>	37
<u>پرسش قیامت</u>	37
<u>پرسش گری</u>	38
<u>پرگویی</u>	39
<u>پرورش روح نیکوکاری</u>	40
<u>پرهیز از دخالت نابجا</u>	41
<u>پرهیز از سخت گیری</u>	41
<u>پرهیز از نجوا</u>	42
<u>پشتکار</u>	42
<u>پناهگاه نیازمندان</u>	43
<u>پندآموزی از درگذشتگان</u>	43
<u>پند و اندرز</u>	44
<u>پیشرفت معنوی</u>	44
<u>پیمان ازدواج</u>	45
<u>تأخیر در انجام کار</u>	46
<u>تأخیر در پرداخت بدهی</u>	46
<u>تأمین پوشاک مستمندان</u>	47
<u>رعایت عدالت میان فرزندان</u>	48
<u>تحقیر دیگران</u>	49
<u>تدبیر و خویشتن داری</u>	49
<u>تربیت فرزند</u>	50
<u>ترحم</u>	50
<u>ترویج فساد</u>	51
<u>تظاهر به گناه</u>	52
<u>تظاهر و ریا</u>	53
<u>تکریم دیگران</u>	54
<u>تلوت قرآن</u>	54
<u>تنفر از گناه</u>	55

توکل به قدرت الهی	56
تہمت دزدی	56
ثروت اندوزی	57
ثروت مندان بی تفاوت	58
جبران نیکی	59
جدال ہمیشگی	59
جدایی نزدیکان	60
جلب اعتماد مردم	61
جلب رضایت الهی	62
جنس فاسد	62
جواب نامہ	63
چشم داشتن به مال دیگران	63
حفظ آبرو	64
حفظ آبروی دیگران	65
حق کشی	65
حل اختلاف	66
حلال و حرام	67
حیا و ایمان	67
خبر ناموثق	68
خداترسی	69
خداخواہی	69
خدامحوری و رضایت الهی	70
خدمت به مردم	72
خدمت گزاری	72
خریدار پشیمان	73
خرید نسبیہ	73
خشم	74
خواب صبح گاہی	75
خواندن نامہ دیگران	76
خوش بویی	76
خوش رفتاری با خانواده	77
خوش رفتاری با مردم	77
خوش قلبی	78
خیر خواہی	78
دانش اندوزی	79
دانشمندان بی عمل	80
دانشمند فاسد	81
دانشوری	82

دخالت در درگیری	83
در انتظار فردا	83
درخت کاری	84
درخواست	84
دروغ گویی	85
دعا در غیاب دیگران	86
دعوت به گمراهی	87
دگرگونی های زندگی	87
دنیاگرایی	88
دوراندیشی	89
دورویان	89
دوری از مواضع اتهام	90
دوستی خدا	91
دین داری	91
دین گریزی	92
راز داری	93
راست گویان دروغین	93
راه نجات و رستگاری	94
راهنمایی	95
رسوایی آخرت	96
رسیدگی به خانواده	97
رسیدگی به فرزندان	97
رضایت خلق	98
رفع نیازمندی ها	99
روش تبلیغ	99
زهد و یارسایی	100
زیبا سخن گفتن	101
سست ایمانی و تجمل گرایی	102
سپردن کار به کاردان	103
ستایش بدکار	103
ستایش فریب کارانه	104
ستایش های بی جا	105
سحر خیزی و بی نیازی	105
سخنان دل نشین	106
سد معبر	106
سراشیدی سقوط	107
سرعت در خیرات	108
سستی در عبادت	108

سلام	109
سودمندی	110
سوغات سفر	111
سوگند ناصواب	111
شادی چشم ها	112
شایسته سالاری	113
شتاب در توبه	114
شرکت در مجلس ختم	114
شغل مناسب	115
شکار بی دلیل حیوانات	116
شکر نعمت	116
شنیدن سخنان خوب	117
شهادت دروغ	117
صدا زدن به بهترین نام ها	118
صداقت در تجارت	118
صله رحم	119
ضیافت مقبول	120
طلب عاقبت برای دیگران	120
عالم به دنیا و جاهل به آخرت	121
عبادت مخفی	122
عذر پذیری	122
عزت نفس	123
عزیزان به ذلت فتناده	123
عفت کلام	124
عفو به هنگام قدرت	125
علاقه به کار	125
عیادت از بیماران	126
غذای دسته جمعی	127
غرور علمی	127
غوغا سالاری	128
فداکاری برای دین	129
فروش مسکن	129
فریب کاران	130
قرض گرفتن	131
قضاوت	132
قناعت	132
کارگشایی	133
کردار نیک	133

کسب حلال	134
کم حوصله بودن	135
کمک به تحصیل فرزندان	135
کمک به نابینایان	136
کمک در ابلاغ پیام	137
کم گویی	137
کوچک شمردن دیگران	138
کوچک شمردن مشکلات	138
کیفیت بخشیدن به کار	139
گذشت	140
گردش ایام	140
گشاده رویی	141
گشایش در زندگی	142
گوهر های درخشان	142
لیخند	143
لجاجت و ستیزه جویی	144
مبارزه با هوای نفس	145
مدارا با بدهکاران	145
مدارا با مردم	146
مدارای مشروط	146
مداومت بر کار خیر	147
مردم آزاری	148
مزد کارگر	148
مشارکت در کار خانه	149
مشورت	150
ملاحظه کاری	150
مهمان ناخوانده	151
میزان سنجش عقل	151
نزدیک ترینان به پیامبر اعظم	152
نفرین ستم دیدگان	153
نگاهی به دنیا،نگاهی به آخرت	153
نماز	154
نماز شب	155
نماز صبح در مسجد	155
نیکوکاری	156
وساطت در ازدواج	157
وصیت نامه	157
وظایف والدین	158

159	وفای به عهد
159	هدیه
160	هدیه معنوی
161	هم نشینی با فقیران
161	هم نشینی با نیکان
162	یادداشت دانستنی ها
162	یاد کرد نیکی مردگان
163	یتیم نوازی
167	فصل اول: خوشه های نور
167	ارزش عمر
168	بریدن سخن دیگران
168	به دنبال مال حلال
169	تکریم سالمندان
169	توبه در جوانی
170	خلوت انس
170	خودشناسی و خداشناسی
171	دانشوری
171	دشمن ترین دشمن ها
172	دوای نادانی
172	راست گویی
172	زن شایسته
173	سربار جامعه
174	سودمندترین مردم
174	طمع ورزی
175	عزت مؤمن
176	مسافرت
176	هدیه نیکو
177	فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی (صلی الله علیه وآله)
177	1. ادای حق
177	2. امانت داری
177	3. انتظار فرج
178	4. بخشندگی
178	5. بخل و بدزبانی
178	6. بدگمانی
178	7. بهترین اخلاق
179	8. پرسشگری
179	9. پر هیزگاری
179	10. پستی دنیا

11. پشیمانی از گناه	179
12. تراشیدن شارب (سبیل)	180
13. ترک ازدواج	180
14. ترک جهاد	180
15. ترویج فساد	180
16. تقویت حافظه	181
شوهر	181
18. تنبلی	181
19. توبه کار	181
20. توکل	182
21. تهمت	182
22. ثروت طلبی	182
23. حب و بغض	182
24. حقیقت بی نیازی	183
25. حیا	183
26. خدمت رسانی	183
27. جاودانه ها	183
28. جایگاه عقل	184
29. خشم	184
30. خودنمایی	184
31. خوش خلقی	184
32. خویشتن داری	185
33. دانشوری	185
34. دروغ و خیانت	185
35. درهای نیکی	185
36. ذکر	186
37. رحمت الهی	186
38. رضایت همسر	186
39. روزی	186
40. زهد	187
41. سخن چینی	187
42. سرمایه عمر	187
43. سلام	187
44. شکرگزاری	188
45. صبر و شکر	188
46. صلوات	188
47. صلہ رحم	188
48. عامل کوری و کری	188

49. عبرت	189
50. عطابخشی	189
51. عفو و گذشت	189
52. عیب پوشی	189
53. غفلت	189
54. فال بد	190
و امام حسین (علیهم السلام)	190
56. کسب حلال	190
57. کمال دین	190
58. کمال عقل	191
59. کم خوری	191
60. کنترل زبان	191
61. گناهان کوچک	191
62. گشاده رویی	192
63. لجاج بازی	192
64. مبارزه با هوای نفس	192
65. مصلحت اندیشی در گفتار	192
66. مهریه	193
67. میانجی گری	193
68. ناسز آگویی	193
69. نشان منافق	193
70. نشانه اخلاص	194
71. نشانه بدبختی	194
72. نشانه راست گوینان	194
73. نشانه فاسق	195
74. نفاق	195
75. نگارش	195
76. نگاه مهر بانانه فرزند	195
77. نماز جماعت	196
78. نماز جمعه	196
79. نیرنگ	196
80. نیرنگ	196
81. وفای به عهد	197
82. ولایت محوری	197
83. هدیه	197
84. هم نشینی	197
85. یاد خدا	197

مطلع

زان که ملت را حیات از عشق اوست *** برگ ساز کاینات از عشق اوست

اقبال لاهوری

بیان شیرین و سخن دل نشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، شفا بخش ترین داروی دل های خسته ای است که راه و راهنمای کمال و سرچشمه خورشید را جستجو می کنند. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید:

بی گمان دل ها نیز بسان بدن ها خسته می شوند. پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت هایی بجوید.

به راستی، سفارش ها و رهنمودهای پیامبر، مانند بهاریه ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت می سازد.

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین *** آن که چون پیر خرد، راهنمایی دارد

پروین اعتصامی

و خوشا به حال آنان که گل های رنگارنگ از شاخ مراد می چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر ولایت، جان زمان را به نام همیشه نورانی رسول وحی و پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) آذین بسته، بهترین فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر بهترین هدیه ای است که می توان در آغاز بهار هدیه همراهان

ساخت. نبی مکرم می فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه ای حکمت آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از سقوط بازدارد، هدیه نمی دهد (1).

این مجموعه را که با هدف نهادینه سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شده است و سبزی بهار را در آینه سخنان رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) می جوید، تقدیم خوانندگان ارجمند می کنیم؛ باشد که رواق دل هایمان با نام و یاد او عطر آگین شود.

پيش گفتار

چه احتياج به عطر است آن پري رو را *** به گل ضرور نباشد گلاب پاشيدن

پيامبر اعظم(صلي الله عليه وآله)، هر جا كه دل هاي مردم را براي شنيدن آماده مي ديد، سخن مي گفت؛ چه بر منبر، چه روي زمين و چه سوار بر شتر؛ گاه نيز ايستاده سخنراني مي كرد. اگر بر فراز منبر مي رفت، صورت خود را به طرف مردم مي كرد و به آنان درود مي فرستاد و پايان خطابه اش با استغفار همراه بود. همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستايش او به خاطر نعمت هایش، توصيف كمال او، آموزش بنيان هاي اسلام، يادآوري بهشت و دوزخ و سراي و اپسين، سفارش به پارسايي و تبیین موارد خشم و خرسندي آفريدگار بود.

چنان شمرده سخن مي گفت كه شنونده مي توانست واژگانش را بشمارد. همچنين فشرده گوتريين انسان ها بود، ولي در عين ايجاز تمامي آنچه را مي خواست بگويد، بيان مي كرد. نه زياده گويي داشت و نه كم گويي؛ جمله هایش بي در بي بود و ميان آنها لحظه اي خاموش مي ماند تا شنونده، سخنانش را دريابد و به خاطر بسپارد.

شيرين سخن ترين و شيواگوتريين مردمان بود و مي فرمود: «من فصيح ترين عربم». باري، بهشتيان به زبان محمد(صلي الله عليه وآله) سخن مي گویند. جز به ضرورت سخن

نمي گفت و مي فرمود: «از نشانه هاي دانايي آدمي اين است كه در مسائل بيهوده، اندك سخن گوید». نه بسيار كم سخن بود و نه پرگو. هنگام حرف زدن، دهان را كاملا باز نمي كرد و زماني كه سخن مي گفت، شنوندگان سرشان را پايين مي انداختند و چنان آرام بودند كه گويي پرنده اي بر سرشان نشسته است و چون خاموش مي شد، آنان حرف مي زدند. به پُركويان هشدار مي داد و مي فرمود:

هر كه گفتارش بسيار باشد، اشتباهش بسيار شود و كسي كه اشتباهش زياد باشد، گناهانش بسيار گردد و هر كه گناهانش بسيار باشد، دوزخ براي او شايسته تر است(1).

آن حضرت هيچ گاه با نهايت مرتبه عقل و فهم خويش با كسي سخن نگفت و مي فرمود: «ما پيامبران، مأموريم كه با مردم به اندازه عقل و فهم آنان سخن بگوئيم(2)».

رسول الله(صلي الله عليه وآله)، نمونه کامل تجلي اين هنر و ادب است؛ سخنش عميق، بامحتوا، زيبا، سنجيده و مختصر بود و اضافه گويي و كاستي در سخن ايشان يافت نمي شد. آداب سخن را كاملا رعايت مي كرد، شمرده و آرام سخن مي گفت و در گفتارش صراحت لهجه داشت. در سخن گفتن سطح درك و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصيح ترين سخن را داشت و لحن سخن او جالب، جذاب و شيرين بود. با صداي کوتاه سخن مي گفت و كسي را با سخن نمي رنجاند. نعمت را هر چند ناچيز، گرامي مي داشت و از آن بدگويي نمي كرد.

سخن از ترسيم سيماي آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم ها را خيره و دل ها را مي ربايد؛ آفتابي كه دل و جان هر آزاده اي با آن آشناست. اين مجموعه، رشحه اي

1. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

2. همان، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

صفحه

۵

از كلمات ناب رسول الله(صلي الله عليه وآله) (است كه از نور محمد(صلي الله عليه وآله) برگرفته ايم و ما تنها وظيفه گوهرنمايي را بر عهده داريم. باشد كه آيينه كلامان بتواند عطر وجود پيامبر را از خلال گفته هاي حكمت آموزش، به مشام جان ها بيافشاند.

آنچه پيش روي شماست، اندكي از اقيانوس بي كران سخنان رسول الله(صلي الله عليه وآله) است كه به پيشواز سال پر برکت پيامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) نگارش يافته است. اميد كه رهروي شايسته براي نور تابانش باشيم.

يكي خط است ز اول تا به آخر *** بر او خلق جهان گشته مسافر

در اين ره، انبيا چون ساربانند *** دليل و راهنماي كاروانند

وز ايشان سيّد ما گشته سالار *** هم او اول، هم او آخر در اين كار

بر او ختم آمده پايان اين راه *** در او منزل شده ادعوا الي الله

شايسته است تا از تلاش دوستان مركز پژوهشهاي اسلامي صدا و سيما به ويژه آقاي محمدمصدق دهقان، ويراستار اثر در به سرانجام رساندن اين تحفه احمدي سپاس گزاراي كنيم.

اميد است كه انديشهورزان بيش از پيش در درياي مواج سخنان رسول اعظم(صلي الله عليه وآله) غور كنند و به قدر توان از ذخاير ارزشمند آن بهره گيرند و ارمغان راه ديگران سازند. و امسال كه مزين به ساخت مقدس رسول الله(صلي الله عليه وآله) است، بيش از پيش، معطر به عطر سخنان آنحضرت آغشته گردد و اخلاق نبوي در روح و جانمان نقش بندد.

ان شاء الله

صفحه

۶

صفحه

۷

بخش اول

پیام سعادت

صفحه

۸

صفحه

۹

آبرومندي

انسان هاي شريف و بزرگوار هرگز حاضر نيستند اندكي از آبروي خود را در برابر همه ثروت هاي جهان بدهند. از دیدگاه آنان، انسان بي آبرو مانند تن بي جان است که از هيچ ارزشي، نصيب و بهره اي ندارد. آنان با اين اعتقاد مي کوشند آبروي خود را به هر شکل ممکن، حفظ و در برابر سختي ها پايداري کنند. در مقابل، کساني نيز حاضرند براي به دست آوردن جاه و مال و مقام از آبروي خود مايه بگذارند و به هر کار ناشايستي تن در دهند. اينان تنها به اين دل خوشند که توانسته اند متاع بي ارزش دنيا را به دست آورند. داوري با شماست؟ آیا مي توان با ثروت و اندوخته هاي دنيايي، آبروي از دست رفته را به انسان آزاده برگرداند؟ پیامبر گرامي اسلام در مقام بيان ارزش و اهميت حفظ آبرو مي فرمايد:

دُبُّوا عَنْ أَعْرَاضِكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ (1).

با اموال خود از آبروي خويش دفاع کنيد.

آخرت فروشي

بعضي افراد به دليل برخورداري از مال و مقام و ديگر ظواهر مادي - که صد البته ناچيز و فاني است - معنويت خود را فدا مي کنند و کالاي با ارزش ايمان

[نهج الفصاحه، ش ۱۶۱۶].

صفحه

۱۰

را به قيمت کم مي فروشند. اينان پس از مدتي، خود را در اين معامله نابرابر، زيان کار مي بينند و به پشيماني و عذاب وجدان دچار مي شوند. آنان به راستي از زيان کارانند. زيان کارتر و بدبخت تر از اين گروه، کساني هستند که براي دنيايي ديگران، دين خود را مي فروشند. اينان به کساني ياري مي رسانند که در روز حساب، ياور آنان نخواهند بود. چنين فرادي به دليل کمک به دنياپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگي به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستين اسلام مي فرمايد:

إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَةَ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدًا أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ (1).

بدترين مردم از نظر مقام در روز قيامت، کسي است که آخرتش را براي دنيايي ديگران بفروشد.

آداب مهماني

پذيرش و بزرگداشت مهمان از صفات پسنديده است. ميزبان همواره بايد مقدم مهمان را گرامي بدارد. مهمان نيز نبايد از اين دستور اخلاقي سوءاستفاده کند و با زياده خواهي و خرج تراشي، صاحب خانه را به زحمت افکند. مهمان بايد بداند که حتي اگر در قالب شوخي، درخواستي بکند، ممکن است ميزبان - به دليل موقعيت ميزباني اش - آن را جدّي تلقي کند و در راه فراهم آوردن آن، خرج سنگيني را متحمل شود. از آن سو، ميزبان

نیز نباید با تکلف و دشواری خودخواسته، سفره خویش را رنگین سازد؛ زیرا این کار افزون بر اسراف کاری، میهمان را که در اندیشه جبران مهمانی است، به زحمت خواهد

1. نهج الفصاحة، ش ۹۱۵.

صفحه

۱۱

انداخت. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به ساده بودن سفره های مهمانی می فرماید:

لَا يَنْكَفِرُ أَحَدٌ لِضَيْفِهِ مَا لَا يَقْدِرُ (1).

میزبان نباید با تکلف، آنچه را قدرت ندارد، برای میهمان فراهم سازد.

آموزش

کسانی که از دانش بهره مندند، حق ندارند به بهانه های واهی با درخواست کردن مبلغ های بسیار، انتظار دانش پژوهان را بی پاسخ بگذارند و به تقاضای آنان پاسخ منفی بدهند. علما، استادان و معلمان وظیفه دارند تشنگان دانش را از دانش خویش بهره مند سازند. بی تردید، کسانی که توانایی انجام آموزش را دارند، ولی از زیر بار آن شانه خالی می کنند، نزد خداوند مسئولند. خداوند با اعطای نعمت دانش و برداشتن موانع گوناگون از پیش پایشان، از آنان انتظار دارد که در برابر این نعمت بزرگ، دیگران را از دانش خود سیراب سازند. بی تفاوتی و بی توجهی آموزگاران در برابر دانش جویان، با بازخواست شدید خداوند همراه خواهد بود. پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْ فَضْلِ عِلْمِهِ كَمَا يَسْأَلُهُ عَنْ فَضْلِ مَالِهِ (2).

خداوند از انسان درباره زیادی علمش بازخواست می کند، همان گونه که درباره زیادی مالش بازخواست می کند.

آموزگار خشن

تعلیم و تربیت در اسلام، جایگاه ویژه ای دارد و آموزگار و دانش آموز، هر دو مورد احترام هستند، هرچند ارزش استاد و آموزگار به مراتب بیشتر است.

1. همان، ش ۲۵۲۰.

2. همان، ش ۷۶۱.

صفحه

۱۲

آموزگار وظیفه دارد با شاگردان خود مهربان باشد، تا انگیزه و رغبت آنان به تحصیل دانش افزایش یابد. صبر و حوصله و آگاهی آموزگار از فنون تعلیم و تربیت، بسیار سازنده و کارگشا خواهد بود. برعکس، هرگونه خشونت و فشارهای بی‌امان روحی، می‌تواند نوآموز را دل‌سرد و ناتوان کند و او را به فرار از تحصیل وادارد. افراد بسیاری بوده‌اند که به دلیل برخوردهای ناسنجیده و رفتارهای خشونت‌آمیز آموزگار، از درس و تحصیل بازمانده و به افرادی کم‌ثمر تبدیل شده‌اند. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام به آموزگاران توصیه می‌فرماید:

عَلِّمُوا وَلَا تُعْظِمُوا فَإِنَّ الْمُعَلَّمَ خَيْرٌ مِنَ الْمُعْتَبِ (1).

آموزش دهید و خشونت نکنید؛ زیرا آموزگار بهتر از خشونتگر است.

آینده‌نگری در کار

باید پیش از انجام هر کاری، سود و زیان مادی و معنوی آن را سنجید و با مقایسه دریافت که آیا انجام آن کار به سود و صلاح است یا خیر؟ کسانی که در زندگی چنین محاسبه‌ای را در نظر می‌گیرند، نه تنها پشیمان نخواهند شد، بلکه همیشه از نتیجه کار خشنودند. در حقیقت، هر کار سنجیده و حساب شده‌ای به کام یابی بسیار نزدیک است. پس یکی از راه‌های موفقیت در زندگی این است که انسان جوانب هر کاری را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند. پیامبر اکرم (ص) صلی الله علیه و آله (می‌فرماید:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَفْعَلَ أَمْرًا فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا فَاْمُضِهِ وَإِنْ كَانَ شَرًّا فَانْتَه (2).

1. نهج الفصاحة، ش ۱۹۵۸.

2. همان، ش ۱۷۱.

صفحه

۱۳

هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.

»

الف

احترام به آموزگار

آموزگار، مقدس‌ترین واژه‌ای است که شنیدن آن، مهر، محبت و دانایی را در ذهن انسان تداعی می‌کند. آموزگار با پیام خود، دل‌های مرده را حیات می‌بخشد و آنان را از تاریکستان نادانی به سرزمین آباد و نورانی دانش رهنمون می‌سازد. به راستی، آموزگاران، ادامه‌دهندگان راه پیامبرانند که روزنه‌های دانش را به سوی دانش‌پژوهان می‌گشایند. خود مانند شمع می‌سوزند تا در پرتو روشنایی آنان، دیگران راه هدایت را بیمایند. اگر امروز، پرده‌های جهل و تاریکی دریده شده و انسان به پیشرفت‌های جدید دست یافته است، در سایه زحمت‌های طاقت‌فرسای آموزگاران است. پیامبر اسلام که خود، آموزگار انسان‌هاست، می‌فرماید:

وَقَرُّوا مَنِ نُعَلِّمُونَ مِنْهُ الْعِلْمَ وَوَقَرُّوا مَنْ نُعَلِّمُونَهُ الْعِلْمَ (1).

به کسانی که از آنان دانش می آموزید و نیز به کسی که به او دانش می آموزید، احترام بگذارید.

احترام به حقوق دیگران

همان گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق

1. همان، ش ۳۱۸۴.

صفحه

۱۴

کسی بی توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و ببانددیشید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم نوعان خود باشد. ایشان می فرماید:

أَحِبُّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ (1).

آنچه را برای مردم می خواهی، برای خود نیز بخواه.

احترام به هم نشینان

انسان باید به هم نشینان خود احترام بگذارد، با آنان برخوردی بی تکلف داشته باشد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم تر شود. انسان باید با کسانی هم نشین شود که هم تراز او بوده و از فرهنگ یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا هر دسته و گروهی، رفتاری متناسب با فرهنگ خود دارند و اگر با غیر خود مباشرت کنند، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم تراز او باشند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید:

أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ تَكْرَمَةُ الْجُلَسَاءِ (2).

بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم نشینان است.

همچنین فرموده است:

لَا تَصْحَبَنَّ أَحَدًا لَا يَرِي لَكَ كَمِثْلَ مَائِرِي لَهُ (3).

با کسی که تو را هم سنگ خود نمی داند، هم نشینی مکن.

1. نهج الفصاحة، ش ۸۷.

2. همان، ش ۳۹۶.

3. همان، ش ۲۴۶۱.

صفحه

۱۵

احسان و نیکوکاری

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت است و خداوند را خشنود می سازد. گاهی صدقه در قالب کمک های مالی معنا می یابد و خداوند نیز برای صدقه دهنده، پاداش های فراوانی را در نظر گرفته است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می توان به هرگونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی سلیم النفس باشد و در پی آزار دیگران نباشد، نزد خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده و در حق آنان احسان کرده است. پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) در این باره فرمود:

تُرْكُ الشَّرِّ صَدَقَةٌ (۱).

ترک کردن بدی، صدقه است.

ارتباط با ثروت مندان

امکانات همه افراد یکسان نیست. برخی شرایط اقتصادی مطلوبی دارند و بعضی دیگر در وضع متوسط یا بدی به سر می برند. بهتر است خانواده های معمولی با خانواده های دارا و ثروت مند کمتر رفت و آمد کنند؛ زیرا هنگامی که اعضای خانواده های معمولی با امکانات و اشیای گران قیمت و تجملی توانگران روبه رو می شوند، به آنچه در خانه خود دارند، بی رغبت می شوند. این پدیده، اثر مخرب روانی دارد؛ چون پیش از آن هم وضع چندان خوبی نداشتند، ولی بدون تشویش و نگرانی و حسرت، سپاس گزار خداوند بودند.

1. [تحف العقول، ص ۵۷.

صفحه

۱۶

اینک در آتش حسرت و ناداری می سوزند و چه بسا به راه کفران نعمت های بی دریغ الهی کشیده شوند. پیامبر گرامی اسلام در این باره سفارش می کند:

أَقْبَلُوا الدُّخُولَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ لَا تُزْدَرُوا نِعَمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۱).

پیش توانگران کمتر روید؛ زیرا در این صورت، نعمت های خدا را خوار نخواهید شمرد.

ارزش علم و عبادت

از دیر زمان این پرسش مطرح بوده است که علم برتر است یا عبادت؟ نشستن در حلقه علمی بهتر است یا پرداختن به تکلیف عبادی. باید دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می‌رسد، ولی دانش، هم فایده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشی مورد تأیید اسلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشی که فایده‌ای نداشته باشد یا متضمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می‌تواند بشر را به تکنولوژی برتر برساند و نیز می‌تواند زمینه‌ساز وارد آمدن زیان‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه انسانی باشد. نمونه آن در ساختن سلاح‌های میکروبی، شیمیایی یا بمب‌های اتمی و هیدروژنی به خوبی نمایان است. در کنار این نباید از یاد ببریم که بسیاری از پیشرفت‌های بشر در پرتو دانش صورت گرفته است. پیامبر ارجمند اسلام درباره وزن علم و عبادت می‌فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ أَفْضَلُ دِينِكُمْ الْوَرَعُ (2).

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب‌تر است و برترین دستور دین شما، پرهیزگاری و پارسایی است.

1. نهج الفصاحه، ش ۴۳۴.

2. تحف العقول، ص ۴۱.

صفحه

۱۷

ارزش هدایت دیگران

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از بزرگ‌ترین وظایف انسان است. برخی می‌پندارند این مهم را تنها یک دانشمند یا عالم دینی باید انجام دهد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه اسلامی باید برای انجام آن بکوشند. چه بسا با یک رفتار سنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد. همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد که اگر افراد در آن مسئله پا در میانی کنند، ممکن است به راه‌های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می‌افتد که پس از رخ دادن حادثه‌ای، انسان خود را ملامت می‌کند که چرا در راه صلح و سازش و هدایت دیگران گامی برنداشته است. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید:

لَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ (1).

اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

استبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صفات ناپسند اخلاقی است. دارنده این صفت، انتظار دارد که دیگران حتماً سخن او را بپذیرند و بی‌چون و چرا اجرا کنند. این‌گونه افراد به دلیل انتظار پوچ و بی‌اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه‌رو می‌شوند و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی‌دهند. به طور کلی، نفس سلیم انسانی در برابر زورگویی‌ها، واکنش منفی نشان می‌دهد و هرگز زیر بار

1. نهج الفصاحه، ش ۲۲۱۶.

تحمیل و اجبار نمی رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی جا نداشته باشند و خود را با واقعیت های موجود، سازگار سازند. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می فرماید:

... وَ كَفِيَ بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذَا أُعْجِبَ بِرَأْيِهِ (1).

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه های دیگران

برخی انسان ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه های دیگران بهره می برند. بسیار اتفاق می افتد که افراد در کوتاه ترین زمان ممکن به کمک تجربه های دیگران به مسائل جدیدی دست می یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه های هنگفت صرف می کردند. بنابراین، انسان می تواند با استفاده از تجربه های ارزنده دیگران که حاصل سال ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی های تجربه گذشتگان را برطرف کند.

ب) به تجربه های تازه و غیرمنتظره ای دست یابد.

انسان می تواند از اندوخته های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می فرماید:

... لَا حَكِيمَ إِلَّا دُوَّ تَجْرِبَةٍ (2).

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

1. نهج الفصاحة، ش ۲۱۲۹.

2. همان، ش ۲۴۹۱.

استقامت

برخی افراد با اراده نیرومند، کارها را آغاز می کنند، ولی پس از رخ دادن کوچک ترین مشکل، از آن دست می کشند. باید دانست هیچ مشکلی در برابر نیروی شگرف انسان، تاب ایستادگی ندارد و با مقاومت و پایداری می توان ضربه های نهایی را به عوامل سست کننده اراده وارد کرد. بکوشیم روح استقامت در برابر حوادث و پیشامدها را در وجودمان زنده نگه داریم و با بردباری بر مشکلات چیره گردیم.

اساساً هر انسانی در زندگی با مسائل تلخ و شیرین و فراز و فرودهای گوناگونی روبه رو خواهد شد. آدمی هرگاه در سختی ها قرار می گیرد، نباید ناامید و ناتوان باشد، بلکه باید با توکل به خداوند منان و بردباری، راه

موفقیت را ببیماید. به طور کلی، کسی که تاب تحمل مشکلات را ندارد و خود را می بازد، ظرفیت وجودی متناسب ندارد و مانند بیدی است که با هر بادی می لرزد. در مقابل، کسانی که با ایمان و بردبار هستند، در فراز و نشیب زندگی به کوهی استوار می مانند که حتی به برادران دینی خود نیز قوت قلب می دهند. حضرت محمد(صلي الله عليه وآله) در این باره می فرماید:

إِسْتَقِيمُوا وَ نِعِمَّا إِنَّ إِسْتَقَمْتُمْ(1).

استقامت کنید و چه خوب است که استوار باشید.

اظهار خوشحالی از گناه

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرمنده و پشیمان می گردند و همین پشیمانی سبب می شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان

1. همان، ش ۲۸۶.

صفحه

۲۰

می کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند. در مقابل، عده ای دیگر چنان پرده حیا را دریده اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می کنند. بی تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان ها قرار می گیرند و در برابر آیین انسان ساز اسلام که به پرده پوشی گناه دستور داده است، ایستاده اند، به عقوبتی دردناک دچار می شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشداري آموزنده می فرماید:

مَنْ أذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي(1).

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می شود.

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان ها با اینکه حق را تشخیص می دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل گوناگونی دارد. گاهی برای تضییع حقوق دیگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت باز می دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه های آزادی بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزادمردان جهان می فرماید:

لَا تَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ مَهَابَةَ النَّاسِ أَنْ يُفْوَماً بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ(2).

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حق باز دارد.

1. نهج الفصاحة، ش ۲۹۵۹.

اظهار نکردن فقر

بیشتر مردم بر اساس ظواهر قضاوت می کنند؛ یعنی به محض اینکه دریافتند کسی از نظر مالی، وضعیت خوبی ندارد، به تصور اینکه مبادا روزی از او توقع و انتظاری داشته باشد، از وی کناره می گیرند. در این حالت، برای شخص فقیر هم پای دیگران احترام قائل نمی شوند و حتی حاضر نیستند به سخنان منطقی و با ارزش او به اندازه سخنان پوچ و بی ارزش افراد توانگر گوش فرادهند. با وجود این، شایسته است انسان، با عزت نفس و خویشتن داری، فقر و نداری خود را نزد هر کس و ناکس اظهار نکند تا شخصیت او تخریب نشود. البته در شرایط اضطراری، انسان باید نیاز مندی های خود را به دیگران بگوید تا بر اساس دستورهای انسان دوستانه اسلام، نیاز او برطرف شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره حفظ آبرو و خویشتن داری می فرماید:

مَنْ تَفَاقَرَ إِفْتَقَرَ (1).

هر کس خود را فقیر نشان دهد، فقیر خواهد شد.

اعتدال و میانه روی

خوش بینی و بدبینی بیش از اندازه ممکن است زیان های جبران ناپذیری در پی داشته باشد. بدبینی بیش از اندازه می تواند بنای مستحکم خانواده را در هم بکوبد. ساده اندیشان بسیاری نیز بوده اند که با خوش بینی بیش از اندازه و اعتماد نابجا، زمینه ساز فساد و تباهی فرزندان شان شده اند. بنابراین، انسان باید همواره جانب اعتدال و احتیاط را پیش گیرد تا به پشیمانی دچار نگردد. اعتدال در همه موارد به ویژه وضعیت اقتصادی و معیشتی، توان مندی انسان

را افزایش می دهد و او را در برابر بحران ها بیمه می کند. پیامبر رحمت می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْنَكُمْ بِالْقَصْدِ (1).

ای مردم! میانه روی را پیشه خود سازید.

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی هرگز نمی توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی پایان الهی بزرگ تر نیست. از این رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است. پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه

خود بترسد و به توبه و استغفار روي آورد. باشد که درهاي رحمت حضرت حق بر وي گشوده شود و مورد
آمزش قرار گيرد. پيامبر بزرگ اسلام مي فرمايد:

أَلْفَاجِرُ الرَّاجِي لِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَقْرَبُ مِنْهَا مِنَ الْعَابِدِ الْمُقْنِطِ (2).

بدكاري که به رحمت خدا اميد دارد، از عابد نااميد، به خدا نزديک تر است.

»

ب

بازتاب رفتار

حج گزاردن، صدقه دادن و پيوند با خوشاوندان از جمله کارهايي هستند که پاداش فراواني در دنيا و آخرت به
همراه دارند، ولي بعضي از انسان ها فکر

1. نهج الفصاحة، ش ۲۱۱.

2. همان، ش ۲۰۶۲.

صفحه

۲۳

مي کنند که پاداش مالي و توسعه اقتصادي از وعده هايي است که بايد براي ايشان
کاملا محسوس باشد. از اين رو، وقتي زندگي آنان به شکل محسوسي تغيير نمي کند، دچار سردرگمي
مي شوند. غافل از اينکه پاداش دنيوي، تنها به امور اقتصادي محدود نمي شود، بلکه شامل هرگونه گنايش در
کارهاست. هر چند در موارد فراواني، توسعه مالي هم در زندگي محسوس است و اگر هم چنين نيست،
بي شک به خاطر مصلحتي يا نبودن شرايط لازم براي دريافت است. در مجموع، اين توصيه ها، حقايق
حتمي و ترديدناپذير است که بايد آن را پذيرفت. کم و بيش ديده يا شنيده ايم که اين سه عمل افزون بر
سازندگي، چه نتايج درخشاني براي انسان در پي داشته اند و دقيقاً در فقرزدائي، دفع بلا و درازي عمر
مؤثرند.

پيامبر اسلام در صدقه و احسان، زباند خاص و عام بود و حتي از اقوامي که پيوند خود را با ايشان
مي بريدند، ارتباط برقرار مي ساخت. ايشان به ديگران نيز مي فرمود که پروا پيشه کنيد و با خویشان ارتباط
داشته باشيد که بوي بهشت از فاصله هزار سال راه استشمام مي شود، ولي کسي که پيوند خويشي بگسلد، آن
را استشمام نمي کند. ايشان در سخني زيبا مي فرمايد:

ثَلَاثٌ تَوَابُهُنَّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: الْحَجُّ يُفِي الْفَقْرَ وَ الصَّدَقَةُ تُدْفَعُ الْبَلِيَّةَ وَ صَلَهِ الرَّحْمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ (1).

سه چيز است که ثواب آنها در دنيا و آخرت پايدار مي ماند: حج، فقر را نابود مي سازد؛ صدقه، بلا و
گرفتاري را برطرف مي سازد و صله رحم، عمر را طولاني مي کند.

1. تحف العقول، ص ۷.

بازخواست مؤدبانه

ممکن است شما از کسی طلب کار باشید. در این حال، اگر به تندی و تحکم با او برخورد کنید، با واکنش منفی او روبه رو خواهید شد و چه بسا، کار به دعوا و برخوردهای فیزیکی بیانجامد. در پایان نیز پی آمدهای مخرب روحی این کار، شما را آزار خواهد داد. ولی اگر با احترام و محبت، با وی روبه رو شوید، او نیز به اندازه توان، در پرداخت حقوق خود خواهد کوشید. در این صورت، کدورت و دشمنی رخ نمی دهد، بلکه روابط صمیمانه تری برقرار می شود و چه بسا اگر روزی، شما به او احتیاج پیدا کنید، وی از هیچ کمکی، دریغ نخواهد کرد. بنابراین، شتاب و تندی نکردن در بازخواست دین ها، می تواند کارساز باشد. پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) می فرماید:

... فَأَتُوا اللَّهَ وَأَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ(1).

... از خدا بترسید و در طلب کردن با ملایمت رفتار کنید.

بازگشت

به جز معصومین(علیهم السلام)، هیچ کس از گناه ایمن نیست. افراد عادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگاهی گناه می کنند و از یاد می برند که عالم محضر خداست و آدمی نباید در حضور خداوند، چنین جسارتی کند. با این حال، چه بسیارند کسانی که توفیق زبانی شامل حالشان می شود و از کرده خود پشیمان و به پاک سازی دل مشغول می شوند. آنان در تلاشند با دلی پاک و روانی آرام از جهان خاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشایند. اینان آن گاه که بر اثر

[نهج الفصاحه، ش ۲۴۴۷].

وسوسه های شیطانی، دامن خود را به گناه می آلاینند، از خدا استغفار می جویند و رنج توبه را بر خود هموار می سازند. این حالت، اعتقاد آنان به معاد و جهان آخرت را نشان می دهد. وقتی انسان در برابر دیدگان همیشه بیدار خداوند، گناه کرد و فقط او از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او دست داد و با رنج عبادت و اشک دیدگان، در صدد جبران لغزش ها برآمد، خداوند نیز او را شامل رحمت خود می کند و از او درمی گذرد. پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) (در ترغیب به توبه و بازگشت می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَيَّ دَنْبٌ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيَّ ذَلِكَ الدَّنْبِ أَحَدٌ غَيْرُ اللَّهِ(1).

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و بر گناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می کند.

بازی و تفریح

بعضی ها گمان می کنند که انسان های مذهبی اجازه ندارند به تفریح و سرگرمی بپردازند. از این رو، اگر افراد مذهبی را در حال بازی و تفریح ببینند، شگفت زده می شوند. در حالی که مذهب نه تنها مخالف این گونه رفتارها نیست، بلکه در پاره ای روایت ها، پیروان خود را به این امر تشویق می کند؛ زیرا تفریح و بازی های مفید بر سلامتی و نیرومندی انسان ها می افزاید. البته نوع بازی، بسیار اهمیت دارد و باید با شئون اسلامی سازگار باشد. بازی باید با

1. تحف العقول، ص ۸.

صفحه

۲۶

شرایط زمانی، مکانی، سن و شخصیت افراد متناسب باشد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

أَلْهُوا وَ الْعَبَا فِائِي أَكْرَهُ أَنْ يُرِي فِي دِينِكُمْ غِلْظَةً (1).

تفریح و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما، خشونت دیده شود.

بدترین فقر

نادانی، بیماری درمان ناپذیری است. نادان از هر خیر و نیکی بی بهره است، استقلال فکری ندارد و مانند بید، با هر بادی به سویی می چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصمیم بگیرند و در این میان نمی داند که مسیر هدایت را می پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می کند. اگر انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسیر نور و روشنایی نصیب او می گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود. داوری های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است.

چنین انسانی تا مرز سعادت و نیک بختی بسیار فاصله دارد. اگر به سوی بصیرت و دانایی نرود، در دنیا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می فرماید:

يَا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ (2).

ای علی! همانا فقری سخت تر از نادانی نیست.

1. نهج الفصاحه، ش ۵۳۱.

2. تحف العقول، ص ۶.

صفحه

۲۷

بدگویی در غیاب افراد

بدگویی و غیبت از عادت های بسیار ناپسند است. شخص بدگو و غیبت کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می گوید که ایشان را ناراحت می کند. از این رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج و هراس به سر می برد تا مبادا چهره منافقانه اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویدا کنیم یا به بدگویی از ایشان بپردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره حفظ زبان می فرماید:

ما گر هت أن تُواجهَ بهِ أخاکَ فهوَ غیبتهُ(1).

هر چیزی را که دوست نداری روبه روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض های نابجا

انسان گاهی در زندگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیدا می کند. پس باید نیازهای اساسی خود را از راه «قرض الحسنه» که یک سنت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست نیاز دراز می کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می سازند. آدمی باید خویشتن دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای

1. نهج الفصاحه، ش ۲۶۵۵.

صفحه

۲۸

انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَ الدَّيْنَ فَإِنَّهُ هُمُّ بِاللَّيْلِ وَ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ(1).

از قرض کردن بپرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.

برادران الهی

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی خیزد، طرح دوستی بریزیم. افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآییم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می ستاید. ایشان می فرماید:

خيارُكُمْ مَنْ دَنَرَكُمْ باللهِ رُوِيَّتُهُ وَ زَادَ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ رَعَبَكُمْ فِي الآخِرَةِ عَمَلُهُ(2).

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

برخورد جوان مردانه با محرومان

بسیاری از مردم با آنکه خود، بهترین غذاها را مصرف می کنند، ولی هنگامی که می خواهند به فقیران غذا بدهند، غذایی می دهند که خودشان هیچ تمایلی

1. نهج الفصاحة، ش ۹۹۰.

2. همان، ش ۱۴۷۸.

صفحه

۲۹

برای خوردن آن ندارند. این کار دور از جوان مردی است؛ زیرا مروت اقتضا می کند انسان همان چیزی را برای دیگران ببیند که برای خود می پسندد. بر اساس دستور قرآن مجید و سیره ائمه معصومین (علیهم السلام)، شایسته است انسان از بهترین داشته های خود، به فقیران ببخشد و نباید با دادن چیزهای پست و بی ارزش، طبع انسانی آنان را خوار بشمارد؛ زیرا پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

لا تُطعموا المساكينَ ممَّا لا تأکلونَ (1).

از آنچه خودتان نمی خورید، به مسکینان ندهید.

برخورد مناسب با زیردستان

انسان نباید با زیردستان، برخورد متکبرانه و غیر انسانی داشته باشد. وظیفه اخلاقی ایجاب می کند که با دیگران به لطف و مهر سخن گوئیم و به شکرانه موقعیتی که خداوند در اختیارمان نهاده است، متواضع باشیم. چه بسا ممکن است زیردستان، از توانایی ها و کمال اخلاقی برخوردار باشند که نزد خدا و خلق بسیار باارزش تر است. انسان ها را نباید فقط با عینک جاه و مقام و موقعیت ها سنجید؛ زیرا میزان قضاوت درباره دیگران، اخلاق و رفتار و منش آنان است. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

أیما راع لم یرحم رعیته حرم الله علیه الجنة (2).

هر مسئولی که به زیردست خود رحم نکند، خدا، بهشت را بر او حرام می کند.

1. همان، ش ۲۴۶۵.

2. همان، ش ۱۰۲۸.

صفحه

۳۰

بصیرت به خود

بعضی افراد با تعریف های بی جای دیگران، احساس غرور می کنند و می پندارند به راستی آدم های خوبی هستند که مورد توجه دیگران قرار گرفته اند. در نتیجه، خود را برتر می بینند. برعکس، اگر مورد سرزنش و بدگویی دیگران قرار بگیرند، در روحیه آنان، اثر بسیار بدی می گذارد و خواب و خوراک را از آنان سلب می کند و گمان می کنند که انسان های بد، کوچک و بی ارزش هستند. این دو، هیچ یک خود را با واقعیت تطبیق نداده اند. حقیقت آن است که هر انسانی در درون خویش بهتر می داند که چگونه آدمی است و چه خصلت های خوب و بدی دارد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در توصیه ای ارزشمند می فرماید:

إِسْتَفْتِ نَفْسَكَ وَ إِنْ أَقْتَاكَ الْمُفْتُونَ (1).

(نیکی و بدی) را از خودت بپرس؛ دیگران هر چه می خواهند، بگویند.

بهترین کردار

ترک محرمات و انجام واجبات، راه دست یابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسیم شده الهی راضی باشد. حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان کمال جو، در دام آنها اسیر نمی شود. مگر نه این است که خداوند پیش از تولد کودک، روزی او را از پیش مهیا ساخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمان ها هیچ جنبنده ای را بی غذا رها نمی سازد. پس چگونه

[1] نهج الفصاحة، ش ۲۸۴.

صفحه

۳۱

انسان مؤمن در غم روزی فرو می رود و به هزاران ترفند دست می زند تا نصیب و بهره ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نیاشیم وقتی که آفریننده ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دست یابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید:

أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَيَّ اللَّهُ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَنْ آتَى اللَّهَ بِمَا اقْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ وَمَنْ وَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ وَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ (1).

بهترین کارها نزد خدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کند، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصی که به روزی خدا قانع باشد، از بی نیازترین مردم است.

بی احترامی به والدین

پدر و مادر حق بزرگی بر انسان دارند؛ زیرا حیات و هستی انسان ها، مرهون وجود والدین است و خدمات شبانه روزی فرزندان نمی تواند ذره ای از تلاش خالصانه و بی دریغ آنان را پاسخ گو باشد. چه بسیار ناپسند

است اگر انسانی که توان کوچک ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگره داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک نشناسی

1. تحف العقول، ص ۷.

صفحه

۳۲

به والدین ناسزا بگوید و مایه رنجش خاطر آنان گردد. ادب و انسانیت اقتضا می کند که دست کم اگر نمی توانیم تلاش های طاقت فرسای آنان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی حرمتی به والدین، خود را گرفتار عذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران سنگ می فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ (1).

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گوید، ملعون است.

بی نیازی و توانگری

متأسفانه می بینیم گاهی افراد ثروتمند به بی بند و باری روی می آورند و ثروت های خدادادی را در مسیر نادرست به کار می گیرند. این در حالی است که می توان داده های خدا را در راه خدایی مصرف کرد که اگر چنین شود، خشنودی خالق و مخلوق را به همراه دارد.

چه بسیار انسان هایی که زیر این آسمان کیود حاتموار زیستند و نام نیک دنیایی برای خویش به یادگار گذاشتند و پاداش بی پایان الهی را در عالم برزخ و دنیای جاویدان ذخیره کردند. آری، می توان ثروت فناپذیر دنیا را ارزشمند و جاودانه کرد، به شرطی که بر اساس آموزه های دینی از آن بهره برداری شود. رسول گرامی اسلام می فرماید:

نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَي تَقْوَى اللَّهِ الْغَنِيِّ (2).

بی نیازی و توانگری، برای پرهیزگاری، خوب یآوری است.

1. نهج الفصاحه، ش ۲۷۴۴.

2. تحف العقول، ص ۴۹.

صفحه

۳۳

»

پ

پاسداری در راه خدا

بی تردید، کسانی که در شب های سرد زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان، برای حفاظت از مال و جان و ناموس دیگران، هرگونه خطری را به جان می خزند و لحظه ای از تلاش و کوشش باز نمی مانند، در پیش گاه خداوند از پاداش بزرگی برخوردارند. پاسداری در راه خدا در عین عبادت بودن، خدمت بزرگی به جامعه انسانی است. چه کسی می تواند خدمات صادقانه این عزیزان را که ماه ها از زن و فرزند و خانه و کاشانه خود دور می مانند، به هیچ بیانگارد؟ انصاف و جوان مردی ایجاب می کند که سپاس گزار این ایثارگران باشیم. پیامبر گرامی اسلام درباره ارزش عمل این عزیزان می فرماید:

عَيْنَانِ لَا يَمَسُهُمَا النَّارُ أَبَدًا عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ حَسْبِيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَأْتَتْ حُرْسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (1).

دو چشم است که هرگز آتش بدان نمی رسد؛ چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را به حراست در راه خدا به سر برده است.

پاکیزگی

بهداشت تن و روان در سیره عملی پیشوایان اسلام، جایگاه بس ارجمندی داشته است. از این رو، روایت شده است که آنان با ظاهری آراسته و لباس هایی پاکیزه در بین مردم حاضر می شدند. باید دانست آراستگی ظاهری به معنای نو پوشیدن نیست، بلکه انسان با لباس های ساده، ولی تمیز و مرتب می تواند

[1] نهج الفصاحه، ش ۱۹۹۶.

صفحه

۳۴

پاکیزگی را به بهترین شکل نمودار سازد. مردم از انسان های کثیف و بی نظافت همواره نفرت دارند و می کوشند از آنان فاصله بگیرند. پیامبر نیکو خصال می فرماید:

اَلْاِسْلَامُ تَطِيْفٌ فَتَنْظِفُوْا فَاِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا تَطِيْفٌ (1).

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید؛ زیرا جز پاکیزگان، کسی به بهشت نمی رود.

پرحرفی

انسان های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی ارزشند. آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می کوشند بی اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند. بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می کنند که از هم نشینی با او بپرهیزند. بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دل زدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می فرماید:

مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثُرَ سَقَطُهُ (2).

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می شود.

همچنین می فرماید:

نِعْمَ الْهَدِيَّةُ الْكَلِمَةُ مِنْ كَلَامِ الْحَكَمَةِ (3).

چه نیکو هدیه ای است یک گفتار حکمت آموز.

1. نهج الفصاحة، ش ۱۰۵۵.

2. همان، ش ۲۷۵۱.

3. همان، ش ۳۱۳۲.

صفحه

۳۵

پر خوري

بعضي افراد گمان مي کنند هر چه بر سر سفره گذاشته اند، براي مصرف است و با تلاش و اصرار زياد مي خواهند آن را ميل کنند. در حالي که اين کار، سرآغاز بسياري از بيماري ها و بر خلاف توصيه هاي ائمه معصومين (عليهم السلام) است. آن بزرگواران تأکيد دارند پيش از سيري کامل و با وجود داشتن اشتها به غذا، از سر سفره برخيزيد. بسياري از اوقات، با اينکه پزشکان، افراد را از خوردن غذاي بيشت از حد منع مي کنند، باز مي بينيم که آنان نمي توانند از اشتهاي کاذب خود جلوگيري کنند. در نتيجه، به بيماري هاي ديگري دچار مي شوند. پيامبر اعظم (صلي الله عليه وآله) در بيان زيان هاي پر خوري مي فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَفَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ (1).

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می ماند و هر کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر قساوت خواهد شد.

پر خوري و سخت دلي

کساني که به پر خوري عادت دارند، از کارهاي عبادي و وظائف معنوي خود باز مي مانند؛ زيرا پر خوري، امکان هرگونه فعاليتي را از آنان مي گيرد. در اين صورت، به تدريج در چنگال انواع بيماري هاي جسمي و روحي گرفتار مي شوند و سلامتي خود را از دست مي دهند. نبود سلامتي نيز قدرت انديشيدن را از آنان مي گيرد. افزون بر اين، ممکن است بعضي افراد، براي سير

1. همان، ش ۲۷۷۹.

صفحه

۳۶

کردن خود، به هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می فرماید:

مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ(1).

هر کس به پرخوری عادت کند، سخت دل می شود.

پرداخت بدهی برادران دینی

بر عهده گرفتن پرداخت بدهی بدهکاران، یکی از با ارزش ترین کارها است. بعضی افراد به دلایلی، به دیگران بدهکار شده اند و چون توان باز پرداخت آن را ندارند، اکنون در گوشه زندان ها به سر می برند و خانواده های آنان با مشکلات فراوانی دست به گریبانند. در چنین حالی، اگر کسی توان مالی دارد، باید پیش گام شود و با بر عهده گرفتن پرداخت بدهی بدهکار، او و خانواده اش را از پی آمدهای فقر و ناداری نجات دهد. این عمل که نشانه جوان مردی و آزادگی است و ارمغان رهایی با خود دارد، خداوند متعال را خشنود می سازد. پیامبر گرامی اسلام یکی از بهترین اعمال را نزد خداوند زدودن غصه و رنج بدهکاران دانسته است:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ... أَوْ دَفَعَ عَنْهُ مَعْرَمًا أَوْ كَسَفَ عَنْهُ كُرْبًا(2).

بهترین کارها نزد خداوند این است که قرض مدیون را پرداخت کنند یا غم را از چهره او بزدایند.

1. نهج الفصاحة، ش ۲۷۷۶.

2. همان، ش ۷۶.

پرده پوشی

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظرگاه الهی دور نمی ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه ندارد آن را آشکار کند؛ زیرا سبب لکه دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می شود و چه بسا وی گستاخ تر شود و حتی آشکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) درباره حفظ اسرار دیگران می فرماید:

لَا تَخْرُقَنَّ عَلَيَّ أَحَدٌ سِتْرًا(1).

هرگز پرده اسرار دیگران را ندرید.

يکي از نام هاي قيامت، «يوم الحساب» است. در اين روز، انسان بايد پاسخ گوي گفتار و رفتار خود باشد، هر چند خداوند از نهران و پنهان ما آگاه است. در اين روز، از سرمايه عمر انسان مي پرسند و از اينکه عمر گران مایه را در چه راهي به کار گرفته است. از بهترين دوران عمر که مي تواند بار و بنه فراوان برچيند (يعني جواني) مي پرسند که چگونه از بهار عمر، بهره برداري کرده است. از مالش مي پرسند که آن را از چه راهي به دست آورده و در چه طريقي مصرف کرده است. در پايان نيز مي پرسند که آیا عشق و محبت

1. همان، ش ۲۴۳۱.

صفحه

۳۸

اهل بيت(عليهم السلام) را در تار و پود وجود خود تنیده يا از آن فاصله گرفته و جاده گمراهي را پيموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخي است که در چننه دارد. پیامبر خدا، محمد (صلي الله عليه وآله) (مي فرمايد:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ (1).

روز قيامت، هيچ بنده اي قدم از قدم بر نمي دارد تا اينکه چهار چيز از او پرسیده شود: از عمرش که در چه کاري آن را گذرانده است؛ از جواني اش که در چه کاري آن را صرف کرده است؛ از مالش که آن را از کجا به دست آورده و در چه موردی خرج کرده است و از محبت ما اهل بيت.

پرسش گري

اساساً هر پرسشي که از اهل آن پرسیده شود، بر دانسته هاي آدمي افزايد و درجه اي هم نزد خالق هستي مي يابد. اگر انسان رنج پرسيدن را بر خود هموار کند، در پرتو نور و روشنايي دانش، آرامش مي يابد. پرسيدن، عيب نيست و چيزي از مقام و مرتبه او نمي کاهد، بلکه ندانستن، عيب است. آدمي هيچ گاه نبايد به خاطر حياي نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شايسته است در هر موقعيتي، پرسش هاي خود را با عالمان مطرح کنيم.

1. [بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۵۸؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵].

صفحه

۳۹

پرسش مي تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگري فرا مي خواند، ولي پرسش هاي نهفته در ذهن آدمي، کارگشا نيست. عيب هاي آدمي با پرسشگري رفع و با هر پرسشي، گنجينه دانش دانشمندان به سوي ديگران گشوده مي شود و آنان شايسته برخورداري از پاداش معنوي مي شوند. چه بسا افراد ديگري نيز همين پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار مي سازند. بر اين اساس، پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) (مي فرمايد:

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَقَاتِيحُهَا السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤْجِرُ أَرْبَعَةً: السَّائِلُ وَ الْمُتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمْعُ وَ الْمُجِبُّ لَهُمْ (1).

دانش، گنجینه ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس بپرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می برند: پرسنده، پاسخ گو، شنونده و دوستدار آن.

پرگویی

برخی افراد چنان پرحرفند که عرصه را بر شنونده تنگ می کنند. در این حالت، شنونده در جستجوی راهی است تا خود را از شرّ این گوینده پرحرف خلاص کند. این گونه افراد چون زیاد سخن می گویند، هر سخن پوچ و کم ارزشی را بر زبان می رانند و چه بسا دچار مکررگویی و دروغ گویی می شوند و بعدها ناگزیرند پاسخ گوی سخنان ناسنجیده خود باشند. بنابراین،

1. [تحف العقول، ص ۴۱].

صفحه

۴۰

شایسته است انسان، مختصر و مفید سخن بگوید و توجه داشته باشد که پرحرفی، از اعتبار او در جامعه می کاهد. پیامبر اعظم (صلي الله عليه وآله) در نکوهش این صفت ناپسند می فرماید:

شِرَارُ أُمَّتِي التَّرَاوُونَ (1).

پرگویان و پرچانه ها، بدهای امت من هستند.

پرورش روح نیکوکاری

فرزندان، هر خوب و بدی را ابتدا از اولین خاستگاه تربیتی؛ یعنی خانواده می آموزند. اگر والدین به آنچه می گویند، عمل کنند، او احساس می کند که در جمع افراد صادق و متعهد زیست می کند. از این رو، از همان دوران کودکی، روح گذشت و ایثار در فرزند تقویت می شود. پدر و مادر نیز از دیدن روحیه گذشت فرزندشان لذت خواهند برد؛ زیرا محصول رفتار پسندیده خودشان بوده است. اگر این عمل تکرار شود، به ملکه تبدیل خواهد شد و فرزند نیز این عمل را به فرزندانش خویش منتقل خواهد کرد. در نتیجه، در پایه گذاری این سنت پسندیده و اجر آن همگان شریک خواهند بود. پیامبر مهربان اسلام چنین سفارش فرموده است:

رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَآلِدَةً عَلَيَّ بَرَّةً (2).

خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را در راه نیکوکاری یاری دهد.

1. نهج الفصاحه، ش ۱۸۰۴.

2. همان، ش ۱۶۶۰.

صفحه

۴۱

پرهیز از دخالت نابجا

یکی از صفات ناپسند این است که انسان درباره موضوعی اظهار نظر کند که به او مربوط نیست. این امر ممکن است برای فرد، خانواده و جامعه، زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد. ممکن است انسان به دلیل کم‌تجربه بودن یا به هر دلیل دیگری، در کاری که به او مربوط نیست، دخالت کند و در نتیجه، قدر و منزلت خود را از دست بدهد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

أَعْظُمُ النَّاسُ قُدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنيهِ (1).

عالی‌قدرترین مردم کسی است که در آنچه به او مربوط نیست، دخالت نکند.

پرهیز از سخت‌گیری

سخت‌گیری بر دیگران، نه تنها بر احترام و ارزش انسان نمی‌افزاید، بلکه روز به روز از محبوبیت او نیز می‌کاهد. به طور کلی، سخت‌گیری، روش و منش کسانی است که از وجدان انسانی پیروی نمی‌کنند و به دیگران به دیده تحقیر می‌نگرند. فرد سخت‌گیر، به بیماری خودکم‌بینی دچار است و اینک که روزگار، وی را به ظاهر بر دیگران مسلط کرده است، می‌کوشد عقده‌های پیشین را فرافکنی کند. پیامبر رحمت و شفقت در توصیه به مهربانی می‌فرماید:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا، عَلَيَّ كُلِّ هَيِّنٍ لَيْنٍ قَرِيبٍ سَهْلٍ (2).

آیا می‌خواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کسی حرام است؛ هر کس که ملایم، نرم‌خو، زودجوش و آسان‌گیر باشد.

1. همان، ش ۳۵۵.

2. همان، ش ۴۵۹.

صفحه

۴۲

پرهیز از نجوا

اگر خواستید سخنی خصوصی را به کسی بگویید، سعی کنید گفتوگویی تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حالت، اطرافیان می‌پندارند درباره آنان صحبت می‌کنید یا اینکه شما، آنان را غریبه فرض کرده و سخن تان را با ایشان در میان نگذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد. شایسته است از گفتوگوهای خصوصی در حضور دیگران بپرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسلام نیز در هشدار می‌فرماید:

إِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى إِثْنَانِ دُونَ الثَّلَاثِ (1).

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از سومی نجوا نکنند.

پشتکار

بعضی افراد با اینکه هوش و استعداد کافی دارند و زمینه های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است، ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکامی بیشتر به دلیل نداشتن همت و پشتکار کافی است. در مقابل، افراد بی استعدادی را می بینیم که با پشتکار و تلاش و پی گیری همه جانبه به بهترین موفقیت ها دست می یابند. باری، آدمی با پشتکار می تواند بسیاری از ضعف ها و ناتوانی های خود را جبران کند و به پیروزی های عالی دست یابد. رسول الله (صلي الله عليه وآله) در تشویق به پی گیری و تلاش می فرماید:

مَنْ يُدِمُّ فِرْعَانَ الْبَابِ يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ (2).

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی او بگشایند.

1. نهج الفصاحة، ش ۲۳۵.

2. همان، ش ۳۰۶۵.

صفحه

۴۳

پناهگاه نیازمندان

بعضی از انسان ها نزد مردم جایگاهی بس ارزشمند دارند و مردم در رفع مشکلاتشان به سوی آنان می شتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شده است تا گشایشگر گره های کور زندگی دیگران باشند. زمانی که به این اشخاص مراجعه می کنیم، با نهایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می کنند، به گونه ای که فرد احساس حقارت نمی کند، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می بیند. این بزرگواران، بی اعتنا از کنار مشکلات دیگران نمی گذرند، بلکه خود به سویشان می شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی دارند. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسته های دیگران را تحفه ای رحمانی می شمارند. چه سعادت است که این بهتر که آدمی، پناه گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه گاهی مطمئن که خود به پناه گاهی قدرتمند پیوسته است. پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) درباره چنین انسان هایی می فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَفْرَعُ إِلَيْهِمُ النَّاسُ فِي حَوَائِجِهِمْ، أَوْلَيْكَ هُمُ الْآمُونُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1).

خداوند بندگانی دارد که مردم در نیازمندی ها و مشکلاتشان به آنان مراجعه می کنند و پناه می برند. آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام کار، انسان را متوجه سرنوشت آینده خود می کند و با اندکی تأمل، پی می برد که دوران خوشی ها و ناخوشی ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و

1. تحف العقول، ص ۵۲.

سربلندي مي رساند، رفتار نيك اوست. پس نيكوست كه از گذر ايام و سرگذشت مسافراني كه به سراي آخرت شتافته اند، عبرت گيريم و خود را براي اين سفر خطير آماده كنيم. پيامبر بزرگوار اسلام درباره اهميت پندآموزي از درگذشتگان مي فرمايد:

اطَّلِعْ فِي الْقُبُورِ وَ اعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ (1).

در قبرها بنگر و از روز رستاخيز پند بگير.

پند و اندرز

هيچ كس نبايد خود را از نصيحت بي نياز بداند. چه بسا بزرگاني كه به دليل بي توجهي، دچار لغزش مي شوند، به راهنمايي نياز دارند. در حكومت اسلامي، مسئولان ارشد و عالي رتبه نيز بايد خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذيراي راهنمايي اهل منطق باشند. همچنين اگر مردم، سياست مداران يا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببينند، بايد به نصيحت آنان پردازند. بنابراين، همگان وظيفه دارند تا با نصيحت يكدیگر، راه از چاه باز شناسند. پيامبر اعظم (صلي الله عليه وآله) مي فرمايد:

اِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ نُصْحًا فِي نَفْسِهِ فَلْيَذْكُرْهُ لَهُ (2).

اگر كسي براي برادر خود نصيحتي در خاطر مي يابد، بايد به او بگويد.

پيشرفت معنوي

امروزه مردم به جمع آوري مال و حتي يك دست كردن وسايل زندگي اهميت فراواني مي دهند و اگر وسيله اي را كم ببينند، با گذشتن از وقت ارزشمند و

1. نهج الفصاحه، ش ۳۳۰.

2. همان، ش ۲۴۵.

مال خود مي كوشند آن را به دست آورند. اين همه تلاش براي امري زودگذر و فناپذير كه بايد نيروي آن را براي ديگران واگذارد، آيا خردمندانه است؟

اي كاش همان قدر كه به امور دنيوي اهميت مي دهيم، در اندیشه اصلاح كاستي هاي رويي و معنوي خود بوديم. انسان كامل كسي است كه دو روزش مثل هم نباشد. اگر صداقت، سپاس گزاري، حيا و گشاده رويي اش كم رنگ است، بايد آنها را با جديت و كوشش پررنگ كند و همان شود كه خدا و رسولش انتظار دارند. رسول گرامي اسلام مي فرمايد:

أَرْبَعٌ مَنْ يَكُنْ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامُهُ: الصَّدْقُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ(1).

چهار صفت هستند که اگر در کسی باشند، اسلام آن شخص کامل است: راست گویی، سپاس گزاری، حیا و خوش رویی.

پیمان ازدواج

با ازدواج، پیوندی صمیمی و ناگسستنی میان زن و مرد پدید می آید و هر دو زوج عهد می بندند که در سختی ها و آسانی ها، خوشی ها و ناخوشی ها، یاور یکدیگر باشند. هیچ یک از طرفین، نباید این پیمان مقدس را نادیده بگیرند و با رخ دادن کمترین مشکلی، از جدایی سخن بگویند. هم دلی زن و شوهر، ضامن یک عمر سعادت و دل خوشی خانوادگی است. این گونه است که می توان ضریب دوام آن را افزایش داد. باید با ثبات و ضبط این پیوند، از هرگونه سوء استفاده و بی مسئولیتی پیش گیری کرد. تثبیت ازدواج، تعهد

[تحف العقول، ص ۹.]

صفحه

۴۶

زوجین را افزایش و احتمال گسست آن را کاهش می دهد. بر این اساس، پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در تثبیت ازدواج می فرماید:

أَشِيدُوا النِّكَاحَ وَ أَعْلِيُوهُ(1).

نکاح را محکم و آشکار کنید.

»

ت

تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی های انسان های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت های زمانی، انجام کارها را به فردا حواله می دهند و گاهی تا هفته ها، ماه ها و سال ها از انجام آن خودداری می کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می بیند؛ زیرا فرصت ها هیچ گاه تکرار نمی شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می شود که به هیچ وجه نمی توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) در توصیه ای نیکو می فرماید:

لَا تَدَعَنَّ حَقًّا لَعْدًا فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَافِيهِ(2).

کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

تأخیر در پرداخت بدهی

بعضی افراد با اینکه توان پرداخت بدهی خود را دارند، ولی در این کار درنگ می کنند. اینان چنان به این کار عادت کرده اند که با پرداخت به موقع قرض،

1. نهج الفصاحه، ش ۳۱۳.

2. همان، ش ۲۴۳۳.

صفحه

۴۷

احساس کمبود به آنان دست می دهد و فکر می کنند حقی از آنان ضایع شده است. این افراد همان قدر که در پرداخت بدهی، تعلل میورزند، در گرفتن مطالبات خود شتاب دارند و با بدهکاران به شدت برخورد می کنند و تأخیر آنان را بر نمی تابند. اینان با چنین رفتاری، اعتبار خود را از دست خواهند داد و در موارد نیاز، دیگر کسی به آنان اعتماد نخواهد کرد. پیامبر عظیم الشان اسلام در نکوهش چنین اخلاق ناپسندی می فرماید:

أَلْمَعَكُ طَرْفٌ مِنَ الظُّلْمِ (1).

تأخیر در پرداخت دین، گوشه ای (پرده ای) از ستم است.

تأمین پوشاک مستمندان

پوشاک، یکی از نیازهای اساسی هر انسان است؛ زیرا او را از گزند گرما و سرما در امان می دارد. البته تهیه پوشش ابرومندانه برای افراد بی بضاعت، کار پسندیده ای است که بر آن تأکید شده است.

به فرض اگر در آستانه عید نوروز، پوشاک مناسب فصل را در قالبی ابرومندانه به خانواده های بی بضاعت اهدا کنیم، موجی از شادمانی، آن خانواده را فرامی گیرد و رضایت خداوندی را فراهم می سازد. بدین ترتیب، کودکان بی بضاعت آن خانواده ها، با حسرت به لباس های اطرافیان نمی نگرند و خانواده ها نیز نزد فرزندان شان شرمسار نخواهند شد. پیامبر گرامی اسلام در ترویج این سنت پسندیده می فرماید:

مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتُرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ بِثَوْبِهِ فَلْيَفْعَلْ (2).

هر کس از شما می تواند برادر مؤمن خویش را به جامه ای بپوشاند، بپوشاند (این کار را انجام دهد).

1. همان، ش ۳۱۱۶.

2. همان، ش ۲۹۵۷.

صفحه

۴۸

رعایت عدالت میان فرزندان

تبعیض میان فرزندان، در روحیه فرزندان آثار نامطلوبی به جا می نهد. والدین نباید به یکی از فرزندان محبت فراوان نشان دهند، ولی با دیگری، سرد و عادی برخورد کنند. این گونه برخوردها، بذر حسادت و دشمنی را در فرزندان، بارور و آنان را به عقده خود کم بینی دچار می سازد. درگیری های خانوادگی و اختلال در تعادل روانی از مهم ترین پی آمدهای این گونه برخوردهاست. بکوشیم همیشه محبت را به مساوات میان فرزندان تقسیم کنیم؛ زیرا پیامبر گران قدر اسلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ (1).

خداوند، عدالت و برابری میان فرزندان را دوست دارد، حتی در بوسه.

بنابراین، پدر و مادر هیچ گاه نباید میان فرزندان خود با تبعیض رفتار کنند؛ یعنی به بعضی، امتیازهای بیشتری بدهند و برخی دیگر را از آن امتیازها محروم کنند. چنین کاری، حسادت فرزندان را به یکدیگر برمی انگیزد و کانون گرم خانواده را از آموزشگاه مساوات و یکسان نگری، به محیط پر آشوب و جدال تبدیل می کند. والدین باید بکوشند روح لطیف و آسیب پذیر کودکان را از بحران های روحی دور نگاه دارند. پیامبر ارجمند اسلام برای کودکان احترام و ارزش فوق العاده ای قائل بود. ایشان می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ وَأَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَبْرُؤَكُمْ (2).

از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید. همان گونه که می خواهید با شما به نیکی رفتار کنند.

1. نهج الفصاحة، ش ۷۵۴.

2. همان، ش ۳۶.

صفحه

۴۹

تحقیر دیگران

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می شود روح و روان برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می فرماید:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ (1).

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

تدبیر و خویشتن داری

انسان در صورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلاب تباهی ها فرو خواهد رفت. بی تردید، اگر انسان به خود تلقین کند که نیروی فوق العاده ای دارد و می تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی ها چیره شود، به پیروزی های چشم گیری دست خواهد یافت. برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می دهد و

شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی‌ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است:

لَاعْقَلَ كَالْتَدْبِيرِ وَ لاَورَعَ كَالْكَفِّ (2).

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن داری نیست.

1. همان، ش ۲۵۰.

2. همان، ش ۲۵۰۴.

صفحه

۵۰

تربیت فرزند

بسیاری از پدران و مادران، از وضع ناهنجار روحی و جسمی فرزندان خود شکایت می‌کنند. این در حالی است که آنان باید از بی‌مبالایی‌ها و سهل‌انگاری‌های خودشان متأثر باشند. فرزند مانند نهالی است که با مراقبت شایسته، به درختی بارور تبدیل خواهد شد؛ یعنی اگر برای پرورش روح و روان آنان سرمایه‌گذاری کنیم، افرادی سالم و صالح به جامعه اسلامی تحویل داده می‌شود. بنابراین، والدین باید در تربیت فرزندان از هیچ کوششی دریغ نورزند و آنان را با آداب اسلامی آشنا کنند؛ زیرا این کار به سود فرد، خانواده و جامعه است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، مسئولیت پرورش فرزندان را بر دوش والدین می‌داند و در این باره می‌فرماید:

اگرُمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ احْسِنُوا اَدَابَهُمْ (1).

فرزندان را گرامی شمارید و آنان را نیکو پرورش دهید.

ترجم

رحمت و رأفت به دیگران در نهاد آدمی به ودیعت نهاده شده است. انسان دوست دارد به دیگران کمک کند و دست‌فندگان را بگیرد و آنان را به اوج برساند. به‌ویژه کسانی که زمانی برای خود مقام و مرتبه‌ای داشته‌اند، ولی بر اثر ناملایمات و فراز و فرودهای دنیوی، مال و مقام و موقعیت و منزلت خویش را از دست داده‌اند. بدیهی است کسانی که در وضعیت متعادلی زندگی می‌کنند یا زیر خط فقر هستند، به همان حالت عادت کرده‌اند و به‌گونه‌ای از آن رضایت دارند، ولی برای کسانی که زندگی خوبی را تجربه کرده‌اند،

1. نهج الفصاحة، ش ۴۵۱.

صفحه

۵۱

رو آوردن به زندگي معمولي بسيار دشوار و عذاب آور است. كساني كه در زماني نه چندان دور و به سبب پست و مقام خود، مورد احترام عوام و خواص بوده اند يا ثروتمنداني كه افراد زيادي بر خوان كرم او روزي مي خورده اند، اينك بايد مانند يك فرد معمولي زندگي كنند و اين وضعيت بر ايشان درآور است.

براي مثال، اگر انديشمندي كه قدرت علمي بالايي دارد، در ميان كساني قرار گرفته است كه هيچ استفاده علمي از او نمي برند، خود را بي فايده مي شمارد؛ زيرا نمي تواند زكات علم خود را كه انتشار آن است، بپردازد. بر اين اساس، رسول رحمت در توصيه اي گران سنگ مي فرمايد:

ارْحَمُوا عَزِيزاً ذُلًّا وَ غَنِيًّا اِفْقَرًا وَ عَالِمًا ضَاعَ فِي زَمَانٍ جُهَالٍ (1).

[به سه كس رحم كنيد]: آدم عزيز و ارجمندي كه به خاک خواري افتاده است؛ شخص بي نياز و توانگري كه به فقر و هلاكت دچار شده است؛ دانشمندي كه در زمان مردمي نادان حضور دارد و تباه گشته است.

ترويج فساد

بنيان گذار هر مكتب و ايده اي، عامل اساسي در ترويج آن سنت و ايده است. چه بسا كساني كه مكنتي را تاسيس و در طول تاريخ، افراد زيادي از آن مكتب پيروي مي كنند. اين اشخاص ممكن است سنت نيكوبي را پايه گذاري كنند يا راه غلطي را به ديگران رهنمون شوند. بي شك، هر ايده پردازي به پيرواني نياز دارد كه افكار او را تبليغ كنند و آن را در ميان مردم رواج دهند. افرادي كه فكر نادرست يا كردار زشتي را در ميان ديگران رواج مي دهند، در فرهنگ سازي

[تحف العقول، ص ۳۶].

صفحه

۵۲

غلط، نقش فراواني دارند. آنها مي كوشند تا روز به روز افراد ديگري را در مسير راه و رسم نادرست هم فكران خود قرار دهند و آنان را از جاده سلامت خارج سازند. اگر نبود تلاش هاي اين افراد، هيچ گاه آن گونه كه بايد و شايد، آن ايده يا فكر نادرست در ميان ديگران نهادينه نمي شد. پس اگر بنيان گذار مكتب انحرافي، گناه كار است، ترويج گران اين ايده ها نيز بخشي از مسئوليت و بار گناهان را بر دوش مي كشند. پيامبر اكرم(صلي الله عليه وآله فرمود:

مَنْ اَذَاعَ فَاَحْشَهُ كَانَ كَمُبْتَدِعِهَا (1).

كسي كه گناهي را انتشار دهد، مانند كسي است كه آن را ايجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

گناهي كه انسان آشكارا و در حضور ديگران مرتكب مي شود، مستوجب مجازات بيشتري خواهد بود؛ زيرا اين كار به معنای بي اهميت دانستن دستورهاي الهي و پشت پا زدن به آنهاست. تظاهر به گناه، حيا و عفت عمومي را خدشه دار مي كند و سبب مي شود تا ديگران براي انجام گناه گستاخ شوند. در نتيجه، ميزان گناه و فساد در جامعه افزايش مي يابد و محيط پاک و سالم جامعه اسلامي آلوده مي شود. پيامبر گرامي اسلام درباره نكوهش اين ناهنجاري مي فرمايد:

كُلُّ أُمَّتِي مُعَافِي إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ (2).

همه امت من بخشیده خواهند شد مگر تظاهرکنندگان به گناه.

1. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶.

2. نهج الفصاحه، ش ۲۱۶۷.

صفحه

۵۳

تظاهر و ریا

ریا، نوعی بیماری است که بعضی از مردم به آن دچار هستند. این افراد در هر کار خیر و در هر عمل مفیدی، به ریا و تظاهر عادت دارند. اینان اگر بدانند در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی شوند، از انجام آن سر باز می زنند. این انسان های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شناخته می شوند و مردم به نیت شان پی می برند. آنان عبادت ها و رفتار های خیر خود را به دلیل تظاهر، باطل و بی ارزش می کنند. در مقابل، شخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خدا انجام می دهد و انتظار تشکر از سوی مردم را ندارد؛ زیرا پاداش الهی، بزرگ و بی پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزند و متاع دنیوی فایده ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسیاری از درهای بسته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به هدر نمی دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهاند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نشانه ریاکار را چنین برمی شمارد:

لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَنْشَطُ إِذَا كَانَ عِنْدَ النَّاسِ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ (1).

شخص ریاکار سه نشانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

[تحف العقول، ص ۱۰].

صفحه

۵۴

تکریم دیگران

احترام به دیگران باید بر اساس عقل، دانش، شرافت، بزرگی و کرامت افراد باشد. اگر این عوامل منشأ احترام قرار گیرند، تکریم همیشگی و از روی رضایت قلبی خواهد بود. در مقابل، اگر احترام به فردی بر اثر ترس و محافظه کاری باشد، احترام تنها از اعضا و جوارح خارجی او سر می زند و با قلب او همراه نیست. انسان به ظاهر، در حال تکریم است، ولی در درون از او اکراه دارد. پس احترام او برای خلاص شدن از یک وظیفه اجباری است.

چه خوب است که به این سخن ارزشمند پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) توجه کنیم که فرمود احترام به منظور امنیت از شر دیگران شایسته احترام شونده نیست:

إِلَّا إِنْ شَرَّ أُمَّتِي يُكْرَمُونَ مَخَافَةَ شَرِّهِمْ، أَلَا وَ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتَّقَاءَ شَرِّهِ فَلَيْسَ مِنِّي (1).

آگاه باشید! بدترین پیروان من، کسانی هستند که از ترس شرشان، مورد احترام باشند. آگاه باشید! کسی که مردم به خاطر ایمن بودن از شرش به او احترامی می نهند، از من نیست.

تلاوت قرآن

آدمی در طول زندگی و در رویارویی با مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی هایی دچار می شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد. یکی از بهترین راه های تصفیه ناخالصی ها، تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می دهد و ناخالصی ها را به نورانیت و صفا تبدیل می کند. در حقیقت، کلام قرآن،

[تحف العقول، ص ۵۸.]

صفحه

۵۵

معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می دهد. پس بیاییم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدَّءُ كَمَا يَصَدَّءُ الْحَدِيدُ. قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ (1).

دل ها مانند آهن زنگ می زند. گفتند: «صیقل آن چیست؟» گفت: «بیاد مرگ و خواندن قرآن.»

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی کند و چه بسا با آنان هم گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می فرماید:

[نهج الفصاحه، ش ۹۳۴.]

صفحه

۵۶

مَنْ حَضَرَ مَعْصِيَةَ فِكْرَهَا فَكَأَنَّهَا غَابَتْ عَنْهَا وَ مَنْ غَابَتْ عَنْهَا فَحَضَرَهَا (1).

هر کس ناظر گناهی باشد و از آن متنفر شود، مانند کسی است که در آنجا نیست و هر کس در محل گناه نباشد و از آن راضی باشد، مانند کسی است که در آنجا حضور دارد.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسمانی، از بسیاری موجودات دیگر ضعیف تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد، اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سبب شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسخیر او در آورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسمان و آنچه را در آن وجود دارد، تا حدودی به سیطره خود درآورده است. آن گاه که انسان به قدرت بی پایان الهی می پیوندد و پای خود را از محدوده زندگی مادی فراتر می نهد، این توانایی افزایش می یابد. در این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر می بیند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (2).

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی تر باشد، باید به خدا توکل کند.

تهمت دزدی

بعضی مال باختگان پس از دزدیده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می زنند. آنان بدون تحقیق کافی و استدلال منطقی، بی درنگ دادگاه غیابی

1. نهج الفصاحة، ش ۲۹۲۷.

2. همان، ش ۲۸۱۹.

صفحه

۵۷

تشکیل می دهند و آبروی دیگران را بر باد می دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطاست. آبروی افراد نباید بازیچه پندارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد باید تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه اینکه با هیاهو، حقوق دیگران را پای مال سازد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در نکوهش چنین رویه ای می فرماید:

لَا يَزَالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِي تُهْمَةٍ مَنْ هُوَ بَرٌّ مِنْهُ حَتَّى يَكُونَ أَكْبَرَ جُرْمًا مِنَ السَّارِقِ (1).

دزد زده کسانی را که از دزدی بی خبرند، آن قدر تهمت می زند که گنااهش از خود دزد بیشتر خواهد شد.

»

ث

بي ترديد، ثروت در رفع نيازهاي فردي و اجتماعي مي تواند اثربخش باشد. ثروت مندي که در مسير سازندگي تلاش مي کند، مي تواند اسباب آسايش اجتماعي را فراهم آورد و از شکاف هاي عميق طبقاتي جلوگیری کند. متأسفانه فرادي يافت مي شوند که نه تنها از ثروت خود در راه منافع جمعي سود نمي برند، بلکه از به کارگيري آن در رونق زندگي شخصي خود نيز دريغ ميورزند. اين انبارکنندگان ثروت، از چرخش صحيح پول در جامعه جلوگیری مي کنند و سرمايه اي را که مي تواند گشايشگر مشکلات ديگران باشد، در انحصار خود نگه مي دارند. اين افراد

1. همان، ش ۲۵۳۹.

صفحه

۵۸

با به کارگيري درست سرمايه خود، مي توانند نيك نامي دنيا و آخرت را براي خويش فراهم آورند. رسول الله(صلي الله عليه وآله) (در ترغيب به اين اقدام خداپسندانه مي فرمايد:

... طوبى لمن عمل بعلمه و أنفق الفضل من ماله(1).

... خوشا به حال كسي كه به علم خويش عمل كند و زيادي مال خود را ببخشد.

ثروت مندان بي تفاوت

ثروت مندان در برابر درماندگان وظيفه سنگيني بر عهده دارند و نبايد به بهانه هاي واهي از اين تكليف الهي - وجداني شانه خالي كنند. اگر هم نمي خواهند به ديگران كمك كنند، با برچسب هايي همچون دروغ گو، دارا، شياد، كلاه بردار، تنبل و مانند آن، ديگران را نرنجانند. توانگران نبايد به ثروت هاي بي شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممكن است در حادثه اي، همه دارايي شان را از دست بدهند يا به دليل بيماري و از دست دادن سلامتي، هيچ يك از سرمايه هاي دنيايي براي شان سودمند نيافتند. آيا بهتر نيست به شكرانه بازوي توانا و دارايي خدادادي، به ياري ناتوانان بشتابند و بدانند كه اين گونه اعمال نه تنها از ثروت شان نمي كاهد، بلكه خوش نامي دنيا و آخرت را براي شان به ارمغان مي آورد. پيامبر اكرم(صلي الله عليه وآله) (در نكوهش ثروت مندان بي تفاوت مي فرمايد:

وَيْلٌ لِلْأَغْنِيَاءِ مِنَ الْفُقَرَاءِ(2).

واي بر توانگران] به دليل رسيدگي نکردن به [نياز مندان.

1. نهج الفصاحة، ش ۱۹۱۱.

2. همان، ش ۳۱۸۷.

صفحه

۵۹

جبران نیکی

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشت، باید قدردانی و سپاس گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند. چنین پاسخی بازتاب های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه دهنده در پی دارد. سپاس گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می کند و احسان کننده نیز به کار خیر تشویق می شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی های دیگران سپاس گزاری نکند، در مقابل نعمت های بی شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی گشاید. پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) در این باره دستور العمل ویژه ای صادر کرده است:

مَنْ آتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَأَثْنُوهُ فَإِنَّ النَّئَاءَ جَزَاءٌ(1).

کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس گزاری، پاداش و جبران به شمار می آید.

جدال همیشگی

بعضی افراد همیشه در فکر جدال و با دیگران در حال ستیزند و به بهانه های واهی، محیط امن خانواده را به صحنه های جنگ و جدال تبدیل می کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند و همیشه زیر لب غرولند می کنند.

[تحف العقول، ص ۴۹].

صفحه

۶۰

رفتار و گفتار آنان نشان می دهد که در درون خویش با کسی، درگیری لفظی یا فیزیکی دارند. اینان در خواب آرامش ندارند و با داد و قال های کذایی از خواب می پرند و عرصه را بر خود و همگان تنگ می کنند. این افراد تعادل روحی ندارند. اطرافیان باید با کمک همدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می کند، پرهیز کنند. پیامبر گرامی اسلام، جدال همیشگی را مردود شمرده است و می فرماید:

كُفِيَ بَكَ إِثْمًا أَنْ لَا تَزَالَ مُخَاصِمًا(1).

همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه جویی باشی.

جدایی نزدیکان

اسلام با توجه به لزوم ارتباط سالم و عاطفی میان اعضای یک خانواده و جامعه، برای تحکیم آن، توصیه های مؤکدی صادر کرده است. اسلام، کسانی را که به شکل های گوناگون می کوشند رابطه افراد را تیره و تار و آنان را نسبت به هم بدبین کنند، نکوهیده و عذاب های بسیار رنج آوری به آنان و عده داده است. از بدترین نوع جدایی، گسستن پیوند زناشویی است که کودک از مادر و برادر از برادر دور می افتد. آنان سالیان سال در آرزوی دیدار یکدیگر لحظه شماری می کنند و آتش حسرت در دل دارند. به راستی آیا بچه های طلاق با این ضربه های جبران ناپذیر روحی و عاطفی، می توانند شخصیت سالم داشته و فرد مفیدی برای آینده میهن خویش باشند؟

افراد بسیاری هستند که عجلانه و تحت تأثیر احساسات، به جدایی تن می دهند و سپس پشیمان می شوند یا اینکه فرد سومی با وسوسه های شیطانی، پیوند زناشویی آنان را به هم می زند. تفرقه گرایان، به آنان وعده های پوچ

1. انهج الفصاحه، ش ۲۱۳۸.

صفحه

۶۱

می دهند و دیری نمی باید که آنان به ناپسند بودن عمل خویش پی می برند، ولی افسوس که دیگر امیدی به اصلاح کار نیست. پیامبر عظیم الشان اسلام در نکوهش تفرقه افکنان می فرماید:

لَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَوَلَدِهَا وَبَيْنَ الْأَخِ وَآخِيهِ(1).

خدا لعنت کند کسی را که میان فرزند و مادر و برادر و برادر جدایی می افکند.

جلب اعتماد مردم

بعضی ها آن قدر پاک و با ایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می کنند و در گرفتاری ها و سختی ها، آنان را پشتوانه خویش می دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسرار و درخواست های خود را با او در میان بگذارند. چنین فردی که برای وجدان و شرافت انسانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش های معنوی خویش را فدای خواسته های زودگذر دنیوی نمی کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه گاه و تکیه گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشمول رحمت خویش قرار می دهد. پیامبر اسلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می داند و می فرماید:

كُفِيَ بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوثِقَ بِهِ فِي أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ(2).

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش به او اعتماد کنند.

1. همان، ش ۲۲۴۰.

2. همان، ش ۲۱۳۵.

جلب رضایت الهی

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند. آنچه اهمیت دارد، ترجیح دادن رضایت الهی بر رضایت بندگان است. چنین کرداری از اعتقاد عمیق و ایمان راسخ انسان‌های وارسته ریشه می‌گیرد که دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می‌دانند. جلب رضایت الهی از توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می‌فرماید:

مَنْ إلتَمَسَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (1) ...

هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می‌شود. ...

جنس فاسد

بعضی افراد سودجو، اجناس فاسد شده را با ظاهر سازی، به عنوان جنس سالم به مشتریان می‌فروشند. این عمل بیشتر در میدان‌های میوه‌فروشی و تره‌بار شایع است و فروشنده با اینکه می‌داند یک طرف میوه فاسد شده و قابل استفاده نیست، آن را به شیوه مخصوصی می‌چیند. آن گاه با تردستی ویژه‌ای به فروشنده می‌فروشد. این عمل بسیار ناپسند و اجحاف است و نارضایتی خریدار از جنس خریداری شده، فروشنده را مدیون خواهد کرد. در نتیجه، برکت از مال و دارایی فروشنده رخت برمی‌بندد. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

[نهج الفصاحة، ش ۲۷۸۳].

مَا مِنْ عَبْدٍ يَبِيعُ قَالِدًا إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ تَالِفًا (1).

خداوند به هر کس که جنس فاسد بفروشد، تلف‌کننده‌ای مسلط خواهد کرد.

جواب نامه

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می‌کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی‌پاسخ می‌گذارند. وقتی کسی نامه‌ای می‌نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل‌انگاری و بی‌توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با پاسخ گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

إِنَّ لِحَوَابِ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَدَ السَّلَامِ (2).

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان گونه که پاسخ سلام واجب است.

»

ج

چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می شود و از وقت و انرژی او می کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می تواند در

1. همان، ش ۲۶۸۴.

2. همان، ش ۸۸۰.

صفحه

۶۴

توسعه زندگی خود به کار گیرد، در خیال ها و اوهام هزینه می کند. موضوع اینکه فلانی چه می کند، چه معامله ای انجام داده، چقدر سود برده و چقدر مال و منال اندوخته است، نه تنها فایده ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می شود و گاهی درصدد مقایسه برمی آید. گاهی هم دچار تردید در روزی رسانی خداوند می شود و به همین سبب، خود و دیگران را سرزنش می کند. رسول الله (صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید:

مَنْ مَدَّ عَيْنَيْهِ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ دُنْيَاهُمْ طَالَ حَزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ وَ تَنَعَّصَ عَلَيْهِ عَيْشُهُ (1).

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد، غم و اندوه او طولانی می شود و از رزقی که خدا برای او مقرر فرموده است، خشم ناک می گردد و زندگی برای او تیره می شود.

»

ح

حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ ترین تکیه گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجا یا نابجا، چنان آبروی افراد بر باد

مي رود که تا پايان عمر از زیر بار سنگين بي آبرويي خارج نمي شوند. در اين حال فکر مي کنند همه حيثيت آنان لکه دار شده است و زبازد خاص و عام گشته اند. به اين دليل از مشارکت دست مي کشند و خود را از ديگران پنهان مي سازند. چه پسندیده است حتي در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه ای با او رفتار شود که آبرويش محفوظ بماند. به يقين، اگر کسی، حيثيت بي گناهي را

1. تحف العقول، ص ۵۱.

صفحه

۶۵

بي دليل لکه دار کند، خود نیز به خواري خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروي برادران ديني مي فرمايد:

مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِ النَّارِ (1).

خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروي برادر ديني خويش دفاع کند، بازمي دارد.

حفظ آبروي ديگران

بارها دیده يا شنیده ايم که افرادی، با ايثار و گذشت، آبروداري مي کنند و نمي گذارند آبروي ديگران بريزد. در نتيجه، پيش وجدان خويش و خلق خدا سرافراز شده اند. از سوي ديگر مي بينيم برخي افراد، به دليل مسائل کم اهميت و بي ارزش، آبرو و حيثيت ديگران را از بين مي برند. گاهي اين آبروريزي چنان سنگين است که فرد ناگزير مي شود شهر و کاشانه خود را ترک کند و به جايي پناه ببرد که کسی او را نمي شناسد. حضرت محمد(صلي الله عليه وآله)، حفظ آبروي مسلمان را واجب مي داند و مي فرمايد:

أَرْبَى الرَّبِّا شَتْمُ الْأَعْرَاضِ (2). ...

بدترين ربا، ناسزا يي است که نسبت به آبروي مردم گفته شود. ...

حق کشي

برخي افراد، تنها و تنها به منافع خويش مي انديشند و براي به دست آوردن سود بيشتر مي کوشند از راه هاي گوناگون، اموال و حقوق ديگران

1. نهج الفصاحه، ش ۳۰۱۴.

2. همان، ش ۲۶۰.

صفحه

۶۶

را از چنگ آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه های گوناگونی طرح می کنند تا صاحب حق را به چشم پوشی از حق خویش وادار کنند. طول دادن، امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن حق یا کار مردم به منظور خسته کردن و گذشتن از حق خویش از این نقشه های فریب کارانه به شمار می رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می فرماید:

وَيْلٌ لِّمَنْ اسْتَطَالَ عَلَيَّ مُسْلِمًا فَانْتَقَصَ حَقَّهُ (1).

وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می خورد.

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداوند و مخلوقات اوست. این اختلاف ها ممکن است در سطح خانواده به وجود آید که اگر ریشه دار شود، سبب از میان رفتن بنیان های خانوادگی می گردد. چنانچه اختلاف در سطح اجتماع باشد، زیان های آن به مراتب بیشتر است. البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشیمان می شوند و انتظار دارند کسی با میانجی گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودت پیشین را به آنان بازگرداند. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ (2).

بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

1. نهج الفصاحة، ش ۳۱۹۲.

2. همان، ش ۴۰۷.

صفحه

۶۷

حلال و حرام

برخی می پندارند برای رسیدن به مقام های معنوی، باید بسیاری از نعمت های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره نگیرند. از این رو، می کوشند با پرهیز از خوردنی ها و نعمت های گوناگون خداوند، برخورد و خانواده خویش، سخت گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی در خواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام الهی، گام بردارد. سخت گیری بی مورد، روح و جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می کند. در نتیجه، پیمودن مسیر تعالی بر او ناممکن می شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده ای می فرماید:

إِنَّ مُحَرَّمَ الْحَلَالِ كَمُحَلَّلِ الْحَرَامِ (1).

کسی که حلال خدا را حرام می کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می کند.

حیا و ایمان

حیا با فلسفه وجودی انسان، پیوندی دیرینه دارد. از نظر اسلام کسی که حیا ندارد، دین ندارد؛ زیرا دین می‌کوشد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسته شود، در حالی که شخص بی‌حیا، از این هدف فرسنگ‌ها فاصله دارد. البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه‌ای سر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از

1. همان، ش ۹۰۲.

صفحه

۶۸

حقوق خود پاسداری کند. اسلام چنین حیایی را مردود می‌شمارد. انسان با حیا کسی است که در گفتار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله):

الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ فَرْنَا جَمِيعًا فَإِذَا رُفِعَ أَحَدُهُمَا رُفِعَ الْآخَرُ(1).

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.

»

خ

خبر ناموثق

بعضی افراد به محض اینکه خبری را شنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی اش، آن خبر را برای دیگران نقل می‌کنند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار خود شاهد ماجرا بوده‌اند و این کار در پیش دیدگانشان انجام شده است. این کار، نشانه بی‌توجهی و بی‌دقتی گوینده است و شاید سبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می‌دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامستند و غیرواقعی می‌پندارند. بنابراین، انسان باید سخنان خود را با دلیل و سند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی‌آمدهای منفی آن دچار نشود. حضرت محمد(صلی الله علیه و آله)- آن امین راست گو - می‌فرماید:

كُفِيَ بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ(2).

در گناه کار بودن فرد همین بس که هر چه را می‌شنود، نقل کند.

1. نهج الفصاحة، ش ۱۴۲۹.

2. همان، ش ۲۱۳۶.

صفحه

خدا ترسي

انسان پرهيزگار در شرايط گوناگون زندگي، خود را در محضر پروردگار متعال مي بيند و خدا را شاهد و ناظر رفتار خویش مي داند. ايمان به خداوند در اعماق جان چنين فردي ريشه دوانيده است و رشته حضور الهي را هيچ گاه گسسته نمي بيند. وي به هنگام خوشي و ناخوشي، سختي و سادگي، خداوند را نزديک ترين ياور خود مي داند و همچون کساني نيست که تنها در سختي ها به درگاه ربوبي روي مي آورند و پس از حل مشکل، به خدا فراموشي و خودگرايي مبتلا مي شوند. او، مودت و امنيت الهي را بر جاذبه مال و مقام ترجيح مي دهد و دار قرار را بر دار فرار نمي فروشد. پيامبر گرامي اسلام در اين باره مي فرمايد:

إِتَّقِ اللَّهَ فِي عُسْرِكَ وَ يُسْرِكَ (1).

هنگام سختي و خوشي، خدا ترس باش.

خداخواهي

مردان خدا مي توانند با رفتار پسندیده خود، ديگران را نيز با طريق قرب الهي آشنا کنند. آنان مي توانند با سخنان دل نشين و عميق خود، وجدان خداجو و خداگراي افراد را بيدار سازند و با كردار خود، اسوه عملي ديگران باشند. رفتار خالصانه اهل حق، اكسيري است که قلب بندگان را جلا مي بخشد و به محبت و مودت خالق، رهنمون مي کند. چه زيبا است انسان به درجه اي از ايمان و يقين برسد که ديگران با ديدن او به ياد خداوند بزرگ بيافتند. همانا

1. همان، ش ۳۳.

صفحه

۷۰

اينان رستگار اند. حضرت محمد(صلي الله عليه وآله); (بنده برگزيده خدا که بشريت را از بربريت به معبودي يگانه، رهنمون ساخت، مي فرمايد:

حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَيَّ عِبَادَهُ يُحِبُّكُمْ اللَّهُ (1).

خدا را نزد بندگان محبوب سازيد تا او شما را دوست بدارد.

خدا محوري و رضايت الهي

انسان موحد در همه کارها، رضاي الهي را محور قرار مي دهد و کارهاي خود را با آن تنظيم مي کند. هر جا که کاري را هم سو با رضايت الهي نيافت، ترک مي کند و اگر کاري را پرمشقت، ولي مقبول الهي ديد، تمام زحمت هائيش را به جان مي خرد تا آن را به انجام رساند. بي شک، خداوند از چنين فردي راضي است و بهشت در انتظارش خواهد بود. پيدااست کسي که به چنين مقامي دست مي يابد، با افراد عادي متفاوت است و حب و بغض او تنها براي خدا خواهد بود. اگر با کسي دوستي مي کند، چون او را بنده خوب خدا مي داند، هم نشيني با او را مطلوب مي پندارد؛ زيرا ديدار و رفتار آن دوست، او را به ياد خدا مي اندازد و بر درجه

یقین و حضورش می افزاید. اگر کسی را نیز از خود می راند، به این سبب است که او مسیر رحمانی را رها کرده و به جاده شیطان‌ی وارد شده است. پس چون هم گامی با او را سراسر زیان می بیند، از او می برد. به راستی که رسیدن به این مقام، بسیار دشوار است و به خاطر دشواری آن، چنین آدمی را می توان از برگزیدگان خاص الهی به شمار آورد، چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

1. نهج الفصاحة، ش ۱۳۴۴.

صفحه

۷۱

وَدُّ الْمُؤْمِنِ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَابْغَضَ فِي اللَّهِ وَاعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ (1).

دوستی مؤمن با مؤمن برای رضای خدا، از بزرگ ترین رشته های ایمان است و کسی که برای خدا دوست بدارد و برای خدا با کسی دشمن باشد و برای خدا بخشش داشته باشد و برای خدا از دادن، خودداری کند، از برگزیدگان است.

انسانی که در دایره خشنودی خداوند گام برمی دارد، برای انجام کار، از تمام امکانات لازم بهره می گیرد. حتی اگر به نتیجه هم نرسید، اندوهگین نمی شود؛ زیرا به وظیفه خویش عمل کرده و مصلحت او چنین بوده است. چه بسیار نتایجی که آدمی به گمان خود، آنها را نیکو می شمارد، ولی در واقع، جز زیان نصیبش نمی شود. درباره نعمت ها هم انسان باید بخشنده واقعی را بشناسد و از او سپاس گزاری کند. ممکن است واسطه هایی این نعمت ها را به آدمی برسانند، ولی نباید هرگز سبب اصلی را فراموش کند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه ای می فرماید:

إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ تُرْضِيَ أَحَدًا بِسَخَطِ اللَّهِ وَلَا تُحْمَدَ أَحَدًا بِمَا آتَاكَ اللَّهُ وَلَا تُنْمَ أَحَدًا عَلَيَّ مَا لَمْ يُؤْتِكَ اللَّهُ (2).

از نشانه های یقین آن است که برای رضای کسی، خدا را از خود خشمگین نسازی. در برابر نعمت هایی که خداوند به تو داده است، فردی را سپاس نگویی و در مورد آنچه خدا به تو نداده است، کسی را نکوهش نکنی.

1. تحف العقول، ص ۴۸.

2. همان، ص ۶.

صفحه

۷۲

خدمت به مردم

بعضی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه ای ندارند و همچون طلب کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشسته اند. آنان با اینکه امکانات کافی نیز دارند، ولی همچنان منتظر مساعدت بیشتر هستند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه رو می شویم که در راه خدمت به خلق الله، چنان شیفته و از خود باخته اند که سر از پا نمی شناسند و هر شب به امید آن می خوابند که فردا، باری از دوش در مانده ای بردارند و دل های شکسته ای را آرامش بخشند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی شوند، بلکه هر روز در این راه تشنه تر می شوند. در حقیقت، آنان محبوب خداوندند که رفع نیاز مردم دردمند به دست آنان سپرده شده است. پیامبر رحمت می فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ (1).

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی بخواهد، حاجت مردم را در دست او قرار می دهد.

خدمت گزارى

خدمت به خلق خدا ارزش والاى دارد؛ زیرا رضایت الهی را فراهم می آورد. در راه خدمت به مردم با دو گروه روبه رو هستیم: دسته ای، با تبلیغ های رنگارنگ و دمیدن در بوق و کرنا، چنان وانمود می کنند که از خیرخواهان و نیکوکاران نامدار هستند، در حالی که با اندکی بررسی درمی یابیم که انگیزه های غیرخدايي، چهره آنان را پوشانیده است. گروهی دیگر، بی صدا و

[نهج الفصاحه، ش ۱۴۴].

صفحه

۷۳

بی ریا، سودمندترین خدمت ها را برای مردم نیازمند انجام می دهند و تنها خداوند را ناظر رفتار خود می دانند. پیامبر عظیم الشان اسلام درباره خدمت به مردم و سود رساندن به دیگران می فرماید:

أَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمُ لِلنَّاسِ (1).

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

خریدار پشیمان

ممکن است خریدار، پس از گذشت چند ساعت یا چند روز از معامله پشیمان شود. در این حال، فروشنده باید با صبر و حوصله و گذشت و سعه صدر با او برخورد کند. هرچند فروشنده می تواند از قبول جنس فروخته شده خودداری کند، ولی رسم جوان مردی ایجاب می کند که درخواست او را بپذیرد و او را مورد لطف و مرحمت خود قرار دهد. به یقین، این برخورد، اثر عمیقی بر آن شخص خواهد گذاشت و هنگام برخورد با آن فرد یا شنیدن نام وی در محافل دیگر، با احترام خاصی از او یاد خواهد کرد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مَنْ أَقَالَ نَادِمًا يَبِعُهُ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ (2).

هر کس، معامله پشیمانی را پس بگیرد، خداوند از لغزش او درمی گذرد.

خرید نسیه

بعضی افراد به خریدن جنس نسیه ای عادت کرده اند. آنان حتی اجناس غیرضروری را با وعده و وعید به نسیه می خرند و بعدها به دلیل بدقولی،

1. همان، ش ۳۱۷.

2. همان، ش ۲۸۶۰.

صفحه

۷۴

اعتبار خود را از دست می دهند. تجربه نشان داده است که بیشتر اوقات، نسیه خریدن این افراد چنان گسترش می یابد که معامله های بزرگ انجام می دهند و در پایان، به سرشکستگی و ورشکستگی دچار می شوند. انسان مسلمان باید آینده نگر باشد و اقتصاد متوازنی را در پیش بگیرد و آنچه را ضروری نمی داند، بر خود تحميل نکند تا رسوای عام و خاص نشود. پیامبر عظیم الشان در معرفی سیره پسندیده خویش می فرماید:

لَا أُشْتَرِي شَيْئًا لَيْسَ عِنْدِي ثَمُّهُ (1).

آنچه را بهایش نردم نیست، نمی خرم.

خشم

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می گیرد و با بی رحمی تمام، او را بر زمین می کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می ریزد و ابزار تعقل او را از کار می اندازد. در این هنگام، تصمیم هایی می گیرد که پی آمدهای جبران ناپذیری خواهد داشت. چه بسا انسان هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی از عمر ارزشمند خود را پشت میله های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می دهد یا سخنانی را بر زبان می آورد که از وقار او می کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می برد. برای رهایی

1. نهج الفصاحة، ش ۲۴۲۷.

صفحه

۷۵

از چنین پی آمدهای زیان باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرمایید. حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه ای بفرمایید: حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِلَّا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ (1).

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین بکوبد، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح گاهی

بعضی افراد، صبح گاهان از بستر خواب برمی خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را از سر می گیرند. عده ای دیگر با گذشت زمانی از روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن سمت می غلتند و مانند بیماری رنجور، توان برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پرخوابی آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری از فرصت ها را از دست می دهند. در حالی که دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را از انجام داده اند، وی با کسالت از خواب برمی خیزد و تا پایان روز همچنان در سستی باقی می ماند. پس شایسته است که به توصیه های حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) عمل کنیم و از خواب بی ثمر چشم بپوشیم. ایشان می فرماید:

أَلْصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرَّزْقَ (2).

خواب صبح گاهی مانع روزی است.

1. تحف العقول، ص ۴۷.

2. نهج الفصاحه، ش ۱۸۵۷.

صفحه

۷۶

خواندن نامه دیگران

از عادت های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می خوانند یا در کار دیگران تجسس می کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد». البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزندی، نامه های همدیگر را بخوانند، ناراحت می شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده ای، می فرماید:

مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ (1).

هر کس بی اجازه برادرش به نامه او نگاه کند، مانند آن است که در آتش نگرسته است.

خوش بویی

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می جوید. از این رو، همواره می کوشد فضای زیستگاهش عطر آگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان های ارزشمند مانند مساجد و زیارت گاه ها بیشتر تأکید می کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان ها می شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش بو بود و به دیگران توصیه می فرماید:

إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُوفُونَ الْمُطِيبُونَ (2).

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می کنند و عطر به کار می برند.

1. نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۶.

خوش رفتاری با خانواده

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط امن خانواده می‌شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان‌های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع در بست آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی‌کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی‌دهند و بی‌حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می‌فرماید:

خيارُكُمْ خَيْرُكُمْ لِاهْلِهِ (1).

بهترین شما کسانی هستند که برای اهل خود بهترند.

خوش رفتاری با مردم

خوش رفتاری از راه‌های جلب محبت دیگران است. خوش رفتاری، اکسیری است که دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و کارهای به ظاهر ناشدنی را ممکن می‌سازد. خداوند رحیم به پیامبر خدا اعلام می‌دارد که اگر تو فردی خشن و بداخلاق بودی، همگان از پیرامونت پراکنده می‌شدند. باری، راز موفقیت پیامبر گرامی اسلام، برخورداری از اخلاق نیکو بود و همین عامل

1. همان، ش ۱۴۷۷.

سبب شد مردم گروه گروه به ایشان بپیوندند و دین مبین اسلام در همه جا گسترش یابد. ایشان می‌فرماید:

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا (1).

بهترین بندگان خداوند، خوش اخلاق‌ترین آنهاست.

خوش قلبی

خوش قلب کسی است که می‌کوشد از هیچ کس کینه و کدورتی به دل راه ندهد. وی از خوشحالی دیگران، شادمان و از بدحالی آنان، اندوهگین می‌شود. خود را از هم‌نوعان جدا نمی‌داند و در فراز و نشیب‌ها در کنار آنان، احساس آرامش می‌کند. این ویژگی، نشانه پاک‌ی روح و رشد و کمال مقام انسانیت اوست. بعضی

افراد گاهی پا را فراتر می‌نهند و حتی بدی‌ها را با خوبی پاسخ می‌گویند. چنین برخورد سازنده‌ای در سیره پیامبر گرامی اسلام دیده می‌شود. ایشان می‌فرماید:

مَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ صَالِحٌ تَحَنَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ (2).

خداوند مشتاق کسی است که قلبی نیکو دارد.

خبرخواهی

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می‌داند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می‌کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می‌برد و این، اوج خیرخواهی است.

1. نهج الفصاحة، ش ۸۴.

2. همان، ش ۲۹۱۳.

صفحه

۷۹

مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی‌اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می‌فرماید:

أَحِبُّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ (1).

آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بخواه.

»

د

دانش اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده‌اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جسته‌اند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی‌دانند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند، بی‌اعتنا نمی‌گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت‌ها و سختی‌های فراوانی را بر خود هموار می‌کنند. آنان با چشم پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها به تعلیم و آموختن نشسته‌اند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هر چه از آن می‌آشامند، همچنان خود را تشنه‌تر و نیازمندتر می‌بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می‌فرماید:

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيَّ عِلْمِهِ (2).

دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران را بر علم خود بیافزاید.

دانشجو باید از تنبلی و بی کاری دوری کند و با پشتکار به کسب دانش بپردازد. دانشجو باید از هر فرصتی که پیش می آید، بیشترین بهره را ببرد تا

1. همان، ش ۸۷.

2. همان، ش ۳۶۰.

صفحه

۸۰

موفقیت لازم را به دست آورد. دانش طلبان از شتاب نکردن در بهره گیری از زمان، بیشترین زیان را می بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی جویی و پی گیری علم را تا راه های دور دست توصیه می کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش، سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:

أَعْدُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ الْعُدُوَّ بَرَكَةٌ وَ نَجَاحٌ (1).

در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در زودخیزی، برکت و کام یابی است.

دانشمندان بی عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می کنند و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می دهند. آنها را از زشتی گناه آگاه می کنند و راه خیر و سعادت را پیش پای آنان قرار می دهند. به طور کلی، مردم در پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی دست می یابند و سعادتمند و رستگار می شوند، ولی آن گاه که نوبت به خودشان می رسد و باید به دانستنی های خود عمل کنند، در مانده می شوند و در مقام عمل کم می آورند. تو گویی این اندوخته ها را فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود بایگانی می کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و گزیدن زبان های خویش بهره ای ندارند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) درباره وضعیت این عالمان بی عمل می فرماید:

يُطْلَعُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا ادْخَلَكُمْ النَّارَ وَ قَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَ لَا نَفْعَلُهُ (2).

1. نهج الفصاحة، ش ۳۷۶.

2. وافی، ج ۱۴، ص ۵۲.

صفحه

۸۱

گروهی از بهشتیان به عده ای از دوزخیان نظر می افکنند و می گویند: چه کاری شما را به آتش کشانید در صورتی که ما به برکت تأدیب و آموزش شما داخل بهشت شده ایم. آنان در پاسخ می گویند: ما به نیکی امر می کردیم، ولی خودمان به آن عمل نمی کردیم.

دانشمند فاسد

اگر دانشمندی از جاده سلامت خارج شود و از دانش خود در مسیر نادرست بهره برداری کند، می تواند زیان های جبران ناپذیری برای بشریت داشته باشد. عالم چون از ظرایف امور آگاه است، اگر گمراه شود، می تواند تعداد زیادی را به ورطه نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر می شناسد و می داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب ها و زیان های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می دهد. دانشمندان، نه تنها می تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان های فراوانی متوجه مردم می شود. بنابراین، همان گونه که یک عالم بافضیلت می تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند: «أَيُّ النَّاسِ شَرُّ؟ كَدَامَ يَكُ مِنْهُمْ بَدْتَرُنَدُ؟» «ایشان فرمودند: «الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا»؛ دانشمندان هر گاه فاسد شوند(1)».

[تحف العقول، ص ۳۵.]

صفحه

۸۲

دانشوری

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می رها کند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می سازد. آدمی چگونه می تواند از این منبع درخشان، روی گردان و بی بهره بماند، در حالی که در آموزه های روایی، پی گیری آن حتی در دوردست ترین سرزمین ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولاً آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عافیت آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبایی دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش ها آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن گونه که باید، ادا می کند. پیامبر دانش گستر و دانشمندپرور در فضیلت دانش می فرماید:

بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُوحَدُّ وَ بِهِ تُوصَلُ الْأَرْحَامُ وَ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَقْلِ (1).

با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می گیرد. به واسطه دانش، خداوند شناخته می شود و عقیده به یگانگی او پیدا می شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا می شود و حلال و حرام شناخته می گردد و دانش، پیشوای عقل است.

[تحف العقول، ص ۲۸.]

دخالت در درگیری

یکی از بدترین کارها این است که انسان بی آنکه درباره موضوعی آگاهی کافی داشته باشد، پیشاپیش درباره آن نزاع کند یا بدون دلیل منطقی و تنها برای خودنمایی و غرور بی جا، در دعوی دیگران دخالت کند. در این صورت، نزاعی که ممکن است با مصلحت سنجی طرفین، پایان پذیرد، به یک اختلاف ریشه ای و عمیق تبدیل می شود. البته این گونه افراد به زودی از کرده خود پشیمان خواهند شد، ولی «چرا عاقل کند کاری / که بازآرد پشیمانی؟» پیامبر گرامی اسلام با انتقاد از این عمل ناسنجیده می فرماید:

مَنْ جَادَلَ فِي خُصُومَةٍ بغيرِ عِلْمٍ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ (1).

هر کس بدون آگاهی در خصومتی شرکت کند، در خشم خداست تا آن گاه که از آن دست بردارد.

در انتظار فردا

حقیقت این است که هیچ کس نمی تواند به زندگی فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در معرض مرگ است و نمی داند چه چیزی برایش اتفاق خواهد افتاد. چگونه انسان می تواند فردا را جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون خویش، کسانی را می بیند که در یک چشم برهم زدن با مرگ طبیعی یا حوادث ناگهانی، به سوی سرای دیگر کوچ می کنند. پس برای تهیه ره توشه آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی توان زیست. باید لحظه ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسی نمی داند چه سرنوشتی برای فردای او رقم خورده است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) درباره امید داشتن واهی به فرداها می فرماید:

[نهج الفصاحه، ش ۲۸۶۵].

مَنْ عَدَّ عَدًّا مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أَسَاءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ (1).

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب نشناخته است.

درخت کاری

اگر نهال کوچکی در زمین بنشانید، پس از مدتی به درخت بزرگی تبدیل خواهد شد که همگان می توانند از سایه دل پذیر آن و میوه های شیرین و آب دارش بهره گیرند. درخت کاری در پاکیزگی و تلطیف هوا نیز اثرگذار است. البته این همه فایده، به یک تصمیم به ظاهر ساده برمی گردد. هنگامی که انسان می تواند با کاشتن یک نهال کوچک، این گونه برای خود و دیگران سودمند باشد، چرا چنین نکند و در سرسبزی و زیبا سازی محیط پیرامون خود نقش نداشته باشد؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (این عمل را بسیار ستوده است:

مَنْ عَرَسَ عَرَسًا لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ أُمَّيٌّ وَلَا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ (2).

هرکه درختی بکارد، هریار که انسان یا یکی از مخلوقات خدا از میوه آن بخورد، برای وی صدقه است.

درخواست

تمنّا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی‌نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیچ‌گاه به خاطر تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار

1. نهج الفصاحة، ش ۲۹۲۶.

2. همان، ش ۲۹۲۱.

صفحه

۸۵

نمی‌کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی‌سازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسیار آموزنده است. آنان هیچ‌گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی‌کردند و بر دباری پیشه می‌کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیدا کنند. فقر و غنا به داشتن مال و منال نیست، بلکه چه بسیار فقیرانی که در حقیقت، استغنائی نفس داشته‌اند و بزرگند و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمندی دچارند که در ظاهر دیده نمی‌شود. به راستی ما جزو کدام دسته ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می‌شمارد و می‌فرماید:

قُلَّةُ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَاضِرُ وَ كَثْرَةُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَدْلَةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ (1).

کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ‌گویی

دروغ‌گویی از انحراف‌های شدید اخلاقی است. دروغ‌گو پیوسته دچار تشویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطالب آشکار و او رسوا شود. بر اثر کشف حقایق، شرافت ذاتی دروغ‌گو از دست می‌رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می‌شود. دروغ‌گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین‌ها عامل انحطاط شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده

1. تحف العقول، ص ۹.

صفحه

۸۶

است. هر کس راست گوید باشد، سخن مردم را زودتر باور می‌کند و هر که دروغ گوید است، بیشتر مردم را دروغ گو می‌شمارد.

از روایات معصومین برمی‌آید که درمان دروغ گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی‌ها را ترک می‌کند، رفته رفته کاستی‌های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می‌سازد. پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَ الْكِذْبَ فَإِنَّ الْكِذْبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ يُكَلِّبُ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا وَ إِنَّ الصِّدْقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا وَ اعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ وَ الْكِذْبُ مَشْنُومٌ (1).

از دروغ پرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می‌کند و سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ‌گو نوشته می‌شود و راست گویی، رو را سفید می‌کند و نزد خداوند راست‌گو نوشته می‌شود و بدان که راست گویی، مبارک و دروغ گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعاهایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می‌شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان دهنده کمال اخلاص دعا کننده است؛ زیرا ممکن است دعاهایی که در حضور دیگران انجام می‌شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی نفع همراه باشد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی‌سازد تا ذی نفع متوجه نشود که با چه

[تحف العقول، ص ۱۴].

صفحه

۸۷

واسطه‌ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است. پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران‌سنگ‌ترین و با ارزش‌ترین اعمال می‌داند و می‌فرماید:

أَسْرَعُ الدُّعَاءِ إِجَابَةً دَعَاءُ غَائِبٍ لِغَائِبٍ (1).

سریع‌ترین دعا که اجابت می‌شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می‌شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشانند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرا بخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل‌کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبدا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناک در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

أَيُّمَا دَاعٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَاتَّبِعَ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِثْلَ أَوْزَارِ مَنْ اتَّبَعَهُ (2). ...

هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل کنندگان به آن خواهد داشت. ...

دگرگونی های زندگی

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب هایی دارد. انسان اندیشمند از تحول های مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می آموزد و درمی یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار

1. نهج الفصاحه، ش ۲۹۱.

2. همان، ش ۱۰۲۶.

صفحه

۸۸

است. از طبیعت بی جان که با رویش جوانه ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی خیزد و خود را برای روزی آماده می کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند نمی گیرند، نکوهش می کند و می فرماید:

اغْفَلُ النَّاسُ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ (1).

غافل ترین مردم کسی است که از دگرگونی های دنیا پند نگیرد.

دنیاگرایی

مردم دنیا پرست بسیارند و افراد دنیادار هم بی شمار. تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می کند و اندیشه آنان از شهوت ها فراتر نمی رود. اگر از دین سخن می گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده اند. اگر میان دین و دنیایشان تزاومی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتماً در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی دهند و بی اعتنا از کنار آن می گذرند، ولی شتابان به دور دنیا می چرخند و تمام نیروی خود را به کار می گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی گردان نیستند. آنان نمی دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده اند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) برای پیش گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این گونه افراد می فرماید:

1. نهج الفصاحه، ش ۳۷۹.

صفحه

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الرَّجُلُ مَا تَلَفَ مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ(1).

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

دوراندیشی

شتاب زدگی در کارها، نتیجه ای جز زیان و پشیمانی به همراه ندارد. برای انجام هر کاری باید جنبه های آن را خوب سنجید و پیش بینی های لازم را انجام داد و به عاقبت کار نیز توجه داشت. بی شک، با چنین مقدمه چینی هایی، درصد موفقیت کارها بالا می رود و بیشتر می توان به نتیجه کار خوش بین بود. باید گفت مشورت و مراجعه به افراد شایسته، خردمند و کارشناس، کارگشا خواهد بود. هرگونه رای زنی با ناآگاهان نه تنها مشکلی را نمی گشاید، بلکه مشکلی بر مشکلات خواهد افزود.

در آموزه های دینی، درباره پیمودن مسیر صحیح برای دست یابی به نتایج کار توصیه های مؤکدی بیان شده است. برای مثال، مردی از پیامبر اسلام پرسید: حزم چیست؟ پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) در پاسخ فرمود:

تَّشَاوَرَ امْرَأَةً ذَارَأَيِ ثُمَّ تُطِيعُهُ(2).

حزم آن است که با مردی که دارای اندیشه صحیح و رأی عاقلانه باشد، مشورت و از او پیروی کنی.

دورویان

ظاهر و باطن بعضی از انسان ها با هم متفاوت است. آنان در ظاهر، ادعای دوستی می کنند، ولی در پنهان بر طبل دشمنی می کوبند؛ در جمع، به تعریف و تمجید

1. تحف العقول، ص ۵۲.

2. همان، ص ۴۶.

می پردازند و در پنهان، هزار و یک عیب درست و نادرست را برجسته می سازند و می کوشند تا از قدر و قیمت افراد بکاهند. این افراد اگر به کسی هم احترام بگذارند، از روی صداقت نیست، بلکه برای رفع نیازهای خود، نزد دیگران کرنش می کنند. در ظاهر برای او هزاران دعای خیر می کنند، ولی اگر غمی به دیگران روی آورد، شادمان می شوند. در حقیقت، اعتماد کردن به این انسان های دورنگ و در دام آنها گرفتار آمدن، آسیب های جدی به روح و روان آدمی و دین و ایمان او وارد می کند. چه بسا با تعریف های او غرور و بزرگی در خود احساس کند و از جاده بندگی خارج شود. پس شایسته است با آشنایی با ویژگی های این افراد که به وسیله پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) بازگو شده است، از دوستی با آنان پرهیز کنیم. رسول حقیقت می فرماید:

إِنَّ لِلْمُتَكَلِّفِ مِنَ الرِّجَالِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: يَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَ يَعْتَابُ إِذَا غَابَ وَ يَسْتَمْتُ بِالْمُصِيبَةِ (1).

مردمان ظاهر ساز و حيله گر سه نشانه دارند: رودرروي اشخاص، چاپلوسي مي کنند؛ پشت سرشان، غيبت و بدگويي مي کنند و به خاطر مصيبيتي که به ديگران رسیده است، شادي مي کنند.

دوري از مواضع اتهام

گاهی انسان، خود، شخص محترم و آبرومندي است، ولي به دليل نشست و برخاست با کسانی که مورد اتهام هستند، در معرض تهمت قرار مي گیرد. مردم مي پندارند او نیز در سلک و پيشه آنان است؛ چون اگر با آنان مخالف بود، به هم نشيني با آنان ادامه نمي داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاري باشد، ولي به دليل رفت و آمد با بدان، به تدریج خوي و خصلت آنان را بگيرد و رنگ الهي

[تحف العقول، ص ۱۰].

صفحه

۹۱

خويش را از دست بدهد. بنابراین، بسيار شايسته است که انسان، براي سلامت روح و روان و دوري از اتهام، دوستي با چنين افراي را ترک کند. پيامبر اکرم(صلي الله عليه وآله فرمود:

أَوْلَى النَّاسِ بِالنُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ النُّهْمَةِ (1).

هر که با متهمان هم نشيني کند، بيش از همه سزاوار تهمت است.

دوستي خدا

آفرينش انسان به گونه اي است که حب به ذات دارد، هرچند به ديگر انسان ها نیز علاقه نشان مي دهد. حب به ذات سبب مي شود انسان براي حفظ جان خويش تلاش کند و براي پايداري دوستي ها به فداکاري و جانبازي دست بزند. برترين گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعي مي گويند، حب به ذات لايزال الهي است. عاشق خداوند، دوستي او را بر هر چيزي مقدم مي دارد و همه هستي خويش را براي محبت او فدا مي کند. محبت به خدا در زندگي دنيوي، با کمک به نيازمندان، انجام خدمات خداپسندانه و اصلاح امور هم نوعان تجلي مي يابد. پيامبر گرامي اسلام در توصيه به علاقه مُحَبِّ و محبوب مي فرمايد:

مَنْ آثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ مَحَبَّةَ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ مَوْنَةَ النَّاسِ (2).

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجيح دهد، خداوند، گرفتاري مردم را از او کفايت مي کند.

دين داري

هرچند سرپرست خانواده در برابر تأمين مخارج زندگي مسئول است، ولي اين به آن معنا نيست که در تأمين نيازمندي ها، از دين و شرف و انسانيت

1. نهج الفصاحه، ش ۹۷۵.

2. همان، ش ۲۸۳۷.

صفحه

۹۲

بگذرد. منظور آن است که او بکوشد از راه های پسندیده و مقبول، امرار معاش کند. سرپرستی که به هر شیوه ای دست می یازد تا رفاه و امکانات زندگی را فراهم کند، افزون بر اینکه در مسیر دیانت حرکت نمی کند، به گونه ای، افراد خانواده را نیز در دام چنین روش های نادرستی خواهد افکند. چنین شخصی باید بداند که به زودی، همه اندوخته های مادی او به دست وارثان می افتد و تنها اعمال او می تواند او را از عذاب آخرت نجات دهد. چرا انسان باید دیانت خود را فدای کسانی کند که نمی توانند در سختی ها و تنگناهای حساب رسی، اندک کمکی به او کنند؟ بر این اساس، پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله هشدار می دهد:

الْوَيْلُ لِمَنْ تَرَكَ عِيَالَهُ بِخَيْرٍ وَ قَدِمَ عَلَيَّ رَبِّهِ بَشْرًا(1).

وای بر آن کسی که خیر برای اهل خود نهد و با شر نزد خدا برود.

دین گریزی

عمل به مفاهیم دینی جز خوش بختی و پیروزی مادی و معنوی به بار نمی آورد، همچنان که سرنوشت کسانی که به این گنج عظیم پشت می کنند، جز پشیمانی نخواهد بود. هر آن کس که خواهان سعادت جاودانه است، باید هم پای دستورهای دینی حرکت کند؛ زیرا دین داری، انسان را از حالت سرگردانی می رهااند و راه هدایت را فرا روی او می نمایند. بعضی دین گریزان می کوشند چهره دین را ترسناک نشان دهند و رشته انس و الفت دینی را در جامعه بگسلند. در حالی که بهترین انسان ها، دین داران هستند که با دین داری، محبوب قلب ها شده اند. پیامبر محبوب اسلام می فرماید:

لَا تُخَيُّوْا اَنْفُسَكُمْ بِالْاِيْمَانِ(2).

خویشتن را از دین مترسانید.

1. نهج الفصاحه، ش ۳۲۰۲.

2. همان، ش ۲۴۳۲.

صفحه

۹۳

»

ر

اگر شخصي، رازي نزد شما دارد، نبايد آن را آشکار سازيد؛ زيرا گناه آن کمتر از خيانت در امانت نيست. در حقيقت، هنگامي که کسي، رازي را با شما در ميان مي گذارد، به شما اعتماد کرده و امانتي سپرده است. اگر اين راز آشکار شود، نه تنها در امانت او خيانت شده است، بلکه ضربه هاي شديد روحي و رواني بر او وارد مي شود که جبران ناپذير است. آشکار کردن راز ديگران، مايه آبروريزي برادر مسلمان و زمينه ساز جدال و بدبيني است. پيامبر بزرگوار درباره حفظ اسرار ديگران مي فرمايد:

إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِحَدِيثٍ ثُمَّ التَّفَتَ فِيهِ أَمَانَةٌ (1).

وقتي کسي حرفي زد و اطرافش را نگاه کرد (که ديگران نفهمند)، آن حرف امانت است.

راست گويان دروغين

ظاهر و باطن برخي افراد يکسان است و به دليل اين ويژگي، همواره مورد احترام مردم هستند و ديگران به آنان اعتماد دارند. در مقابل، با افراي روبه رو مي شويم که با ظاهر سازي و رباکاري هاي حساب شده، خود را به عنوان انسان هاي راست گو معرفي مي کنند، ولي در مواقع مقتضي، برخلاف انتظار ظاهر مي شوند. در اين حالت، افراي که به آنان اطمينان کرده اند، پشيمان مي شوند و اعتماد آنان به طور کامل از بين مي رود. رسول الله (صلي الله عليه وآله)، اين راست گويان دروغين را به شدت مورد انتقاد قرار مي دهد و مي فرمايد:

1. همان، ش ۱۹۷.

صفحه

۹۴

كُفِرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ بِهِ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ (1).

خيانتني بس بزرگ است که تو به برادر خویش سخني بگویی که او تو را راست گو شمارد، در حالي که دروغ گفته باشي.

راه نجات و رستگاري

انسان در مسير زندگي، همواره در دو راهي انتخاب قرار دارد؛ راه شقاوت يا راه سعادت. آدمي بر اساس فطرت خدادادي و آموزه هاي وحیاني راه را از بي راه مي شناسد، ولي مانعي به نام هوای نفس هم بر سر راهش قرار دارد که او را از رسيدن به کمال باز مي دارد. در نتيجه، عاقبتي جز ناکامي و بدفرجامي بهره اش نمي گردد. چه نیکوست که آدمي در مسير هدايت و صراط مستقيم، آموزه هاي نوراني نبي اکرم (صلي الله عليه وآله) (را چراغ راهش سازد که راه نجات و رستگاري را در ملکه کردن فضيلت هاي انساني مي شمارند و مي فرمايد اگر اين اخلاق پسندیده و ارزش ها در وجود آدمي ريشه گيرد؛ چه در حالت رضا و چه در حال نگراني و خشم، رويه اي واحد در پيش مي گيرد و از جاده اعتدال خارج نمي شود.

اگر بر خلاف اين راه حرکت کند، مانند کسي است که خلاف جريان آب شنا مي کند. در نتيجه، جز خستگي چيزي بر ايش به همراه ندارد و او را از مسير کمال و سعادت دور مي سازد. توصيه هاي رسول اعظم (صلي الله عليه وآله) (چنين است):

وَأَمَّا الْمُتَجِبَاتُ: فَالْعَدْلُ فِي الرِّضَا وَالْعَضْبُ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرُ وَخَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَّةُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ(2).

1. انهج الفصاحة، ش ۲۱۲۰.

2. تحف العقول، ص ۸.

صفحه

۹۵

عوامل نجات و رستگاری عبارتند از: عدالت و میانه روی در حال خشنودی و غضب؛ میانه روی در بی نیازی و نیازمندی؛ بیم از خدا در نهان و آشکار، به گونه ای که گویی او را می بینی و اگر تو او را نبینی، او تو را می بیند.

پاداش ها و ثواب ها سلسله مراتبی دارند و بعضی کارها، ثواب فراوان و بعضی دیگر ثواب کمتر دارند. ما انسان ها به معاملات دنیوی اهمیت بسیاری می دهیم و همه چیز را به خوبی می سنجیم. در نهایت، وارد معامله ای می شویم که امکان دست یابی به سود سرشاری برای ما فراهم باشد. شایسته است همین دوراندیشی را برای فضیلت های اخلاقی نیز به کار بندیم تا از گنج بی پایان الهی، بهره لازم را به دست آوریم. تا آنجا که از کلمات نورانی رسول مکرّم برمی آید، اخلاق خوب، خوش برخوردی و معاشرت نیک، از جمله کارهایی است که مقام بالایی برای انسان به همراه می آورد. در ترازوی عمل کسی در روز قیامت، چیزی بهتر از خوش خلقی گذاشته نشده است و خوش اخلاق، نزدیک ترین هم نشین رسول الله(صلی الله علیه وآله) در روز رستاخیز است. رسول اخلاق می فرماید:

أَحْسِنْ خُلُقَكَ مَعَ أَهْلِكَ وَ جِيرَانِكَ وَ مَنْ تُعَاشِرُ وَ تُصَاحِبُ مِنَ النَّاسِ، تُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى(1).

با اهل خانه، همسایه ها و کسانی که با آنان معاشرت داری، خوش اخلاق باش تا نزد خداوند در شمار اشخاصی نوشته شوی که درجات عالی دارند.

راهنمایی

از کارهای پسندیده آن است که ره گم کردگان را به راه راست هدایت کنیم تا به مقصد برسند. در یک قیاس کوچک می توان گفت گاهی به افرادی که مسافر و

1. همان، ص ۱۴.

صفحه

۹۶

غریبه اند، برمی خوریم که کوچه ها و خیابان های شهر ما را نمی شناسند. ما وظیفه داریم تا آنان را به مقصد راهنمایی کنیم: زیرا کاری پسندیده و ارزشمند است. همچنین گاهی افرادی هستند که راه را از چاه باز نمی شناسند و گمراهند. در اینجا نیز انسان مشفق و خیرخواه می کوشد تا راه راست را به او باز شناساند و وی را به سوی جاده سلامت و سعادت رهنمون شود. پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت ره جویان می فرماید:

... إرشادك الرجل في أرض الضلال لك صدقة (1). ...

... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است، صدقه است. ...

رسوایی آخرت

بی شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک تر است. راست گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی گردد. روزی فرامی رسد که پرده ها فرو می افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می شود و انسان های بدکار، رسوایی عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیز! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه های گزاف بپردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی توجهیم. آیا نباید برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره ای بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این باره می فرماید:

فُضُوْحُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ مِنْ فُضُوْحِ الْآخِرَةِ (2).

رسوایی دنیا آسان تر از رسوایی آخرت است.

1. نهج الفصاحه، ش ۱۱۱۹.

2. همان، ش ۲۰۵۷.

صفحه

۹۷

رسیدگی به خانواده

در اسلام، تأمین نفقه و مخارج زندگی بر عهده مرد نهاده شده و از او خواسته شده است تا در این راه، از هیچ کوششی کوتاهی نرزد. اسلام، پدر را در مقابل همسر و فرزند، مسئول می داند و از او می خواهد تا برای فراهم آوردن خواسته های معقول آنان بکوشد. حتی سفارش می کند که شوهر باید وضعیت بهتری از خانه پدری همسر را برای او ایجاد کند. بی تردید، تنبلی و کسالت در تأمین مخارج و سخت گیری در ادای حقوق خانواده، در پیش گاه وجدان انسانی و خداوند بزرگ محکوم است و آتش بی مهري و نزاع را در محیط آرام خانواده شعله ور می سازد. پیامبر اسلام در تشویق کسی که مسئولیت حفظ و بقای خانواده را به عهده گرفته است، می فرماید:

أَوَّلُ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ نَفَقَتُهُ عَلَي أَهْلِهِ (1).

نخستین چیزی که در ترازوی بنده می گذارند، خرجی است که برای خانواده کرده است.

رسیدگی به فرزندان

بسیاری از خانواده ها در رسیدگی به فرزندان، راه افراط و تفریط را در پیش می گیرند. برخی، چنان بر فرزندان خود سخت می گیرند که آنان به عقده های روانی دچار و به راه ناصواب کشانده می شوند. بعضی

دیگر نیز چنان امکانات بی حساب در اختیار فرزند خویش قرار می دهند که او را نازپرورده بار می آورد. چنین فرزندی در رویارویی با کوچک ترین مشکل، روحیه خود را

1. همان، ش ۹۸۳.

صفحه

۹۸

از دست می دهد یا اینکه به همه قوانین و مقررات شرعی و اخلاقی دهن کجی می کند. این ثمره افراط گری خانواده هاست. اگر خانواده ها، راه اعتدال و میانه روی را در پیش بگیرند، فرزندی سالم به جامعه تحویل می دهند، نه فرزندی اسرافگر و بی مبالا یا عقده ای و سهل انگار. حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) می فرماید:

إِنَّكَ إِنْ تَرُكْ أَوْلَادَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَتْرُكَهُمْ عَالَةً (1).

اگر پس از تو، فرزندان بی نیاز باشند، بهتر است از اینکه نیازمند رهایشان سازی.

رضایت خلق

اگر آدمی، علت العلل و سبب الاسباب را فراموش کند، دچار سردرگمی می شود. علت ها را اشتباه می گیرد و تصور می کند که گره مشکلات او به دست بندگان گشوده می شود. از این رو، دست نیاز به سوی آنان دراز می کند و برای جلب رضایتشان به هر کاری دست می زند تا به اهداف دنیوی خود دست یابد. چنین تفکری، جز فروتنی در برابر دارندگان مقام و ثروت، چیزی به همراه ندارد. در این حال، انسان ارزشمند و اشرف مخلوقات برای به دست آوردن زر و زیور و مال و مقام، به خواسته انسان های صاحب ثروت و مکتب تن می دهد و چه بسا که درخواست های این افراد، مخالف دین بوده و غضب و روی گردانی خداوند را نیز در پی داشته باشد. انسان مادی گرا و مقام طلب به تنها چیزی که توجه ندارد، رضوان الهی است؛ چون راه را گم کرده و پناه گاه را اشتباه گرفته است. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) درباره این افراد می فرماید:

1. نهج الفصاحة، ش ۸۷۵.

صفحه

۹۹

مَنْ طَلَبَ رِضَايَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ سَلَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْمَخْلُوقُ (1).

کسی که به سبب خشنود ساختن شخصی، کاری را انجام دهد که خدا از آن کار ناراضی و خشمگین باشد، خداوند، همان شخص را بر آن کس مسلط می گرداند.

رفع نیازمندی ها

بعضی افراد به دلیل پاکدلی و خدمت خالصانه به مردم، از لطف خاص الهی برخوردار شده اند و همواره شوق خدمت به مردم در قلب آنان فروزان تر می شود. این توفیق بزرگی است که تنها نصیب انسان های بلند همت می شود. اینان در راه خدمت به مردم، از لذت های روحانی سرشار می شوند و در پی رفع نیاز حاجت مندان، سر از پا نمی شناسند. به راستی، چه زیباست که انسان های توان مند در پی شادمان ساختن بندگان خداوند. اینان بندگان خاص خدا هستند که پاداشی بی حساب در انتظارشان خواهد بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

إذا أَرَادَ اللهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ (2).

وقتی خدا بخواهد به بنده ای نیکی رساند، حاجت های مردم را در دست او قرار می دهد.

روش تبلیغ

یکی از عوامل موفقیت در تبلیغ، سخن گفتن به اندازه درک مخاطبان است. سخنان پرمغز و پرمعنا برای کسانی که ظرفیت های بالایی ندارند، نامفهوم

1. تحف العقول، ص ۵۲.

2. نهج الفصاحه، ش ۱۴۴.

صفحه

۱۰۰

خواهد بود، همان گونه که سخنان سبک و ساده برای افراد زیرک خسته کننده است. در صورتی که مبلغ به اندازه درک مخاطب سخن نگوید، آنان از دور او پراکنده می شوند و مقصود نهایی به دست نمی آید. مبلغ آن گاه که دل های مردم را مستعد و آماده می بیند، باید با ظرافت و زیرکی، بذر دانش را در آن بپاشد تا بهترین محصول که همانا رسیدن به قرب و کمال است، به دست آید. پیامبران الهی کاملاً به این مهم توجه داشتند و آن را در برخورد با مخاطبان خویش به کار می بستند. پیامبر گرامی اسلام نیز با هر کسی به اندازه عقلش سخن می گفت. انسان های مختلف، خوشه چین کرامت انسانی حضرت بودند و همه از سخن گفتن با رسول الله (صلی الله علیه و آله) توشه برمی گرفتند و از محضر مبارک ایشان راضی برمی خاستند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ (1).

ما جماعت پیغمبران مأموریم که با مردم، به اندازه عقل آنان سخن بگوییم.

»

ز

زهد و پارسایی

زهد به معنای غایب شدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهد به معنای تسبیح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیا را وانهادن نیست. زهد به معنای بی خبری انسان از عالم سیاست و ناگاهی از آنچه

در پیرامونش می‌گذرد، نیست. زهد به معنای گوشه‌گیری و گره‌گشایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسیرهای نادرست از زهد

[تحف العقول، ص ۳۷.

صفحه

۱۰۱

و پارسایی است. در اسلام، زاهد به کسی گفته می‌شود که از دنیاگرایی شدید و محور قرار دادن امور مادی پرهیز می‌کند و اگر هم اندوخته‌ای دارد، بر اساس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می‌کند و به دیگران نیز یاری می‌رساند. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سیره رفتاری و کلام نورانی معصومین (علیهم السلام) جستجو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب و شبیران روز بودند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در ترسیم گوشه‌ای از حقیقت زهد می‌فرماید:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ (1).

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را حرام کرده است.

زیبا سخن گفتن

به راستی که کلام، معجزه‌گر است و می‌تواند تأثیر فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا، محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی می‌کند و او را به راه راست نزدیک می‌سازد. سخن نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده می‌شود. آنان هر جا دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دیدند، به سخنرانی می‌پرداختند. کوتاه سخن می‌گفتند؛ زیاده‌گو و تناقض‌گو نبودند. شیرین سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بودند. آورده اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد (صلی الله علیه و آله) سخن می‌گویند. آنان هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی‌گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می‌زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل‌نشین معصومین (علیهم السلام)، لب به اعتراف و اقرار می‌گشودند و بر زیبایی کلامشان صحه

[همان، ص ۵۸.

صفحه

۱۰۲

می‌گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکوسخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده‌گویی و نیکوسخنی دعوت می‌کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می‌خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش‌تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می‌دیدند. پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکوسخنان فرموده است:

الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ (1).

زیبایی در زبان است.

سست ایمانی و تجمل گرایی

بعضی مردم عادت کرده اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه طلبی و دنیادوستی رو آورده اند، ساده زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی دارند، عقب افتاده و واپس گرا می نامند. آنان چنان در تجمل گرایی خویش فرورفته اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده اند و ساده زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می گیرند. خانه دل و جان تجمل گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار نکوهشند. ساده زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) است و آنان اسوه و الگویی دیگرانند. پیامبر اسلام می فرماید:

أَحْسَبُ مَا خَشِيتُ عَلَيَّ أُمَّتِي كَبِيرُ الْبَطْنِ وَ مُدَاوِمَةُ النَّوْمِ وَ الْكَسْلُ وَ ضَعْفُ الْيَقِينِ (2).

بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم پرستی و پر خوابی و کسالت و سست ایمانی بیم ناکم.

1. تحف العقول، ص ۳۷.

2. نهج الفصاحه، ش ۱۰۹.

صفحه

۱۰۳

سپردن کار به کاردان

تجربه ثابت کرده است هر کاری را باید به اهله سپرد تا از عهده انجام دادن آن برآید. بسیار اتفاق افتاده که برای برخی ملاحظه کاری ها و به اصطلاح مصلحت سنجی ها، این امر نادیده گرفته شده است. همین امر، زیان های بسیار سنگین بر بنیان های اجتماعی وارد کرده است؛ زیرا هنگامی که کار به ناکاردان سپرده می شود، باید منتظر آثار مخرب آن نیز باشیم. دقت در این امر همان است که امروزه به آن «شایسته سالاری» می گویند.

شایسته سالاری آن است که هر کس بر اساس لیاقت و توانایی خود، به کاری گمارده شود؛ چون در این صورت، بازده کارها دوچندان خواهد شد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در توصیه به این مهم می فرماید:

إِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ لِغَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرْ السَّاعَةَ (1).

آن گاه که کار به دست غیر اهله سپارند، منتظر رستاخیز باش.

ستایش بدکار

بي شك، هر انساني به تشويق و تنبيه نياز دارد تا از كارهاي نيك و بد خود آگاه شود و در به كار بستن روش درست دقت كند. آدمي با تشويق، انگيزه قوي تري نسبت به انجام دادن كار مي يابد و با تنبيه مي كوشد از تكرار آن پرهيز كند. اين اصل مسلم بايد در جاي خود به كار گرفته شود. اگر شخص بدكاري از تشويق و تحسین بهره مند شود، نه تنها نوعي بي عدالتي نسبت به نيكوكاران خواهد بود، بلكه اين كار به زيان بدكاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن و تكرار كار زشتش مصمم تر خواهد كرد. از آن گذشته، تحسین

1. همان، ش ۲۴۶.

صفحه

۱۰۴

فرد بدكار در حقيقت نشانه رضائت از كار زشت او خواهد بود كه چنين تمجيدي خلاف عقل و منطق است. اين رويه حتي تعادل اخلاقي جامعه را برهم مي زند و روز به روز بر شمار زشت كاران مي افزايد. بنا بر اين، تشويق و تنبيه هر چند اهرم هاي كارسازي در انجام عمل و بازدارندگي هستند، ولي شيوه استفاده بجا از آنها بسيار مهم است. پيامبر اكرم(صلي الله عليه وآله) در نهي از ستايش بدكاران مي فرمايد:

إِذَا مَدِحَ الْفَاجِرُ اهْتَرَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ (1).

هنگامي كه از آدم بدكار ستايش شود، عرش الهي به لرزه درمي آيد و خداوند خشمناك مي شود.

ستايش فريب كارانه

هنگامي كه انسان را مي ستايند، نفس آدمي شادمان مي شود، ولي بايد دانست كه بيشتر اين مدح و ثناها با صداقت و خلوص انجام نمي شود، بلكه بسياري از ستايشگران، آن را براي فريب ديگران به كار مي برند. در طول تاريخ، بزرگان و علماي بسياري با همين حيله به زانو درآمده اند. جاه طلبان براي جلب نظر اين افراد از آنان تعريف و تمجيد مي كنند تا ايشان را دچار خودباختگي سازند و در شرايط گوناگون بتوانند از آنان بهره كشي كنند. انسان آگاه بايد احتياط كند كه با تعريف و تمجيد ديگران، تصميم گيري نكند و بداند كه بيشتر تعريف ها و تشويق ها و ترغيب ها با هدف هاي شناخته يا ناشناخته سودجويان همراه است. پيامبر ارجمند اسلام درباره تأثير ناپسند تعريف هاي نابجا مي فرمايد:

1. [تحف العقول، ص ۴۶].

صفحه

۱۰۵

حُبُّ النَّأْمِ مِنَ النَّاسِ يُعْمِي وَ يُصَمُّ (1).

علاقه به تعريف از مردم، چشم را كور و گوش را كر مي كند.

ستايش هاي بي جا

اگر کسی را به دلیل کار با ارزش او ستایش کنیم، مطلوب و پسندیده است، ولی گاهی، مدح و ستایش نه تنها خوب نیست، بلکه بسیار ناپسند است. آن هم زمانی است که انگیزه آن، مادی باشد یا برای شاد کردن زورمداران انجام گیرد. این کار، چاپلوسی است و چه بسا فرد ستایش شده، می پندارد انسان والا مقامی است. بدین ترتیب، پرده غرور، دیدگان او را می پوشاند، عیب های خود را نمی بیند و راه نجات را نمی پیماید. از این رو، پیامبر درباره کسانی که فردی را بی جا می ستایند، چنین فرموده است:

أَحْتُوا الثَّرَابَ فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ (2).

بر چهره ستایش گران (نابجا) خاک بیافشانید.

سخرخیزی و بی نیازی

سخرخیزی و بی نیازی از ویژگی های مردان خداست. آنان در سایه سخرخیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه آنان گم می شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می گیرد. اینان هرچند از امکانات مادی بی بهره اند، ولی چنان عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن شان اثرگذار و کارشان

1. نهج الفصاحه، ش ۱۳۴۱.

2. همان، ش ۹۱.

صفحه

۱۰۶

مورد تأیید همگان است. این بزرگ مردان همیشه از الطاف الهی برخوردار بوده اند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز وجود این خصلت های نیکو را در آنان می ستاید:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ (1).

شرف مؤمن در شب زنده داری اوست و عزت وی در بی نیازی از مردم است.

سخنان دل نشین

بعضی افراد به جای به کار بردن سخنان ساده و همه فهم، کلمات سنگین و مشکل به کار می برند که این مسئله، شنونده را به زحمت می افکند. باید با مردم به قدر فهم شان سخن گفت و از چاشنی پند و لطافت نیز بهره برد تا برای آنان قابل درک باشد. دشوارگویی و اظهار فضل گوینده، سبب رنجش خاطر شنوندگان می شود. در این صورت، شنوندگان خواهند کوشید از او دوری کنند؛ زیرا می پندارند وی با این گفته ها می خواهد دانش خود را به رخ مردم بکشد و دیگران را پایین تر از خود بداند. پیامبر اسلام به زبان مردم سخن می گفت و به دیگران نیز توصیه می فرمود:

حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ أَتُرِيدُونَ أَنْ يُكَدِّبَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ (2).

با مردم آن گونه که می فهمند، سخن بگویند. آیا می خواهید (با به کار بردن کلماتی که نمی فهمند)، خدا و پیامبرش را تکذیب کنند؟

سد معبر

یکی از عادت های ناپسند برخی افراد این است که برای پاک نگه داشتن خانه خود، سنگ، کلوخ، پاره آجر و زباله هایشان را در کوچه و خیابان محل گذر

1. نهج الفصاحة، ش ۱۸۱۵.

2. همان، ش ۱۳۵۳.

صفحه

۱۰۷

مردم رها می کنند. این مسئله سبب می شود که آلودگی در کوچه و خیابان پخش شود و سلامت اجتماعی به خطر افتد. گروهی از رانندگان بی مبالا نیز وسیله نقلیه خود را جلوی در خانه ها یا کارگاه ها متوقف می کنند و ساعت ها از محل غایب می شوند و راه عبور مردم را می بندند. البته جالب آن است که این افراد از خود راضی که حقوق شهروندان را رعایت نکرده اند، با چهره ای حق به جانب حتی با معترضان درگیر هم می شوند. پیامبر خدا، محمد مصطفی(صلي الله عليه وآله) (با توجه به این مهم می فرماید:

مَنْ أَدَّى الْمُسْلِمِينَ فِي طُرُقِهِمْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ لَعْنَتُهُمْ(1).

هر کس بر سر راه مسلمانان مزاحمت ایجاد کند، استحقاق لعنت آنان را دارد.

سراشیبی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص درآویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می سازد و او را به سراشیبی سقوط می کشاند. انسان در هر حال به راهبری قابل اعتماد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهد. این راهنمایان، پیامبران الهی هستند که همواره در کنار مردم می زیستند. ایشان با گفتار و رفتار نیکویی خود، اسوه های عملی برای بشریت به شمار می روند. آنانی که پیش از سفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودند. پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) (دستوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:

1. همان، ش ۳۰۳۶.

صفحه

۱۰۸

ثَلَاثٌ مُّوْبَقَاتٌ: هَوِيٌّ مُّبْعَعٌ وَ شَحٌّ مُطَاعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ(1).

سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوس که پیروی می شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برند و خود پسندی که عاید انسان شود.

سرعت در خیرات

برخی مردم، دارایی و اندوخته های خود را در راه خدا انفاق می کنند و هنگام دیدار خدا، سبک بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده اند. گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می فرماید:

لَأَنْ يَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِي حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِمِائَةِ عِنْدَ مَوْتِهِ (2).

اگر انسان در حیات خود، در همی صدقه دهد، بهتر است از اینکه هنگام مرگش، صد در هم صدقه بدهد.

سستی در عبادت

سستی در هر کاری ناپسند است و سبب می شود که کارها به درستی انجام نشود و در نتیجه، اثر مطلوبی در پی نداشته باشد. عبادت هم از کارهایی است که به

1. تحف العقول، ص ۸.

2. نهج الفصاحه، ش ۲۲۱۰.

اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از این عوامل نباشد، به همان اندازه به عبادت آسیب می رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی میلی در عبادت به شدت، از دامنه اثر آن می کاهد. بی میلی نشانه بی انگیزه بودن است و هنگامی که شوق و علاقه در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی نخواهد داشت.

نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می دارد که با رعایت تمام شرط ها انجام شود تا اثر گذار و بازدارنده باشد. در غیر این صورت، عبادت زبانی که تنها لقلقه زبان آدمی است، نمی تواند آدمی را از زشتی ها باز دارد. پیامبر گرامی اسلام به نماز اهمیت فراوان می داد. با شادابی و نشاط بسیار، برای برگزاری نماز آماده می شد و نماز تا عمق جان او می نشست، به گونه ای که گفته اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنده می دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می کشید و آن را با آداب کامل بجا می آورد. ایشان در سفارشی زیبا به علی (علیه السلام) برای آموزش پیروانشان این گونه سخن می گوید:

يَا عَلِيُّ أَفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَقْرَةُ (1).

اي علي! آفت عبادت، سستي است.

سلام

سلام، بهترين هديه اي است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می‌بخشیم. سلام، واژه اي معجزه آفرین است که غبار کدورت را می‌زداید و رشته هاي محبت را مستحکم می‌سازد. از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و

[تحف العقول، ص ۶.]

صفحه

۱۱۰

رفتارهاي ماشيني عوض نکنیم. سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هديه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان برآید. آن پیامبر رحمت می‌فرماید:

أَفْشُوا السَّلَامَ تَسْلَمُوا(1).

سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

سودمندی

کارگشایی و سودمندی در دین اسلام، جایگاه والایی دارد. اسلام از همگان خواسته است تا آنجا که می‌توانند به دیگران سود برسانند. سودمند بودن هم به گونه‌های مختلف است. گاهی رسیدگی مالی است و گاهی هم ممکن است معنوی باشد. همان گونه که یک انسان ثروتمند با تأمین نیاز مستمندان یا تأمین وسایل ضروری ازدواج برای یک زوج جوان، تأمین مخارج درمان یک بیمار، احداث یک مرکز آموزشی یا بهداشتی، برای افراد و جامعه سودمند است؛ یک نویسنده، با قلم خود و دعوت کردن از مردم به بوستان کتاب و یک خطیب با سخنرانی و موعظه، وظیفه خدمت رسانی خویش را به انجام می‌رساند. پیامبر گرامی اسلام، خدمت رسانی و سودمندی را در کنار ایمان به خداوند از نیکی‌های مهم انسانی می‌شمارد و می‌فرماید:

خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَالنَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ(2).

دو صفت است که در نیکی، چیزی فراتر از آنها نیست: ایمان به خدا و سودمند بودن برای بندگان خدا.

1. نهج الفصاحه، ش ۳۸۲.

2. تحف العقول، ص ۳۵.

صفحه

۱۱۱

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادي، نشان دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است. در واقع، مسافر با این کار می فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند. البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادي اشیا توجه کند؛ زیرا راضي کردن دیگران به بهاي به زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می فرماید:

إِذَا قَدِمَ أَحَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيَقْدِمْ مَعَهُ بَهْدِيَّةً وَ لَوْ يُلْقِي فِي مَخْلَاتِهِ حَجْرًا (1).

هرگاه کسی از سفر می آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توبره خود بیاندازد.

سوگند ناصواب

بعضی افراد عادت کرده اند برای اثبات گفته های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیر شرعی است. اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خدا را کوچک می کند و رفته رفته از عظمت و قداست الهی می کاهد. البته انسان برای ترک هر عادت باید رنج آن را بر خود هموار کند تا عادت های

[1] نهج الفصاحه، ش ۲۲۸.

صفحه

۱۱۲

نکوهیده از او دور شوند و خود را به خلق نیکو بیاراید. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را بر نمی تابند و از پیروان خود می خواهند آن را ترک کنند. پیامبر محبوب اسلام می فرماید:

لَا تَحْلِفُ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَلَا تَجْعَلِ اللَّهُ عُرْضَةَ لِيَمِينِكَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ وَلَا يَرْعِي مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا (1).

سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در معرض قسم خود قرار مده؛ زیرا خدا به کسی که به نام او سوگند دروغ می خورد، رحم نمی کند و او را مورد ملاحظت خود قرار نمی دهد.

»

ش

شادی چشم ها

وحشتي بي سابقه، دهشتي بي مانند، هولي پریشان زا و هیبتي بیچاره کننده همه مردم را دربرمی گیرد. همه دل ها مضطرب و در تشویش؛ همه بدن ها لرزان؛ همه چشم ها گریان و همه در اندیشه فرجام کار خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی توان به مکر و حیلۀ روی آورد و به گونه ای از مهلکه خود را رها کنید و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی، بعضی افراد از این راه ها برای گریز و رهایی سود می جستند، ولی اینجا پایان دنیاست. جایی که انسان ها همه در پیش گاه عدل الهی قرار می گیرند و کردارها سنجیده می شود. جملگی در اضطراب و هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در سایه سار لطف الهی قرار گرفته اند. آنان چنین فرجام نیکی را با شب زنده داری و حرکت در دایره

[تحف العقول، ص ۱۴.]

صفحه

۱۱۳

شریعت برای خویش مهیا ساخته اند. همان وعده ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ: عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ قَاضَتْ مِنْ حَسْبِيَةِ اللَّهِ(۱).

هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد؛ چشمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

شایسته سالاری

باید گفت هر کسی اگر در جایگاه خود قرار گیرد، می تواند در کارها پیشرفت کمی و کیفی ایجاد کند، ولی اگر در راستای انگیزه ها، توانایی ها و علاقه های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد نمی کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می شود. بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت

[تحف العقول، ص ۸.]

صفحه

۱۱۴

کیفی در کارها و پیش گیری از رکود و کم کاری افراد، کارها به دست اهلس سپرده شود. پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) می فرماید:

مَنْ عَمَلَ عَلَيَّ غَيْرَ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ(۱).

کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

شُتاب در توبه

کاروان مرگ بی خبر به سراغ ما می آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی منتهای الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در هشداري ارزنده می فرماید:

تُوبُوا إِلَيَّ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمُوتُوا (2). ...

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید. ...

شرکت در مجلس ختم

انسان با از دست دادن عزیزان خود به رنج و اندوه فراوان دچار می شود. طبیعی است در چنین شرایطی، اظهار هم دردی و تسلیت گویی، تا اندازه زیادی می تواند از رنج و ناراحتی های او بکاهد. بنابراین، ادب و جوان مردی ایجاب می کند انسان با شرکت در مجالس ختم و عرض تسلیت، روح آزرده صاحب عزا را التیام بخشد. البته باید با چهره ای گرفته و اندوهگین وارد

1. تحف العقول، ص ۴۷.

2. نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۸.

صفحه

۱۱۵

مجلس شد و از گفتوگویی زیاد خودداری کرد. خواندن قرآن و دعا برای آمرزش میت بهترین و مهم ترین کار است. همچنین توصیه شده است که حتماً خود را به صاحب عزا نشان دهید تا دریابد که در فراز و نشیب های زندگی، او را تنها نگذاشته اید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره پاداش این عمل می فرماید:

مَنْ عَزَى مُصَاباً فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ (1).

هر کس مصیبت زده ای را تسلیت گوید، پاداشی همانند او دارد.

شغل مناسب

اسلام، افرادی را که سست اراده اند و از کار و تلاش دوری می کنند، بسیار نکوهش می کند. با این حال، اسلام اجازه نمی دهد که انسان، هر شغلی را انتخاب کند؛ زیرا شغل باید برای فرد و جامعه، مفید باشد. متأسفانه بعضی شغل های واسطه ای، نه تنها سودی برای جامعه ندارد، بلکه با دست به دست کردن کالا، قیمت کالاها را چند برابر افزایش می دهند. در این بین، واسطه گران بدون تحمل هیچ رنج و تلاشی، به مراتب بیشتر از تولیدکننده سود می برند. بعضی افراد نیز فقط به شغل های کم تحرک و دفتری علاقه مندند که اگر وجدان کاری داشته باشند و کار ارباب رجوع را به فردا محول نکنند، تا حدودی پذیرفتنی است. در

مقابل، ولي چنانچه با بي تفاوتی و سستی، فقط به پشت میز نشینی و دریافت ماهیانه از بیت المال بسنده کنند، بسیار ناپسند است و اسلام، آن را نکوهش می کند. پیامبر ارجمند اسلام می فرماید:

أَطْيَبُ الْكَسْبِ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ (2).

بهترین کسب ها این است که انسان با دست خود، کار کند.

1. همان، ش ۲۷۹۲.

2. همان، ش ۳۳۲.

صفحه

۱۱۶

شکار بی دلیل حیوانات

هر انسان باعاطفه ای، در غیر موارد ضرورت، از شکار حیوانات بیزار است. بعضی افراد نیز هستند که این کار را وسیله تفریح و خوش گذرانی خود قرار می دهند و از ریختن خون حیوانات لذت می برند. چه بسا حیوانی را شکار می کنند که بچه هایش در انتظار او لحظه شماری می کنند. کدام وجدان بشری می پذیرد پرنده ای را که برای جوجه هایش دانه می برد، به خون غرقه کنند؟ این کار به تدریج، سبب قساوت قلب می شود و انسان را از مقام انسانیت فرسنگ ها دور می سازد. پیامبر مهربان اسلام می فرماید:

مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا بِغَيْرِ حَقٍّ سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1).

هر کس گنجشکی را به ناحق بکشد، خداوند در روز قیامت از او بازخواست می کند.

شکر نعمت

نعمت های الهی بسیار ارزشمند است و انسان زمانی به اهمیت آنها پی می برد که در حادثه ای ناخوشایند، عضوی از بدن خود یا نعمتی از نعمت های مادی را به طور موقت یا دایم از دست بدهد. این گونه است که درمی یابد چه نعمت بزرگی را از دست داده است. انسان شاکر و مخلص، با عمل خود، دیگران را نیز از حالت غفلت و بی خبری بیرون می آورد و به فکر و تأمل در قدرت لایزال الهی و می دارد. البته باید دقت شود که آشکار ساختن شکر، جنبه ریا و خودنمایی پیدا نکند. رسول گرامی اسلام در توصیه به سپاس گزاری آشکار از نعمت الهی می فرماید:

مَنْ شَكَرَ النُّعْمَةَ إِفْشَاؤُهَا (2).

از مصداق های شکر نعمت، آشکار کردن آن است.

1. نهج الفصاحة، ش ۲۹۱۸.

2. همان، ش ۳۰۴۵.

شنیدن سخنان خوب

مؤمن - همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی شناسد - نه تنها از آموختن مطالب حکمت آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ گونه ضعف و سستی در او دیده نمی شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و بالارزش وابسته می داند و از هم نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب های سودمند لذت می برد. هم نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثار مثبتی در انسان بر جا می نهد. پس بکوشیم حق گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم. پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می فرماید:

لَنْ يَسْمَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتَّى يَكُونَ مِنْتَهُا الْجَنَّةَ (1).

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهان بزرگ است و دروغ گو نزد مردم ارزش و جایگاهی ندارد، ولی بدترین دروغ آن است که شخص برای پای مال کردن حق دیگران، شهادت دروغ بدهد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می آلود و حقوق دیگران را ضایع می کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می کشاند. در نتیجه، طرف مقابل نیز برای احقاق حق خود، به ستیزه جویی روی می آورد. پیامبر رحمت در هشداري به شهادت دهندگان دروغین می فرماید:

1. همان، ش ۲۲۹۲.

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شَاهِدِ الزُّورِ حَتَّى يُوجِبَ اللهُ لَهُ النَّارَ (1).

شاهد دروغین از جای نمی جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می کند.

»

ص

صدا زدن به بهترین نام ها

کسانی که از ادب و اخلاق اسلامی بهره مندند، می‌کوشند دیگران را به زیباترین نام‌ها بخوانند و آنان را به نامی که از آن نفرت دارند، صدا نکنند، ولی با کمال تأسف، برخی به این مسئله مهم که با روح و روان آدمی ارتباط مستقیم دارد، توجه ندارند و گاه به عمد و با قصد و غرض، اشخاص را به نام‌هایی صدا می‌زنند که از آن ناراحت می‌شوند. هنگامی که اینان با برخورد تند طرف مقابل، روبه‌رو می‌شوند، نام کار خود را شوخی می‌گذارند، در حالی که این توجیه، غلط و نادرست است. پیامبر محبت و مهربانی می‌خواهد دیگران را با بهترین نام‌ها بخوانند:

... وَ تَدْعُوهُ بِأَحَبِّ أَسْمَائِهِ (2). ...

... و آنان را با نیکوترین نام‌هایشان بخوانید. ...

صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است، ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی‌رحمی‌ها دست می‌یازند. این زیاده‌طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حيله و

1. نهج الفصاحة، ش ۲۲۸۷.

2. همان، ش ۱۳۸۷.

صفحه

۱۱۹

بازارگرمی، اجناس خود را به چندین و چند برابر می‌فروشند و همچنان می‌پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته‌اند. آیا درست است که افزون خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟ پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ اللَّهَ بَاعِعْتُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُجَّارًا إِلَّا مَنْ صَدَّقَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ (1).

ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می‌کند جز آنان که امین و درست کار هستند.

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده‌ها پدید می‌آورد و سبب می‌شود آنان در گناه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود. این دیدارها زمانی سودمند است که با بحث‌های مفید و آگاهی‌دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می‌فرماید:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعُ رَحِمٍ (2).

قطع کننده صلّه رحم وارد بهشت نخواهد شد.

1. همان، ش ۳۲۰۴.

2. همان، ش ۲۵۳۳.

صفحه

۱۲۰

»

ض

ضیافت مقبول

ترتیب دادن مجلس مهمانی کار بسیار خردمندانه و پسندیده ای است، اگر:

1. برای تحکیم رشته های محبت باشد.

2. به شکرانه اعطای نعمتی از جانب خداوند باشد.

3. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت های الهی نگردد.

در این صورت، نشست و برخاست ها، وسایل رشد مادی و معنوی افراد را فراهم می آورد. بنابراین، باید تلاش شود تا افزون بر پذیرایی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، دیگران را به وظایف انسانی شان آگاه سازیم. در این میان، آنچه مورد نکوهش اولیای الهی است، این است که دعوت شدگان تنها از میان ثروت مندان و صاحبان قدرت و شوکت باشند. به راستی آیا می توان انسان هایی را که تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟ حضرت ختمی مرتبت می فرماید:

بِئْسَ الطَّعَامُ طَعَامُ الْعُرْسِ يَطْعَمُهُ الْأَغْنِيَاءُ وَ يُمْنَعُهُ الْمَسَاكِينُ (1).

چه بد است خوراک عروسی که ثروت مندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.

»

ط

طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می کنند و این نشان دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند .

1. نهج الفصاحة، ش ۱۰۸۰.

صفحه

۱۲۱

تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می گیرد و این، نشان دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می کند:

أَطْلَبِ الْعَافِيَةَ لِغَيْرِكَ تَرَزُقْهَا فِي نَفْسِكَ (1).

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.

»

ع

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشمند است که به مسائل مادی و دنیوی محدود نگردد و سعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی ها و خرابی ها، به دلیل نگاه یک بُعدی به علوم بوده است. به گونه ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسیار ریز و دقیقی دارند، ولی متأسفانه در مسائل دینی و اخروی بسیار کم خبرند. بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشر را به سعادت و سربلندی می رساند. هر عالمی باید باتوجه به فایده های دنیوی و اخروی هر علم، با بینشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله (می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ عَالِمٍ بِالدُّنْيَا جَاهِلٌ بِالْآخِرَةِ (2).

خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و در کار آخرت، نادان است، دشمن می دارد.

1. همان، ش ۳۲۶.

2. همان، ش ۷۹۶.

صفحه

۱۲۲

عبادت مخفي

برخي عبادت ها در دين اسلام، جنبه شعاري دارند؛ يعني براي تعظيم شعاعير، بايد آنها را آشكارا انجام داد. عبادت هايي چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح يگانگي را در همگان تقويت مي کند و مردم را در راه اجراي آنها مصمم تر مي سازد. بعضي ديگر از عبادت ها بايد مخفيانه انجام گيرد. عبادت هايي مانند نماز شب، روزه و دستگيري از مستمندان اگر پنهاني انجام گيرد، ارزشمندتر و مطلوب تر است؛ زيرا بيم ريكاري و وسوسه هاي شيطاني در اين موارد زياد است. پيامبر گرامي اسلام تأکيد دارد که اين گونه کارها پنهاني صورت گيرد تا جنبه خودنمايي به خود نگيرد و پاداش آن از بين نرود. بنا بر اين مي فرمايد:

أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفِيهَا (1).

بالاترين عبادت از نظر پاداش، مخفي ترين آنهاست.

عذرپذيري

گاهي انسان در برخوردهاي اجتماعي خويش، با ديگران اختلاف پيدا مي کند که گاه به مشاجره لفظي يا برخورد فيزيکي مي انجامد، ولي سرانجام ممکن است خود آن فرد يا با واسطه نزدش بيايد و عذرخواهي کند. در چنين حالي، مروت و جوان مردمي اجازه نمي دهد دست رد به سينه او بزنيم؛ زيرا وي خودش را شرمسار مي داند و از عذاب وجدان رنج مي برد. پسندیده است که

[1] نهج الفصاحة، ش ۳۴۹.

صفحه

۱۲۳

با برخوردی بزرگوارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس گزاری کنیم. رسول گرامي اسلام در اين باره مي فرمايد:

مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا لَمْ يَنْلُ شَفَاعَتِي (1).

هرکس عذر پوزش گري را - راست باشد يا دروغ - نپذيرد، به شفاعت من نمي رسد.

عزت نفس

برخي نيازمندان چون طبع بلند دارند، همواره مي کوشند خود را بي نياز نشان دهند و به اصطلاح «با سيلی، صورت خود را سرخ نگه دارند». در مقابل، به افراي برمي خوريم که با داشتن رفاه و برخورداری از امکانات مالي، همچنان دست نياز به سوي اين و آن دراز مي کنند. اينان، فرومايگاني هستند که به آساني، عزت نفس خود را از دست مي دهند و دين و شخصيت خود را مي فروشند. آيين اسلام به پيروانش دستور مي دهد که هيچ گاه شخصيت والاي خود را به بهاي ناچيز نفروشند و براي به دست آوردن نيازهاي مادي خويش، به سوي اين و آن دست دراز نکنند. پيامبر عظيم الشأن اسلام مي فرمايد:

إِسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السَّوَاكِ (2).

از مردم بي نياز باشيد و از آنان، يک قطعه چوب مسواک هم نخواهيد.

عزیزان به ذلت افتاده

اخلاق پسندیده اسلامی حکم می‌کند از افرادی که در میان قوم و قبیله خود احترامی داشته و اکنون به هر دلیل به ذلت و خواری افتاده اند، دل جویی کنیم.

1. همان، ش ۲۷۵۷.

2. همان، ش ۲۸۳.

صفحه

۱۲۴

این افراد به دلیل از دست دادن مقام و موقعیت خود، به مهر و محبت اطرافیان خود بسیار نیازمندند. ممکن است آنان در از دست دادن موقعیت خود، تقصیر چندانی نداشته باشند و حادثه‌ای ناگوار، ایشان را از سریر اقتدار به حضيض ناتوانی کشانده باشد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

إِرْحَمُوا عَزِيزاً ذُلًّا (1) ...

به عزیزی که خوار گردیده است، احترام بگذارید. ...

عفت کلام

زبان، وسیله بدبختی و خوشبختی انسان را فراهم می‌آورد. اگر زبان در اختیار آدمی قرار گیرد و وی با نیروی تعقل و تدبیر، آن را به کنترل خویش درآورد، از بسیاری مفاسد و گناهان در امان می‌ماند. زبان، تنها عضوی است که منشأ بسیاری از گناهان و انحراف‌ها است. از زبان می‌توان برای شهادت حق و ناحق، حفظ آبرو و بی‌آبرویی، دروغ و صداقت، غیبت و سکوت، تهمت و واقعیت استفاده کرد. انسان بدزبان در نظر دیگران متنفر است و همگان از نیش زبانش که چون شمشیر برنده و تیز است، فرار می‌کنند. با این وصف، سعادت انسان در گرو آن است که از شرّ زبان به خدا پناه ببرد و آن را به کنترل خود درآورد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

إِحْفَظْ لِسَانَكَ (2).

زبان‌ت را حفظ کن.

1. نهج الفصاحة، ش ۲۶۲.

2. همان، ش ۱۰۰.

صفحه

۱۲۵

عفو به هنگام قدرت

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به گونه ای تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند. چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان، انسان های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر رحمت در این باره می فرماید:

إِذَا قَدَرْتَ عَلَيَّ عُدُوكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْفُدْرَةِ عَلَيْهِ (1).

وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه این چیرگی قرار ده.

علاقه به کار

یکی از بزرگ ترین عوامل موفقیت در کارها، علاقه به کار است. کسی که به کاری علاقه مند باشد، با تمام توان در انجام دادن آن می کوشد. بر عکس، یکی از عوامل مهم در شکست انسان، نداشتن انگیزه است که نه تنها انسان را به پیشرفت نمی رساند، بلکه روز به روز به شکست و ناکامی نزدیک تر می کند. بنابراین، اگر خواهان آسایش جسمی و روحی هستید، باید کاری را انتخاب کنید که به آن علاقه مند باشید. پیامبر اسلام در نکوهش علاقه نداشتن به کار و به اجبار کسی را به کار گماشتن می فرماید:

إِذَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَدَعُهُ (2).

وقتی دل تو از کاری چرکین است، از آن چشم بپوش.

1. همان، ش ۲۲۷.

2. همان، ش ۱۹۶.

عیادت از بیماران

نشاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنج، به غم و اندوه مبتلا می شود و با فرو رفتن در خود، خزیدن در گوشه تنهایی و دوری از اجتماع، بر عذاب روح خود می افزاید. پیامبر عزیز اسلام به دوستان و خویشان بیمار توصیه می کند که به دیدار وی بروند؛ چون برای قدم هایی که در این راه برمی دارند، ثواب های فراوانی در نظر گرفته شده است. آن گاه که کنار بیمار می نشینید، از خوشی ها و امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می فرماید:

عَائِدُ الْمَرِيضِ يَمْشِي فِي طَرِيقِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ (1).

کسی که بیماری را عیادت می کند، تا هنگامی که باز می گردد، در راه بهشت قدم می زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه ای دارد. بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. از این رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی‌کند، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسیار سخن بگوید، بلکه باید برای سلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه به آداب آن می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا سُرْعَةَ الْقِيَامِ مِنْ عِنْدِ الْمَرِيضِ (2).

از بهترین عیادت این است که از نزد بیمار، زودتر برخیزی.

1. نهج الفصاحة، ش ۱۹۲۶.

2. همان، ش ۴۱۲.

صفحه

۱۲۷

»

غ

غذای دسته جمعی

یکی از آسیب‌های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده‌ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می‌افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره مشترک، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزواطلبی را در افراد خانواده پدید می‌آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می‌کاهد. هم‌نشینی و گرد آمدن بر سر سفره مشترک، صمیمیت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی‌ها را در ذایقه انسان افزایش می‌دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه‌گیری است. پیامبر رحمت درباره دل‌چسب بودن خوردنی‌ها می‌فرماید:

أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَيَّ اللَّهُ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي (1).

بهترین غذاها آن است که گروه زیادی بر گرد آن بنشینند.

غرور علمی

بی‌شک، بهره‌مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندان. دانشمندان همانند درختان میوه، هرچه پربارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده‌ای نیز بی‌دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده‌اند، از تجربه‌های علمی

بي بهره اند. دانشمندان واقعي هيچ گاه در دانش خود، تظاهر نکرده اند و از دانش خود، براي تکامل مادي و معنوي جامعه استفاده مي کنند. پيامبر گرامي اسلام به مدعيان دانش هشدار مي دهد:

مَنْ سَمِعَ النَّاسَ يَعْلَمُهُ سَمِعَ اللَّهُ بِهِ مَسَامِعَ خَلْقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حَقْرَهُ وَ صَعْرَهُ (1).

هرکس، گوش مردم را از علم خود پر کند] و به آن ببالد]، خداوند در روز رستاخيز، گوش مردم را از رسوايي وي پر و او را حقير و ناچيز مي سازد.

غوغا سالاري

برخي افراد براي اينکه حق و باطل را در هم آميزند، به جار و جنجال مي پردازند. اينان با هياهوگري، خود را صاحب حق جلوه مي دهند و اشک تمساح مي ريزند، به گونه اي که افراد ساده لوح، بسيار زود فريب مي خورند. در اين صورت، ساده لوحان به کمک آنان مي شتابند. البته پس از مدتي، به نادرستي ادعاي آنان پي مي برند و خود را سرزنش مي کنند که چرا بي تأمل، زير پرچم غوغا سالاران گرد آمدند. بسيار پسنديده خواهد بود که انسان با شنيدن هر صداي بلندي به آن سو کشيده نشود و حساب شده و سنجيده رفتار کند. پيامبر بزرگوار مي فرمايد:

دَغَّ قَيْلٌ وَ قَالَ وَ كَثْرَةُ السُّؤَالِ وَ إِضَاعَةُ الْمَالِ (2).

از جنجال و هياهوگري و سوال زياد و تلف کردن مال بپرهيز.

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می آمد، دشوارترین سختی ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می شود. ایشان در ۲۳ سال سخت ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود و انسان ها بتوانند در پرتو آموزه های دینی راه کمال و سعادت ببینند. ایشان در پندی گران بها به حضرت علی(علیه السلام) می فرماید:

وَ ابْدُلْ مَالَكَ وَ نَفْسَكَ دُونَ دِينِكَ(1).

مال و جان را در راه دین خود فدا کن.

فروش مسکن

تجربه نشان می دهد کسانی که بی دلیل، خانه مسکونی خویش را می فروشند، پس از مدتی کوتاه، پشیمان می شوند. این افراد با همسایگان و راه و چاه محله قدیمی خود کاملاً آشنا بوده اند و اینک درمی یابند که چه نعمت بزرگی را از دست داده اند. همچنین اگر سریع تر مسکن جدید تهیه نکنند، بسیار زودتر از

[تحف العقول، ص ۶.]

صفحه

۱۳۰

آنچه تصور می کنند، پول خانه را از دست می دهند و تا مدت های مدید باید در خانه های استیجاری به سر ببرند. همچنین ممکن است در مدتی که در جستجوی مسکن جدید هستند، ارزش مسکن افزایش یابد که در این صورت، با پول موجود نمی توانند یک خانه حتی در متراژ قبلی و در یک نقطه دوردست به دست آورند. پس شایسته است پیش از فروش خانه، همه جنبه های کار را بسنجند و بی اندیشه به چنین معامله خطیری روی نیاورند. پیامبر اسلام می فرماید:

مَنْ بَاعَ عَقْرًا دَارَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيَّ تَمَنِّيَهَا تَالِفًا يَبْلُغُهُ(1).

هر کس، بی دلیل، خانه ای را بفروشد، خدا تلف کننده ای را می فرستد که قیمت آن را تلف کند.

فریب کاران

مردم سه دسته اند؛ گروهی راه صواب می پیمایند و دیگران را یا از هم نوعان خود یا از هم کیشان خویش می شمارند. از این رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه رو می شوند. گروه دیگر، در پی حيله گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی با زرق و برق دنیایی برمی آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می شوند. بی شک، مردم در رویارویی با این افراد سودجو، آرامش خویش را از دست می دهند و تلاش می کنند از شر نقشه های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می برند و امنیت روانی را نابود می سازند. چگونه است که بعضی افراد، از

مسلماني و پيروي از اسوه فضيلت و تقوا؛ يعني پيامبر گرامي اسلام دم مي زنند، ولي در عمل، هيچ بهره اي از رفتار پيامبر ندارند. حضرت رسول الله (صلي الله عليه وآله) (اين افراد را از دايره مسلماني جدا مي سازد و مي فرمايد:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَكَّرَهُ (1).

کسي که با مسلماني غل و غش کند يا به او زيان برساند يا با او از در مکر و خدعه درآيد، از ما نيست.

»

ق

قرض گرفتن

برخي عادت کرده اند که به شيوه هاي گوناگون از ديگران، پول قرض بگيرند. اين افراد به دليل فزوني بدهي ها، آسايش روي و رواني خود را از دست مي دهند و هميشه در اندیشه بازپرداخت دين هاي خود هستند و چه بسا آرزو مي کنند که کاش به اين کار دست نمي زدند. اگر اين اشخاص با چشم پوشي از زياده خواهي، به آنچه داشتند، راضي مي شدند و زندگي اجتماعي خود را متناسب با دارايي خويش تنظيم مي کردند، به چنين بلايي گرفتار نمي شدند. رعايت اعتدال در فراهم آوردن امکانات رفاهي زندگي سبب خواهد شد افراد، بي دليل زير بار سنگين قرض هاي متعدد فرو نروند. پيامبر اعظم (صلي الله عليه وآله)، دين و بدهي را به از دست دادن آزادي تعبير کرده و فرموده است:

أَقْلَّ مِنَ الدَّيْنِ تَعِيشُ حُرًّا (2).

از بدهي خود بکاهد، تا آزاد زندگي کند.

1. تحف العقول، ص ۴۲.

2. نهج الفصاحه، ش ۴۳۲.

قضاوت، یکی از مهم ترین پست های اجتماعی است. قضاوت درست، زمینه ساز گسترش عدالت در جامعه اسلامیو بازستاندن حق مظلوم از ظالم است. به دلیل حساسیت و ظرافت موجود در قضاوت، این کار از عهده هر کسی ساخته نیست؛ زیرا ممکن است به دلیل کوچک ترین بی توجهی در صدور حکم، بنیان خانواده ها متزلزل و انسان بی گناهی گرفتار شود. بر این اساس، اسلام افزون بر لازم دانستن علم و عدالت و صبر و شجاعت برای قاضی، به صدور زمان حکم نیز توجه کرده است. اسلام می خواهد قاضی در بهترین شرایط ممکن و با فراغت بال، به دور از هرگونه حب و بغض، تصمیم بگیرد و حکم صادر کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بیانی شیوا درباره اهمیت شغل قضاوت می فرماید:

مَنْ جُعِلَ قَاضِيًا فَقَدْ دُبِحَ بِغَيْرِ سِكِّينَ (1).

هرکس را قاضی قرار دهند، مانند آن است که با چیزی جز چاقو، او را ذبح کرده اند.

قناعت

قناعت پیشگان در برابر حوادثی که به گونه ای شرف و عزت آنان را به خطر می اندازد، پایدارند. قناعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می کند تا جنبه های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش گیری می کند و به او اعتدال می بخشد. فرد قانع، وقت گران بهای خود را صرف خواسته های نابجا نمی کند

1. نهج الفصاحه، ش ۲۸۰۸.

صفحه

۱۳۳

و آسان تر می تواند نردبان تعالی و تکامل را ببیماید. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) (به پیروان خود توصیه می کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ فَإِنَّ الْقَنَاعَةَ مَالٌ لَا يَنْفَدُ (1).

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان ناپذیر است.

»

ک

کارگشایی

بعضی افراد، کلید خیر هستند؛ یعنی گفتار و رفتارشان به گونه ای است که انسان احساس می کند منشأ کارهای خیر و پسندیده خواهند شد. اینان همواره می کوشند از گرفتاری و مشکلات دیگران بکاهند و در این راه از هیچ گونه فداکاری، دریغ نمیورزند. آنان چون خورشیدی هستند که با شعاع وسیع و گرمابخش خود، همه جا را روشنایی می بخشند و تلاش می کنند موجی از شادمانی به دیگران ارزانی دارند. در مقابل، با

کسانی روبه رو می شویم که رفتارهای منفی و قفل کننده دارند؛ یعنی به جای گره گشایی، مشکلات جدید بر آن می افزایند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در توصیه به کارگشایی می فرماید:

إِنَّ مِنَ النَّاسِ نَاسًا مَفَاتِيحُ لِلْخَيْرِ مَغَالِيقُ لِلشَّرِّ (2) ...

بعضی از مردم، کلید خیر و قفل شر هستند. ...

کردار نیک

کارهای نیک بسیار است و راه های خدمت رسانی فراوان. انسان با راهنمایی حجت درون و بیرون که همانا عقل و معصومین (علیهم السلام) هستند، راه را از بیراهه و خوب را از

1. همان، ش ۱۹۸۰.

2. همان، ش ۹۲۰.

صفحه

۱۳۴

بد تشخیص می دهد. پیروی از عقل و شریعت، آدمی را از جمله نیکان و نیکوکاران قرار می دهد. نیکان جهان، نه تنها خود را به زیور فضایل و کردار نیک می آرستند، بلکه به دیگران نیز سفارش می کردند تا زینت احسان و نیکی را بر گردن خود بیاویزند و محبوب خدا و خلق شوند. نیک مردانی که زیر آسمانی کبود زیستند و با کردار نیکشان، نامی جاودانه برای خویش به یادگار گذاشتند، فراوانند و سرسلسله آنان؛ برترین انسان ها، یعنی پیامبر رحمت و کرامت می فرماید:

ثَلَاثَةٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ وَ طَيِّبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى (1).

سه چیز از نیکی هاست: سخاوت و بخشش، سخن نیک و شکیبایی در برابر آزار.

کسب حلال

عبادت، تنها در برپایی نماز خلاصه نمی شود، بلکه انسان مسلمان می تواند در واجبات توصلی نیز قصد قربت کند و بسیاری از کارهای خداپسندانه را در دایره عبادی قرار دهد. کسی که دانش می آموزد، به عبادت بیمار می رود، برای به دست آوردن نیازمندی های زندگی خود و خانواده، رنج و کار و تلاش را برای خویش هموار می سازد؛ اگر همه اینها را با قصد قربت و برای رضای خدا انجام دهد، عبادت کرده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (با وجود سفارش های فراوان به فعالیت اقتصادی، هشدار می داد به گونه ای در جستجوی دنیا برآید که از آن جهان روی گردان نشوید. رعایت حلال و حرام در

1. [تحف العقول، ص ۸.

صفحه

کسب روزی از مهم ترین سفارش های آن حضرت به تمام مسلمانان است. ایشان در سخنی زیبا می فرماید:

الْعِبَادَةُ سَبْعَةُ أَجْزَاءٍ أَفْضَلُهَا كَسْبُ الْحَلَالِ (1).

عبادت هفت بخش است که بالاترین آن کسب حلال است.

کم حوصله بودن

کم حوصله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد. انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توان رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ گاه خود را نمی بازد و هیا هو به راه نمی اندازد. در مقابل، انسان های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می دهند و در مواقع حساس، از قضاوت و تصمیم گیری درست باز می مانند. انسان های صبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره مندند، هیچ گاه در کارها و اظهار نظرهای خود، شتاب نمی کنند. به گفته پیامبر گرامی اسلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

النَّوْذَةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ (2).

حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در کار آخرت.

کمک به تحصیل فرزندان

یکی از مهم ترین حقوق فرزندان این است که آنان از دانش برخوردار باشند. بنابراین، هرگونه کوتاهی در این مورد، ستمی نابخشودنی است بر فرزندان. فرزندان، امانت هایی الهی هستند و نگه داری و رسیدگی به آنان به والدین سپرده

1. همان، ص ۳۷.

2. نهج الفصاحه، ش ۱۲۰۸.

شده است که اندک کوتاهی در راه کمال آنان، مورد بازخواست قرار می گیرد. بنابراین، باید همواره شعله دانش طلبی را در نهاد فرزندان مان روشن نگه داریم تا آینده تابناک در انتظارشان باشد. انسان بی سواد، آینده روشنی ندارد و نمی تواند در برابر مشکلات زندگی از خود واکنش های مناسبی نشان دهد. از این رو، با تنگناهای بسیاری در زندگی صنعتی کنونی روبه رو خواهد شد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله)، تحصیل دانش را از حقوق مسلم فرزندان می شمارد و می فرماید:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَيَّ وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ (1) ...

يکي از حقوق فرزند بر پدرش، اين است که به او نوشتن بياورد. ...

کمک به نابینایان

هر چند انسان ها از نظر شخصيتي با هم فرقي ندارند، ولي ممکن است افرادي به دليل نداشتن قدرت بينايي، در انجام دادن بعضي کارها، نياز مند کمک ديگران باشند. انسان مسلمان در اين باره، وظيفه اي دارد و نبايد آسوده خاطر باشد. هر انسان با وجدان و آزاده اي، وظيفه دارد به هم نواعان خود کمک کند. شکرانه دست توانا و نعمت هاي فراوان الهي، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگويم ديگران به او کمک مي کنند و به کمک من نيازي ندارد، ممکن است ديگران نيز چنين تصوري داشته باشند. در نتيجه، انتظارهاي آن نياز مند بي پاسخ مي ماند. پيامبر گرامي ما درباره کمک و ياري رساندن به نابینایان مي فرمايد:

مَنْ قَادَ أَعْمَى أَرْبَعِينَ خُطْوَةً عُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ (2).

هر کس، نابینایي را تا چهل قدم بکشد، گناھاني که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

1. نهج الفصاحه، ش ۹۲۳.

2. همان، ش ۲۹۱۶.

صفحه

۱۳۷

کمک در ابلاغ پيام

بسياري از اوقات به افرادي برمي خوريم که از اعلام نياز و ابلاغ پيام خويش ناتوانند و در جستوجوي کساني هستند تا يار و مددکار آنان باشند. انسان ها در برابر نيازهاي يکديگر مسئولند؛ زيرا ممکن است با رساندن پيامشان به مسئولان، گره مشکل ها گشوده شود. اين کار، دل مسلمانان را شاد مي کند و رحمت و گشايش الهي بر آن فرد سايه گستر مي شود. پيامبر اسلام در توصيه اي ارزنده مي فرمايد:

أَبْلِغُوا حَاجَةَ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ إِبْلَاحَ حَاجَتِهِ (1). ...

حاجت کسي را که از ابلاغ آن ناتوان است، به مسئولان برسانيد. ...

کم گويي

زبان، عضوي از بدن است که مي تواند منشأ بسياري از گناھان مانند: تهمت، غيبت، دروغ و سخن چيني شود. هر چه انسان، زيادتر سخن بگويد، گناھانش افزايش مي يابد و هر چه سکوت او طولاني تر باشد، به سعادت و سلامت نزديک تر است. انسان عاقل کسي است که بيشتر مي انديشد و کمتر سخن مي گويد. خاموشي، عيب هاي احتمالي انسان را پوشش مي دهد و شخصيت او را نزد ديگران محفوظ مي دارد. برعکس، پرگويي به سرعت، باطن انسان را نزد ديگران آشکار مي سازد. انسان هاي پرسخن معمولاً براي اثبات سخنان نابجاي خود به تلاش بيهوده دست مي يازند و در اين راه، با از دست دادن سلامت روحي و رواني خويش، در نگاه ديگران، منفور جلوه مي کنند. پيامبر

راستین اسلام برای حفظ سلامت و شخصیت فرد مسلمان، در توصیه ارزنده ای می فرماید:

سُكُوتُ اللّٰسَانِ، سَلَامَةٌ لِلْاِنْسَانِ (1).

خاموشی مایه سلامت است.

کوچک شمردن دیگران

یکی از بدترین صفاتی که ممکن است در انسان وجود داشته باشد، این است که گاهی برای آنکه خود را بزرگ جلوه دهد، دیگران را کوچک تر از آنچه هستند، نشان می دهد. در حقیقت، افراد فرومایه برای پوشاندن نادانی خود می کوشند مقام دیگران را پایین بیاورند تا احساس خود بزرگ بینی شان ارضا شود. البته آنچه به دست می آورند، چیزی نیست که منتظر آن بوده اند؛ زیرا مردم، سره را از ناسره و حقیقت را از دروغ باز می شناسند. در این حالت، ماهیت او نزد دیگران آشکار می شود، گرچه دیدگاه او چیز دیگری باشد. حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) در این باره چه زیبا می فرماید:

اَدْلُ النَّاسِ مَنْ اَهَانَ النَّاسَ (2).

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

کوچک شمردن مشکلات

اگر انسان اراده کند، می تواند به تدریج، به نیرویی دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند، می تواند به راحتی بر

1. نهج الفصاحه، ش ۱۷۶۹.

2. همان، ش ۲۵۰.

مشکلات بزرگ نیز چیره شود. این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و مهم این است که در برابر گرفتاری ها، خود را نیاززد و از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن خود ترسیم می کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ نمایی می شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات بزرگ، می توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید:

لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلَتْ سَهْلًا (1).

هر قدر آسان بگیري، آسان مي گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

برخي عادت کرده اند که با سهل انگاري کارهاي خود را بدون کیفیت انجام دهند و پيش از انجام درست یک کار، به کار دیگری بپردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی تواند از کارهاي آنان بهره برداري کند. در مقابل، افراد نيکي هستند که به دليل تعهد خویش، کارهايي که به آنان سپرده مي شوند، به بهترین صورت انجام مي دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود مي سازند. رسول اکرم(صلي الله عليه وآله) در توصیه به این مهم مي فرماید:

يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسُنَ (2).

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام مي دهد، آن را خوب و کامل کند.

1. همان، ش ۲۴۹۸.

2. همان، ش ۳۲۱۷.

صفحه

۱۴۰

»

گ

گذشت

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرت استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می توانند در برابر سختی های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملایمات گرفتار نمی شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می دهد. پیامبر رحمت می فرماید:

إِسْمَحْ يُسْمَحْ لَكَ (1).

آسان گیر تا بر تو آسان گیرند.

ایشان در حدیث دیگری می فرماید:

خُلِقَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ... فَأَمَّا اللَّذَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ فَالسَّخَاءُ وَ السَّمَّاحَةُ (2).

خدا، دو صفت را دوست دارد... ولی آن دو چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت است.

گردش ایام

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و سازندگی می آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات

1. نهج الفصاحه، ش ۲۹۳.

2. همان، ش ۱۴۵۴.

صفحه

۱۴۱

مادی برخوردار بودند، ولی اینک به تکه ای نان محتاج شده اند یا چه بسا آدم هایی که آه در بساط نداشتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه افراد توان مندی که نعمت سلامتی و قدرت جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟

به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:

روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار دارد *** چرخ بازیگر از این بازیچه ها، بسیار دارد

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

كُفِيَ بِالذَّهْرِ وَاعْظًا وَ بِالْمَوْتِ مُفَرِّقًا (1).

چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ!

گشاده رویی

بسیار اتفاق می افتد که انسان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم آلود و در خود فرورفته، حال خوش خود را از دست می دهد. همچنین چه بسا از پیشامدی، اندوهگین است، ولی با افرادی که چهره ای بشاش و خوش رو دارند، روبه رو می شود و غم و غصه های خویش را از یاد می برد. در حقیقت، گشادگی چهره یا درهم کشیدن آن، به اختیار انسان است؛ با خوش رویی، می تواند توجه دیگران را به خود جلب کند و با اخم و ناراحتی، دیگران را از خود خواهد راند. پیامبر گرامی اسلام، گشاده رویی را نوعی صدقه شمرده است و می فرماید:

مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلَّمَ عَلَيَّ النَّاسِ وَأَنْتَ تَطْلُقُ الْوَجْهَ (2).

از جمله صدقات این است که با گشاده رویی به مردم سلام کنی.

1. همان، ش ۲۱۲۶.

2. همان، ش ۳۰۶۸.

صفحه

۱۴۲

گشایش در زندگی

خداوند به هر کس به اندازه مناسب، نعمت و روزی می دهد و دوست دارد بنده ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسهیلاتی فراهم آورد. بعضی از انسان ها فکر می کنند هرچه آدمی ناچیزتر باشد و از امکانات مالی بهره نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حالی که چنین اندیشه ای درست نیست. استفاده متعادل از زندگی متناسب با شأن آدمی، مطلوب خداوند و توصیه ائمه معصومین (علیهم السلام) است. درست است که آدمی نباید برای به دست آوردن زندگی بهتر، از عزت و آبرومندی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد. در این صورت، خداوند نیز راضی تر است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَيَّ عَبْدٌ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ النَّبُؤْسَ (1).

هر وقت خداوند نعمتی به بنده ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می آید.

گوهرهای درخشان

دست یابی به اهداف انسانی در پرتو داشته های کمالی امکان پذیر خواهد بود. ایمان از عواملی است که آدمی را در برابر لغزش حفظ می کند و همچون سپری است محکم در برابر هجوم افکار شیطانی و حصارهای است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و

1. تحف العقول، ص ۵۶.

صفحه

۱۴۳

پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبیری که وی را به نرم خویی فرا خواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می تواند منشأ عمل خیر باشد. رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می فرماید:

ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَفْعَمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَخَّ يَحْجُرُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّيِّئِهِ وَ عَقْلٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ (1).

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او سر نمی زند: پرهیزگاری که او را از نافرمانی های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.

»

ل

آبخند

بعضی چهره ای گرفته و خشن دارند، به گونه ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری های خویش می افتد. بعضی نیز چهره ای تبسم آمیز و روحیه ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می برند و دوست دارند ساعت ها با آنان باشند. افراد خنده رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می کنند. به گونه ای که انسان، ناخودآگاه احساس می کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمت دارد. باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره ای گشاده و شاد با مردم روبه رو

1. همان، ص ۷.

صفحه

۱۴۴

می شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زبانزد خاص و عام است. آن وجود نازنین می فرماید:

تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ (1).

آبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه ای است.

لجاجت و ستیزه جویی

افراد ستیزه جو، انسان های خودخواه و بی گذشتی هستند که می کوشند با لجاجت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند. این در حالی است که هرچه میزان لجاجت و ستیزه جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می یابد. برعکس، آدم های معتدل همواره می کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی درنگ به ستیزه جویی و لجاجت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در شمار مخالفان و دشمنان انسان درآید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی اعتنا می شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می کند. پیامبر عظمت و مدارا می فرماید:

ابْغَضُ الرَّجَالِ إِلَيَّ اللَّهُ الْأَلْدُ الْخَصِيمُ (2).

منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و ستیزه جوست.

1. نهج الفصاحه، ش ۱۱۱۹.

2. همان، ش ۱۸.

صفحه

۱۴۵

»

م

مبارزه با هوای نفس

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می‌گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس رهیده باشد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، هوس‌گریزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد و می‌فرماید:

أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ (۱).

شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواسته‌های نفسانی چیره شود.

مدارا با بدهکاران

چون برخی افراد، امکانات مالی بسیاری ندارند، ممکن است در پاره‌ای موارد، وام بگیرند، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام‌دهندگان متفاوت است. گروهی با سعه صدر و واقع‌نگری، در صدد تمدید بازپرداخت برمی‌آیند یا حتی در پاره‌ای موارد، آن را می‌بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجابت بسیار تلاش می‌کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سخت‌گیری بر بدهکار، طلب خود را باز پس بگیرند که کار بسیار نکوهیده‌ای است. به یقین، اگر

1. همان، ش ۲۹۹.

صفحه

۱۴۶

کسی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش‌گاه خداوند رو سپید خواهد بود. بر این اساس، رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

مَنْ نَفَسَ عَنْ غَرِيمِهِ أَوْ مَحَى عَنْهُ كَانَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1).

هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارا با مردم

برخی می‌پندارند که خواسته‌های آنان باید همواره بی‌کم و کاست اجرا شود. از این رو، انتظار دارند تا دیگران به بهترین صورت ممکن، به کمک آنان بشتابند و زمانی هم که به مطلوب نمی‌رسند، دیگران را مقصر می‌دانند و به ناسازگاری و بداخلاقی با آنان می‌پردازند. بعضی نیز روح گذشت و بخشش ندارند و کوچک‌ترین لغزش دیگران را با شدیدترین شیوه ممکن، مجازات می‌کنند. اینان بسیار خودخواهند و از مردم، توقع زیادی دارند. اینان با چنین روحیه‌ای، پایگاه خود را در میان مردم از دست می‌دهند و به زیان‌های جبران‌ناپذیر دچار می‌شوند. حضرت رسول در توصیه به مدارا با هم‌نوعان می‌فرماید:

اعقلُ الناسَ أسدُهُمْ مُدَارَاةٌ لِلنَّاسِ (2).

خردمندترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

مدارای مشروط

تا آنجا که می‌توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم‌پوشید و

1. نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۹.

2. همان، ش ۳۵۸.

صفحه

۱۴۷

با گذشت، با آنان روبه‌رو شد. البته مدارا با مردم آن‌گونه نیست که در صورت آسیب دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنار بیاوریم؛ زیرا کوتاه آمدن در این موارد، رفته‌رفته از ارزش و اهمیتشان می‌کاهد و آنها را به اموری معمولی و ابتدایی تبدیل می‌کند. اگر قرار باشد آدمی در برابر حق‌کشی یا حق‌گریزی، در برابر دیگران کنار بیاورد، چگونه می‌توان دوام و قوام ارزش‌ها را انتظار داشت.

ارزش‌ها حساسند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان‌گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم‌ارزش و غیراصولی نباید سخت‌گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می‌توان دیگران را نسبت به شخصیت خود و دستورهای اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت. حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) درباره نوع مدارا با مردم می‌فرماید:

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكٍ حَقٍّ (1).

عقلانه‌ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به‌گونه‌ای که حقی ضایع نشود.

مداومت بر کار خیر

هرگاه انسان در حال انجام دادن کار خیر از دنیا برود، با رضایت الهی روبه رو خواهد شد؛ چون بنده ای فرمان بردار بوده است، ولی اگر کسی در حال انجام دادن معصیت از جهان فانی رخت بر بندد، در جهان دیگر نیز با خشم و غضب پروردگار روبه رو می شود؛ زیرا حق بندگی را به جا نیاورده است. هر چند ممکن است او نیز در نهایت از رحمت و مغفرت الهی برخوردار شود، ولی شرمندگی در پیش گاه او را چگونه تحمل خواهد کرد؟ آیا بهتر نیست انسان در محضر خدا گناه نکند و خود را برای

[تحف العقول، ص ۴۲.]

صفحه

۱۴۸

روزی آماده سازد که هیچ چیز حتی مال و فرزند نمی توانند پشتیبان او باشند؟ پیامبر ارجمند اسلام در توصیه به انجام کارهای پسندیده می فرماید:

مَنْ مَاتَ عَلَيَّ خَيْرٍ عَمِلَهُ فَرَجُوا لَهُ خَيْرًا وَمَنْ مَاتَ عَلَيَّ شَرًّا عَمِلَهُ فَخَافُوا عَلَيْهِ وَلَا تَيَّسُوا (1).

هر کس بر خیر می که انجام داده است، بمیرد، برایش امیدوار باشید و هر کس بر شر می که انجام داده است، بمیرد، برایش بیم ناک باشید، ولی ناامید نشوید.

مردم آزاری

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد. برای مثال، همسایه ای با بی مبالاتی و سر و صدای زیاد، کارمندی با بی پاسخ گذاشتن خواسته ارباب رجوع، راننده ای با بوق های زدن های ممتد و بی جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می شوند. از آن بدتر وقتی است که در برابر هرگونه اعتراض، خود را بی گناه و حتی صاحب حق می دانند. آیا پسندیده است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و خود را بی گناه نیز بدانیم؟ پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در نکوهش این رفتار ناپسند می فرماید:

كُلُّ مُؤَدِّ فِي النَّارِ (2).

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر را با احترام به او بپردازد و حتی اگر پرداخت مزد بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده تر است.

1. نهج الفصاحه، ش ۲۸۳۱.

2. همان، ش ۲۱۷۱.

صفحه

۱۴۹

بعضي افراد نه تنها پس از انجام کار، قدرداني نمي کنند، بلکه با منت نهادن، حقوق کارگر را مي پردازند که اسلام، اين کار را بسيار نکوهش کرده است. همچنين بسيار شايسته است اگر کارگري بيش از مقدار کارش، تلاش کرد و کار را به خوبي به پايان رساند، مزد بيشتري به او پرداخت شود. پرداخت مزد نيز بايد در زودترين وقت ممکن انجام شود. پيامبر گرامي اسلام، دست کارگران را مي بوسيد و به آنان بسيار احترام مي گذاشت. ايشان مي فرمايد:

...أَعْطِ الْأَجِيرَ حَقَّهُ قَبْلَ أَنْ يَجْفَأَ عَرَفَهُ(1).

... پيش از اينکه عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازيد.

مشارکت در کار خانه

برخي مي پندارند خدمت در خانه منحصر به همسران است و مردان کوچک ترين وظيفه اي در اين زمينه ندارند. از اين رو، به اصطلاح دست به سياه و سفيد نمي زنند و خانه را با مهمان خانه اشتباه مي گيرند. انجام دادن کارهاي خانه، وظيفه اي است مشترک ميان زن و مرد و اداره نيکوي خانه به وسيله زن، وظيفه شرعي و اخلاقي او نيست، بلکه تلاش خالصانه اي است که وي براي محبت به همسر و فرزند انجام مي دهد. نبايد پنداشت که زن موظف است همه کارهاي خانه را انجام دهد؛ زيرا وجود رابطه همسري، هرگز به معنای خدمت گزاري براي مرد نيست. بنا بر اين، زن و مرد بايد با مشارکت و هم ياري به کارهاي خانه بپردازند و نظام خانواده را اصلاح کنند. حضرت ختمي مرتبت در اين باره مي فرمايد:

خَدْمُكَ زَوْجَتُكَ صَدَقَةٌ(2).

خدمت تو به همسرت، صدقه است.

1. همان، ش ۳۴۷.

2. همان، ش ۱۴۳۵.

صفحه

۱۵۰

مشورت

انسان در هر مرتبه از آگاهي و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بي نياز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهي انسان در مسائل ساده نيز دچار اشتباه و غفلت مي شود، در حالي که اگر با افراد آگاه و با تجربه مشورت مي کرد، به اين اشتباه دچار نمي شد. هنگامي که انسان با کسي مشورت مي کند، فکر او را با فکر خود شريک مي سازد. در حقيقت، نيروي فکري او قوي تر مي شود و بدین ترتيب، از اشتباه در امان مي ماند. پيامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) در توصيه به مشورت مي فرمايد:

لا مَظَاهِرَةَ أَوْتَقُّ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ (1).

پشتیبانی مطمئن تر از مشاوره نیست.

ملاحظه کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سبب موفقیت و ذخیره سازی پاداش آن برای جهان آخرت می شود. اخلاص، اکسیری است که در برخورد با کار و تلاش، آن را پربها و مانا می سازد و در جریده عالم ثبت می کند؛ همان گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می کاهد و آن را مانند کف روی آب، زودگذر و بی دوام می سازد. بنابراین، مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است

[1] نهج الفصاحه، ش ۲۵۰۶.

صفحه

۱۵۱

که با او هم عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه کاری انجام دهد.

پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

لا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَلَا تَدْعُهُ حَيَاءً (1).

هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها مکن.

مهمان ناخوانده

برخی مردم با آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارند، ولی می کوشند بدون دعوت به خانه این و آن بروند و در این راه، چه بسا اعضای خانواده یا دوستانشان را نیز با خود همراه می سازند. این کار پسندیده نیست؛ زیرا صاحب خانه را به زحمت می افکنند و بی اطلاع میزبان، او را غافل گیر و در برابر مهمان ناخوانده، شرمسار می کنند. بنابراین، بدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسی نرویم؛ چون این کار در هر مکتب و مرامی ناشایست و خلاف اخلاق است. پیامبر گرامی اسلام در یکی از هشدارهای شدید می فرماید:

مَنْ مَشَى إِلَي طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَقَدْ دَخَلَ سَارِقًا وَ خَرَجَ مُعِيرًا (2).

هر که بی دعوت به طعامی رود، دزد می رود و ننگین بیرون می آید.

میزان سنجش عقل

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می کند. از این رو، ممکن است برداشت بعضی افراد، با تفسیری که پیشوایان

1. تحف العقول، ص ۵۸.

2. نهج الفصاحه، ش ۲۷۶۷.

صفحه

۱۵۲

دینی از عقل و خرد دارند، متفاوت باشد. چه بسا کسانی از نظر افراد معمولی، عاقل شمرده می شوند، ولی بر اساس معیارهای معصومین (در شمار افراد عاقل قرار نگیرند).

آورده اند: مردی نصرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش بیان، باوقار و با فضیلت بود. مردم به رسول الله (صلی الله علیه و آله) گفتند: این مرد نصرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از شنیدن این سخنان، معیار داور برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَنْ إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ وَحَدَّ اللَّهُ وَ عَمِلَ بِطَاعَتِهِ (1).

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.

»

ن

نزدیک ترینان به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)

رسول رحمت و هدایت آمد تا چراغ راه آدمیان به سوی خیر و نیک بختی باشد. ایشان برای رسیدن انسان به کمال و سعادت، دستورهایی داده است که انسان ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست.

انسان ها اگر چنین کنند، در سایه لطف پیامبر قرار می گیرند و از آسیب های روز واپسین در امان می مانند. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بیانگارند و در دنیا، خود را از نیک مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته

1. تحف العقول، ص ۵۴.

صفحه

۱۵۳

شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار دهیم که آن پیامبر مهرپرور می فرماید:

أَقْرَبُكُمْ مِنِّي عَدَاً فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ أَدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ(1).

نزدیک ترین شما به من در فردای قیامت، آن کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید، ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی نیکوتر و به مردم نزدیک تر باشد.

نفرین ستم دیدگان

مظلومان، دل های پراندوه و خاطری افسرده از ستم بیدادگران دارند و میاد که دست دعا به نفرین بلند کنند؛ زیرا آتش دل سوختگان، ویرانی ها به بار می آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولاً واژه ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) بوده است. چگونه انسان می تواند گلبانگ عدالت را نشنیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره پوید. منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم می فرماید:

إِثْقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ كَأَنَّهَا شِرَارَةٌ(2).

از نفرین ستم دیده بترسید؛ که چون شعله آتش به آسمان می رود.

نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت

انسان به کلی نمی تواند از علاقه به دنیا پرهیز کند؛ زیرا در طبیعت رشد کرده است و به مسائل طبیعی علاقه خاصی دارد. البته نباید آن چنان در دنیا

1. همان، ص ۴۶.

2. نهج الفصاحه، ش ۴۷.

فرو برد و اسیر تعلق ها شود که تمام فکر و ذکرش به آنها مشغول باشد و برای آخرت خود کوچک ترین گامی برندارد. انسان عاقل کسی است که در عین بهره مندی از طیبیات دنیا، ره توشه آخرت را نیز فراهم می آورد و بخشی از ذهن و روح خود را با مسائل معنوی پر می کند؛ زیرا اگر جز این باشد، چیزی جز زیان متوجه او نخواهد شد. دنیا دوست، به تدریج از انسانیت، تهی و به درنده ای انسان نما تبدیل خواهد شد. چنین فردی چنان در منجلاب دنیا فرومی رود که جز به تأمین منافع شخصی نمی اندیشد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيَا(1).

دل های خود را فقط با یاد دنیا پر نکنید.

نماز

ترک نماز، بزرگ ترین گناه است. نماز برای تربیت و تکامل روحی انسان ها واجب شده است، ولی برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی دهند. این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و همراهی و هم نوایی با برگ درختان سبز و زمین و زمان و پرندگان و خزندگان در مدح خدای روزی رسان، به بهانه های گوناگون از زیر بار این مسئولیت انسان ساز می گریزند. گاهی می گویند: «خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرر شده است. آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و

1. انهیج الفصاحه، ش ۲۴۵۹.

صفحه

۱۵۵

کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید:

أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الصَّلَاةُ (1).

نخستین چیزی که از آن حساب رسی می کنند، نماز است.

نماز شب

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه ای دست می یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته اند. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در ترغیب به ادای نماز شب می فرماید:

مَنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ حَسَنٌ وَجْهُهُ بِالنَّهَارِ (2).

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز، چهره اش نورانی می شود.

نماز صبح در مسجد

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از بستر برمی خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضایی

1. همان، ش ۹۷۹.

2. همان، ش ۲۸۱۳.

صفحه

۱۵۶

سراسر ملکوتی مساجد و در این تماشاگه راز، بندگان خاص خدا را در حالت های گوناگون می توان دید. یکی در حال رکوع، دیگری با چشمان گریان از خدا طلب عفو می کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شدن با این جماعت عاشق. در آن سو می بینیم که گروهی بی خبر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته اند و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می اندیشند که پاسی از صبح گذشته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول الله (صلی الله علیه و آله) در بشارتی نیکو به سحر خیزان می فرماید:

بَشِّرِ الْمَسَائِينَ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1).

به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد می روند، بشارت بده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

هر کاری می تواند آثار مثبت یا منفی در برداشته باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده است و انسان های شایسته کسانی هستند که راه های مفید را می پیمایند. اینان فرصت های الهی را از دست نمی دهند و با نیت خداپسندانه، برای رفع نیاز خود و دیگران می کوشند. بر عکس، انسان های ناسپاس، نعمت های الهی را به رایگان از دست می دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسخر می گیرند. اینان می گویند: «اگر خدا می خواست به فقیران روزی می داد و به کمک ما نیازی نیست.» این گونه افراد نمی دانند که کمک به نیازمندان، انسان را از سقوط به پستی ها و حوادث ناگوار و ناگهانی در امان نگاه می دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و آشکار از کارهایی است که مایه

1. [نهج الفصاحه، ش ۱۰۹۰.

صفحه

۱۵۷

سپیدروبی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می فرماید:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ (1).

نیکوکاری، انسان را از مرگ های ناگوار در امان نگاه می دارد.

»

و

وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت‌داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. از این رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید:

مِنْ أَفْضَلِ الشَّفَاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي التَّكَاحِ (2).

از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

وصیت نامه

بی‌شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام

1. همان، ش ۱۸۵۲.

2. همان، ش ۳۰۷۳.

صفحه

۱۵۸

خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب‌کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت‌نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

تَرَكُ الْوَصِيَّةَ عَارٌ فِي الدُّنْيَا وَ نَارٌ وَ سَنَارٌ فِي الْآخِرَةِ (1).

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و آتش آن جهان است.

وظایف والدین

خانواده، نخستین و مهم‌ترین خاستگاه تربیتی فرزندان است. پدران و مادران باید برای تربیت صحیح فرزندان، سرمایه‌گذاری کنند تا این گل‌های زندگی شکوفا شوند و باقیات صالحاتی باشند برای والدین؛ زیرا به یادگار نهادن فرزندان صالح از نعمت‌های الهی است. پدر و مادر در آشنا کردن فرزندان با هنجارهای اجتماعی، نقش اساسی دارند. از این رو، باید آنان را به گونه‌ای پرورش دهند که با اصول دینی و مبانی اعتقادی آشنا شوند. نام‌گذاری نیکو و پسندیده یکی از این موارد است؛ زیرا تأثیر روانی بسزایی بر فرزندان دارد. پیامبر بزرگوار اسلام در توصیه‌ای به والدین، پاره‌ای از وظایف آنان را چنین برمی‌شمارد:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ مَوْضِعَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ (2).

حق پسر بر پدر آن است که نام نیکو بر او نهد و بر جایگاه نیکو نشاند و ادب نیک بیاموزد.

1. نهج الفصاحه، ش ۱۱۴۱.

2. همان، ش ۱۳۹۳.

صفحه

۱۵۹

وفای به عهد

وفای به عهد و پیمان، نشان دهنده طبع والا و فضایل اخلاقی آدمی است. از انسان مسلمان انتظار می رود که اگر توان انجام کاری را ندارد، با عذرخواهی و پاسخ صریح، ناتوانی خود را اعلام کند تا درخواست کننده، تکلیفش را بداند و با بهره گیری از وسایل دیگر، آن نیاز را برآورد. متأسفانه گاهی با افرادی روبه رو می شویم که وعده های بیهوده می دهند و چه بسا به دلیل از دست رفتن فرصت، سائل نیز به مطلوب خود نمی رسد. پیامبر بزرگ اسلام، عهدشکنان را در شمار بی دینان شمرده است و می فرماید:

لَا دِينَ لِمَنْ لَاعَهْدَ لَهُ (1).

هر که پیمان نگاه ندارد، دین ندارد.

»

هـ

هدیه

هدیه، محبت میان انسان ها را افزایش می دهد. در حقیقت، هدیه دهنده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می کند. قیمت و ارزش بالای هدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هدایای غیرمادی که نشان دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننده است، بسیار کارسازتر باشد. در اسلام، نفس و اصل عمل مورد توجه است. بنابراین، تهیه هدایای گران بهای مادی را خردمندانه نمی دانند.

اصالت هر هدیه، مفید و معنوی بودن آن است و ارزش مادی آن اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، اگر هدیه پر قیمت باشد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سختی و دردسر می شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه ای هم سنگ هدیه

1. همان، ش ۲۴۹۷.

صفحه

آشنایان، از عهده فرد خارج است. از این رو، به ناچار از او فاصله می‌گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه رشته‌های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته‌های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

تَهَادُوا تَحَابُّوا (1).

به یکدیگر هدیه دهید تا رشته‌های محبت تان استوار گردد.

هدیه معنوی

گاهی افرادی را می‌بینیم که وقتی سخن خوبی را می‌شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می‌خوانند و آن را سودمند می‌یابند، بی‌درنگ یادداشت می‌کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده‌ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان‌ها، از همین راه به آگاهی‌های بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند. چه بسا اگر این کار انجام نمی‌شد، امروز بسیاری از دانستنی‌های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبت و ضبط آن در حافظه‌ها و عمل به آن، راه هدایت را بییماییم. حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) درباره هدایای کلامی می‌فرماید:

نعم العَطِيَّةُ كَلِمَةً حَقٌّ تَسْمَعُهَا ثُمَّ تَحْمِلُهَا إِلَىٰ آخِ لَكَ مُسْلِمًا (2).

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن را می‌شنوی، سپس به برادر مسلمانان می‌رسانی.

1. نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۹.

2. همان، ش ۳۱۲۷.

هم نشینی با فقیران

بعضی افراد همیشه از فقیران و نیازمندان فاصله می‌گیرند تا مبادا از ایشان چیزی بخواهند یا اینکه شأن خود را از آنان بالاتر می‌دانند. این در حالی است که ارزش هر کسی با تقوای او محک زده می‌شود و چه بسا فقیری با جامه مندرس، در پیش‌گاه الهی صاحب‌مقام و موقعیت‌والا باشد. هم نشینی با فقیران و رسیدگی به آنان در سیره تابناک اولیای الهی کاملاً نمایان است. آنان همواره با فقیران نشست و برخاست داشتند و کسانی را که از فقیران فاصله می‌گرفتند، به شدت نکوهش می‌کردند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام درباره دوستی با فقیران می‌فرماید:

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَيْدِيَّ فَإِنَّ لَهُمْ دَوْلَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1).

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم نشیني با نیکان

انسان همیشه نیازمند آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد. یکی از راه هایی که آدمی را در پیمودن نردبان قرب و تهذیب نفس یاری می کند، هم نشیني با خوبان است. نیکان کسانی هستند که فضایل و تجربه کافی دارند و انسان با خیال آسوده می تواند به آنان اعتماد کند؛ از گفتار و رفتارشان، توشه سفر، فراهم آورد و روح و روان خویش را پالایش کند. آن گاه هم چون فرشته ای سبک بال، با عطر صفا و محبت، پروازی دل نشین را بیازماید و از لذت علم و عمل بهره مند شود. پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) (درباره معاشرت با نیک منشان می فرماید:

1. همان، ش ۲۹.

صفحه

۱۶۲

جَالِسُوا الْكِبْرَاءَ وَ سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَالَطُوا الْحُكَمَاءَ (1).

با بزرگان هم نشین شوید، از دانشمندان بپرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید.

»

ي

یادداشت دانستنی ها

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته های خود را یادداشت کند. بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می کنند که می توانند آن اندوخته ها را در حافظه خود نگه داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می سپارند. همه انسان ها ذهن قدرت مندی چون این سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می دادند. انسان برای نگه داری اندوخته های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم (صلي الله عليه وآله) (نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ (2).

دانش را با نوشتن ثبت کنید.

یاد کرد نیکی مردگان

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زندگی مرتکب اشتباه و خطا می شود. پس همه در پرونده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال

1. نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۰.

2. همان، ش ۲۱۰۵.

صفحه

۱۶۳

شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی‌های آنان سخنی نگوییم؛ زیرا:

1. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.

2. اینک او درگذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می‌کند.

3. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می‌کند.

4. در آموزه‌های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم.

پیامبر و ارسته اسلام می‌فرماید:

أَذْكُرُوا مَحَاسِنَ مَوْتَاكُمْ وَكُفُّوا عَن مَسَاوِيهِمْ (1).

نیکی‌های مردگانتان را یاد کنید و از بدی‌هایشان چشم‌پوشید.

یتیم نوازی

کودکان یتیم به مهر و محبت، بسیار نیاز دارند و مهرورزی به آنان می‌تواند تا اندازه‌ای، غم جان‌کاه از دست دادن والدین را جبران کند. از این رو، اسلام توصیه می‌کند که مسلمانان، چتر محبت و مهربانی را بر سر آنان بگسترانند و مانند آنچه را برای فرزندان خود مهیا می‌کنند، برای آنان نیز فراهم آورند. بی‌تردید، کسانی که به این وظیفه انسانی بی‌توجه باشند یا مایه آزار آنان شوند، به خشم پروردگار دچار خواهند شد. رسول گرامی اسلام درباره ارزشمندی این رفتار نیکو و پسندیده می‌فرماید:

خَيْرُ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُّكْرَمٌ (2).

بهترین خانه‌های شما، خانه‌ای است که یتیمی در آن گرامی داشته شود.

1. همان، ش ۲۴۹.

2. همان، ش ۱۵۱۱.

صفحه

۱۶۴

صفحه

۱۶۵

بخش دوم

سیري در گلستان نبوي(صلي الله عليه وآله)

صفحه

۱۶۶

صفحه

۱۶۷

فصل اول: خوشه های نور

سعدی از تربیت یافتگان و شاگردان مکتب اسلام و از شیفتگان و ارادتمندان خاندان نبوت و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. وی بسیاری از پندها و اشعار خود را متأثر از آیه ها و روایت ها سروده است. استاد مطهری در این باره می گوید: «سعدی نصایح بسیار بسیار سودمندی دارد که از متن اسلام گرفته شده است (1)».

در سالی که با نور نام محمد (صلی الله علیه و آله) تابیدن آغاز کرده، بسیار شایسته است تا با یادکردی از این شاعر توانا، اشعاری را که برگرفته از سخن تابناک و انسان ساز پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) است، زینت بخش این نوشتار سازیم (2). باشد که نور محمد (صلی الله علیه و آله) (فرا راهمان را همواره فروزان و دست یابی به راه کمال را بر ما آسان گرداند.

ارزش عمر

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) (فرمود:

كُنْ عَلِيَّ عُمَرَكَ أَشْحَ مِّنْكَ عَلِيَّ دِرْهَمِكَ وَ دِينَارَكَ (3).

بر عمر خویش بخیل تر باش تا بر درهم و دینار خود.

1. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۸۹.

2. این مطالب با استفاده از سعدی در گلستان حدیث آل محمد (صلی الله علیه و آله)، نوشته: سید عبدالوهاب محصل، با تغییر و تلخیص تنظیم شده است.

3. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

قیمت عمر اگر بداند مرد *** پس بگیرد بر آنچه ضایع کرد

طفل را سببکی دهند به نقش *** بستانند از او نگین بدخش (1)

جوهری را که این بصیرت هست *** نهد بی بهای خویش از دست

بریدن سخن دیگران

رسول الله (صلی الله علیه و آله) (فرمود:

مَنْ عَرَضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّمَا خَدَشَ وَجْهَهُ (2).

هر که در میان سخن برادر مسلمانانش بدود، مانند این است که چهره اش را خراشیده باشد.

سخن را سر است ای خردمند و بن *** میاور سخن در میان سخن

خداوند تدبیر و فرهنگ (3) و هوش *** نگوید سخن تا نبید خموش

به دنبال مال حلال

پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَبًا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ(4).

خداوند دوست دارد که بنده اش را در جستجوی مال حلال، خسته ببیند.

چو خورد شیر شرز در بن غار؟ *** باز افتاده را چه قوت بود؟

گر تو در خانه صید خواهی کرد *** دست و پایت چو عنکبوت بود

1. ولاییتی در افغانستان که در کوهستان آن لعل فراوان یافت می شود.

2. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

3. صاحب نظر.

4. کنز العمال، ج ۴، ص ۲.

صفحه

۱۶۹

تکریم سالمندان

پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

مَنْ إِجْلَلَ اللَّهَ إِجْلَالَ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ(1).

از جمله تجلیل خداوند، بزرگداشت مسلمان سپید موی است.

دلَم می دهد وقت و وقت این امید *** که حق شرم دارد ز موی سپید

عجب دارم از شرم دارد ز من *** که شرم نمی آید از خویشتن

توبه در جوانی

حضرت محمد(صلي الله عليه وآله) فرمود:

التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ(2).

توبه نیکوست، ولی در جوانی نیکوتر است.

جوانا! ره طاعت امروز گیر *** که فردا جوانی نیاید ز پیر
فراغ دلت هست و نیروی تن *** چون میدان فراخ است، گویی بزن
قضا روزگاری ز من در ربود *** که هر روزی از وی شبی قدر بود
من آن روز را قدر نشناختم *** بدانستم اکنون که در باختم
به غفلت بدادی ز دست، آب پاک *** چه چاره کنون جز تیمم به خاک
چو از چابکان در دویدن گرو *** نبردی هم افتان و خیزان برو
گر آن بادپایان برفتند تیز *** تو بی دست و پای از نشستن بخیز

1. کافي، ج ۲، ص ۶۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۷.

2. کنز العمال، ح ۴۴۱۶۸.

صفحه

۱۷۰

خلوت انس

پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ(1).

برای من با خداوند وقتی است که در آن وقت، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل می گنجد.

یکی پرسید از آن گم کرده فرزند *** (2) که ای روشن گهر پیر خردمند

ز مصرش بوی پیراهن شنیدی *** چرا در چاه کنعانش ندیدی؟

بگفت احوال ما برق جهان است *** دمی پیدا و دیگر دم نهان است

گهی بر طارم اعلی نشینم *** گهی در پیش پای خود نبینم

اگر درویش در حالی بماندی *** سر دست از دو عالم برافشاندی

خودشناسی و خداشناسی

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ(3).

کسی که خود را بشناسد، خدایش را شناخته است.

نزیب تو را با چنین سروری *** که سر جز به طاعت فرود آوری

به انعام خود، دانه دادت، نه کاه *** نکردت چو انعام، سر در گیاه

ولیکن بدین صورت دل پذیر *** فریبا مشو، سیرت خوب گیر

ره راست باید، نه بالایی راست *** که کافر هم از روی صورت چو ماست

1. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۴۳.

2. حضرت یعقوب.

3. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲; غررالحکم، ص ۲۳۲.

صفحه

۱۷۱

تو را آن که چشم و دهان داد و گوش *** اگر عاقلی، در خلافتش مکوش

گرفتم که دشمن بکوبی به سنگ *** مکن باری از جهل، با دوست، جنگ

خرمند طبعان منت شناس *** بدوزند نعمت به میخ سپاس

دانشوری

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ(1).

فراگرفتن علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

طلب کردن علم شد بر تو فرض *** اگر واجب است از پی آتش قطع ارض

برو دامن علم گیر استوار *** که علمت رساند به دارالقرار

دشمن ترین دشمن ها

پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

أَعْدِي عَدُوَّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ(2).

دشمن ترین دشمنانت، نفس توست.

مبارزان طریقت که نفس بشکستند *** به زور بازوی تقوا و للحروب رحال
مراد نفس ندادند از این سرای غرور *** که صبر پیش گرفتند تا به وقت مجال
قفا خوردند و ملامت برند و خوش باشند *** شب فراق به امید بامداد وصال

1. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۹.

2. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶.

صفحه

۱۷۲

دوای نادانی

پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

إِنَّمَا شِفَاءُ الْعَمَى السُّؤَالُ(1).

شفای نادانی، پرسش است.

امید عافیت آن گه بود موافق عقل *** که نبض را به طبیعت شناس بنمایی

بپرس هر چه ندانی که دلّ پرسیدن *** دلیل راه تو باشد به عزّ دانایی

راست گویی

رسول اعظم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

الصَّدْقُ مَبَارَكٌ(2).

راست گویی، فرخنده است.

دلا راستی گر کنی اختیار *** شود دولتت همدم و بخت یار

نیچد سر از راستی هوشمند *** که از راستی نام گردد بلند

دم از راستی گر زنی صبح وار *** ز تاریکی جهل گیری کنار

مزن دم به جز راستي زينهار *** که دارد فضيلت يمين بر يسار
به از راستي در جهان کار نيست *** که در گلبن راستي خار نيست

زن شايسته

حضرت محمد مصطفي(صلي الله عليه وآله) فرمود:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ (3).

داشتن زن شايسته از خوشبختي مرد است.

1. مواظب العدييه، باب اول، فصل سوم.

2. بحار الانوار، ج ٧٦، ص ٦٠.

3. كافي، ج ٥، ص ٣٢٧.

صفحه

١٧٣

زن خوب فرمانبر پارسا *** کند مرد درويش را پادشا

برو پنج نوبت (1) بزن بر درت *** چو ياري موافق بود بر درت

همه روز اگر غم خوري، غم مدار *** چو شب غمگسارت بود در کنار

چو مستور باشد زن و خوبروي *** به دیدار او در بهشت است شوي

کسي بر گرفت از جهان کام دل *** که یک دل بود با وي آرام دل

سربار جامعه

پيامبر گرامي اسلام فرمود:

مَلْعُونٌ مَنْ أَلْفَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ (2).

از رحمت خدا دور است کسي که بار زندگي خود را بر دوش ديگران مي نهد.

به چنک آر و با ديگران نوش کن *** نه بر فضله ديگران گوش کن

بخور تا تواني به بازوي خويش *** که سعي ات بود در ترازوي خويش

چون مردان بیر رنج و راحت رسان *** مخنث (3) خورد دسترنج کسان
بگیر ای جوان دست درویش پیر *** نه خود را بیفکن که دستم بگیر
خدا را بر آن بنده بخشایش است *** که خلق از وجودش در آسایش است
کرم ورزد آن سر، که مغزی در اوست *** که دون همتانند بی مغز و پوست
کسی نیک ببند به هر دو سراي *** که نیکی رساند به خلق خدای

1. پنج نوبت نقاره زدن به علامت جاه و جلال سلطنت در گذشته مرسوم بوده است.

2. تحف العقول، ص ۳۷.

3. نامرد.

صفحه

۱۷۴

سودمندترین مردم

پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اِنْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ(1).

بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره مند گردند.

اگر نفع کس در نهاد تو نیست *** چنین گوهر و سنگ خارا یکی است

غلط گفتم ای یار شایسته خوی *** که نفع است در آهن و سنگ و روی

چنین آدمی مرده به ننگ را *** که بر وی فضیلت بود سنگ را

نه هر آدمی زاده از دد به است *** که دد ز آدمی زاده بد به است

به است دد، از انسان صاحب خرد *** نه انسان که در مردم افتد چو دد

طمع ورزی

رسول الله(صلی الله علیه وآله) فرمود:

عَزَّ مَنْ قَنَّعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ(2).

عزیز کسی است که قناعت کند و خوار است کسی که طمع ورزد.

قناعت سرافرازد اي مرد هوش *** سر پر طمع برنياید ز دوش
طمع، آبروي توقّر بريخت *** براي دو جو، دامني ذر بريخت
چو سيراب خواهي شدن ز آب جوي *** چرا ريزي از بهر برف، آبروي؟

1. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳.

2. معراج السعاده، ص ۳۰۴.

صفحه

۱۷۵

مگر از تنعم شکيبا شوي *** وگرنه ضرورت به درها شوي
برو خواجه کوتاه کن دست از *** چه مي بايدت ز آستين دراز
کسي را که درج طمع در نوشت *** نبايد به کس عبد و خادم نبشت
توقع براند ز هر مجلست *** بران از خودش تا نراند کست

عزت مؤمن

پيامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) (فرمود):

عَزَّ الْمُؤْمِنُ اسْتِعْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ وَفِي الْقَنَاعَةِ الْحُرِّيَّةُ وَالْعِزُّ (1).

عزت مؤمن در بي نيازي از مردم است و آزادگي و عزت در قناعت نهفته است.

دلا گر قناعت به دست آوري *** در اقليم راحت کني سروري

اگر تنگ دستي، ز سختي منال *** که پيش خردمند هيچ است مال

ندارد خردمند از فقر عار *** که باشد نبي را ز فقر افتخار

غني را ز سيم و زر آرايش است *** وليکن فقير اندر آسائش است

قناعت به هر حال اولي تر است *** قناعت کند هر که نیک اختر است

ز نور قناعت برافروز جان *** اگر داري از نیک بختي نشان

1. [تنبیه الخواطر، ص ۱۶۹].

مسافرت

پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَعْتَمُوا مَالًا أَقْدْتُمْ عَقْلًا(1).

مسافرت کنید؛ زیرا اگر مالی هم به دست نیاورید، بر عقالتان افزوده می شود.

تا به دکان و خانه در گروي *** هرگز اي خام، آدمي نشوي

برو اندر جهان تفرج کن *** پيش از آن روز کز جهان بروي

هدیه نیکو

پیامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) فرمود:

خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدِيَ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ(2).

بهترین برادر شما کسی است که عیبت هایتان را به شما هدیه کند.

از صحبت دوستي برنجم *** که اخلاق بدم، حَسَنَ نماید

عیبم، هنر و کمال ببند *** خارم، گل و یاسمن نماید

گو دشمن شوخ چشم (3) ناپاک *** تا عیب مرا به من نماید؟

* * *

آیین برادري و شرط ياري *** آن نيست که عيب من هنر پنداري

آن است که گر خلاف، شایسته روم *** از غایت دوستي ام، دشمن داري ام

1. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

2. تنبيه الخواطر، ج ۳، ص ۱۲۳.

3. گستاخ.

فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی(صلی الله علیه وآله)

1. ادای حق

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَوَادَ فِي حَقِّهِ (1).

همانا خداوند کسی را که در پرداخت حقش سخاوتمند باشد، دوست دارد.

2. امانت داری

الْإِمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ (2).

امانت داری، روزی می آورد و خیانت کاری، نداری.

3. انتظار فرج

أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ (3).

بهترین کوشش امت من، انتظار فرج است.

1. تحف العقول، ص ۳۵.

2. همان، ص ۴۵.

3. همان، ص ۳۱.

صفحه

۱۷۸

4. بخشندگی

الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: سَائِلَةٌ وَ مُنْفِقَةٌ وَ مُسْبِكَةٌ وَ خَيْرُ الْأَيْدِي الْمُنْفِقَةُ (1).

دست ها سه گونه اند: خواهنده، دهنده و بازدارنده و بهترین دست ها، دهنده است.

5. بدبختی و بدزبانی

أَبْعَدُكُمْ بِي شَيْهًا الْبَخِيلُ الْبَذِي الْفَاحِشُ (2).

بخیل، بد زبان و ناسزاگو، دورترین (بیگانه ترین) شما از من است.

6. بدگمانی

احْتَرِسُوا مِنَ النَّاسِ بِسُوءِ الظَّنِّ (3).

بیرهیزید از بدگمانی نسبت به مردم.

7. بهترین اخلاق

إِلَّا ادْلُكُم عَلَي خَيْرِ أَخْلَاقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَ تُعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ (4).

آیا شما را به بهترین اخلاق در این جهان و آن جهان راهنمایی نکنم؟ ببیوندی با کسی که از تو ببرد و ببخشی به کسی که از تو دریغ دارد و بگذری از کسی که به تو ستم کرده است.

1. تحف العقول، ص ۴۴.

2. همان، ص ۴۳.

3. همان، ص ۵۳.

4. همان، ص ۴۳.

صفحه

۱۷۹

8. پرسشگری

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُ السُّؤَالِ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللّهُ، فَإِنَّهُ يُؤَجِرُ أَرْبَعَةَ: السَّائِلِ وَالْمُتَكَلِّمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُحِبِّ لَهُمْ (1).

دانش، گنجینه ها است و کلیدهایش، پرسش است. خداوند شما را رحمت کند، پرسید؛ زیرا چهار کس مزد دارند: پرسشگر، سخن گو، شنوده و دوست دار آنان.

9. پرهیزگاری

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ أَفْضَلُ دِينِكُمْ الْوَرَعُ (2).

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب تر است و برترین [عمل در] دین شما پرهیزگاری است.

10. پستی دنیا

وَ لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا تَعْدُلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ الْخَيْرِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى فِيهَا كَافِرًا شَرْبَةَ مَاءٍ (3).

اگر دنیا نزد پروردگار به اندازه بال مگسی ارزش داشت، جرعه ای آب به کافر نمی نوشانید.

11. پشیمانی از گناه

النَّدَمُ تَوْبَةٌ (4).

پشیمانی، خود توبه است.

1. تحف العقول، ص ۳۹.

2. همان، ص ۳۹.

3. همان، ج ۷۳، ص ۸۷.

4. تحف العقول، ص ۵۵.

صفحه

۱۸۰

12. تراشیدن شارب (سبیل)

لَا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَحَبًّا يَسْتَتِرُ بِهِ (1).

شارب (سبیل) خود را بلند نکنید؛ چون شیطان آن را پناه گاه خود قرار می دهد و در آن پنهان می شود.

13. ترک ازدواج

شَرَارُ أُمَّتِي عَزَابُهَا (2).

بدترین افراد امتم، کسانی هستند که مجرد را برمی گزینند.

14. ترک جهاد

فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ الْبَسَهُ اللَّهُ دُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ(3).

کسی که جهاد را ترک کند، خداوند لباس خواری به او می پوشاند و او را در زندگی تهی دست می گرداند.

15. ترویج فساد

مَنْ آذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِيهَا وَمَنْ عَبَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ(4).

کسی که فحشا و منکرات را منتشر کند، مانند کسی است که آن را آغاز کرده است و کسی که مؤمنی را به چیز ناشایستی سرزنش کند، نمی میرد تا اینکه خودش نیز به آن گرفتار شود.

1. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲

2. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۱

3. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵.

4. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۷۷.

16. تقویت حافظه

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ السُّقْمَ اللَّبَانُ وَالسُّوَاكُ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ(1).

ای علی! سه چیز سبب زیادی حافظه و از میان رفتن بیماری می شود: استفاده از کندر، مسواک کردن و قرآن خواندن.

17. تفرقه افکنی میان زن و شوهر

مَنْ عَمَلَ فِي فُرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَزَوْجِهَا عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ وَلَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ(2).

هر کس برای جدایی زن و شوهری قدمی بردارد، مورد غضب و نفرین خداوند در دنیا و آخرت قرار می گیرد.

18. تنبلی

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْفَىٰ كُلَّهُ عَلَى النَّاسِ (3).

نفرین شده است کسی که بار زندگی خود را بر عهده دیگران می گذارد.

19. توبه کار

عَلَامَةُ التَّائِبِ أَرْبَعَةٌ: النَّصِيحَةُ لِلَّهِ فِي عَمَلِهِ وَ تَرْكُ الْبَاطِلِ وَ لُزُومُ الْحَقِّ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْخَيْرِ (4).

نشانه توبه کننده چهار چیز است: کردار برای رضای خدا، ترک باطل، پیروی از حق و شوق به انجام دادن کار خیر.

1. اخصال، ج ۱، ص ۶۲.

2. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷.

3. تحف العقول، ص ۳۲.

4. همان، ص ۲۰.

صفحه

۱۸۲

20. توکل

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (1).

هر کس می خواهد نیرومندترین مردم باشد، باید بر خدا توکل کند.

21. تهمت

لَا يَزَالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِي تُهْمَةٍ مَنْ هُوَ بَرِيءٌ حَتَّى يَكُونَ أَعْظَمَ جُرْمًا مِنَ السَّارِقِ (2).

دزد زده، پیوسته در حال تهمت زدن به بی گناهان است تا جرمش از دزد بزرگ تر شود.

22. ثروت طلبی

الدَّيْنَارُ وَ الدَّرْهَمُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ هُمَا مُهْلِكَاكُمْ (3).

دینار و درهم، انسان های پیش از شما را به هلاکت رساند و با شما نیز چنین خواهد کرد.

23. حب و بغض

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَيَّ حُبًّا مِّنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَبُغْضَ مَنِ أَسَاءَ إِلَيْهَا(4).

به راستی که خدا، دل بنده های خود را به دوستی کسی که به آن ها احسان کند و به دشمنی کسی که بدان ها بد کند، سرشته است.

1. تحف العقول، ص ۲۷.

2. همان، ص ۳۵.

3. خصال، ج ۱، ص ۴۳.

4. همان، ص ۵۲.

صفحه

۱۸۳

24. حقیقت بی نیازی

لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَ لَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ(1).

توانگری به داشتن کالای بسیار نیست، بلکه توانگری، بی نیازی دل است.

25. حیا

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ(2).

حیا از ایمان است.

26. خدمت رسانی

دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضُنْ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَيَّ طَرِيقَ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ بِهِ(3).

بنده ای داخل بهشت می شود؛ چون شاخه چوبی را از سر راه مسلمانان برمی دارد تا افراد به راحتی بتوانند رفت و آمد کنند.

27. جاودانه ها

أَرْبَعَةٌ لَا تَبْلَى: الْأَنْبِيَاءُ وَ الشُّهَدَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ وَ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ(4).

چهار دسته اند که از بین نمی روند (همیشه جاویدند): پیامبران، شهیدان، دانشمندان و حاملان قرآن.

1. همان، ص ۵۶.

2. همان، ص ۵۵.

3. خصال، ج ۱، ص ۳۲.

4. مواظب العبدیه، ص ۱۲۵.

صفحه

۱۸۴

28. جایگاه عقل

إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ (1).

همانا هر کار نیک و خیر با عقل سنجیده می شود و آن که عقل ندارد، دین ندارد.

29. خشم

وَ قَالَ رَجُلٌ: أَوْصِنِي، فَقَالَ: لَا تَغْضَبْ، ثُمَّ أَعَادَ عَلَيْهِ فَقَالَ: لَا تَغْضَبْ ثُمَّ قَالَ: لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرَّعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ (2).

مردی به پیامبر گفت: به من سفارشی کن. فرمود: خشم مکن. باز درخواست کرد، فرمود: خشم مکن. سپس فرمود: پهلوانی، به زمین زدن حریف نیست، بلکه پهلوان کسی است که هنگام خشم، خوددار باشد.

30. خودنمایی

لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِئَاءً وَ لَا تَدَعُهُ حِيَاءً (3).

هیچ کار خیری را برای خودنمایی مکن و از انجام آن به خاطر شرم و حیا دست مکش.

31. خوش خلقی

إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا (4).

کامل ترین مؤمنان در ایمان، خوش اخلاق ترین آنان است.

1. تحف العقول، ص ۵۳.

2. همان، ص ۴۷.

3. همان، ص ۵۷.

4. همان، ص ۴۷.

32. خویشتن داري

مَنْ كَفَّ نَفْسَهُ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ أَقَالَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1).

هر کس خود را از آبرو و ناموس مردم دور نگاه دارد، خداوند، او را در قیامت در پناه خود می گیرد.

33. دانشوري

سَائِلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَاطِبُوا الْحُكَمَاءَ وَ جَالِسُوا الْفُقَرَاءَ (2).

از دانشمندان بپرسید و با حاکمان گفتگو کنید و با فقیران هم نشین شوید.

34. دروغ و خیانت

يَطْبَعُ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ خِصْلَةٍ وَ لَا يَطْبَعُ عَلَى الْكُذْبِ وَ لَا عَلَى الْخِيَانَةِ (3).

مؤمن به هر خصلتی خو کند و بر دروغ و خیانت خو نکند.

35. درهاي نيکي

ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ وَ طَيِّبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى (4).

سه چیز از دروازه های نیکی است: سخاوت مندی دل، شیرین سخنی و شکیبایی بر آزار.

1. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷

2. تحف العقول، ص ۳۹

3. همان، ص ۴۴

4. همان، ص ۹

36. ذکر

ذِكْرُ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ (1).

ذکر خداوند از صدقه بهتر است.

37. رحمت الهی

مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَى عَمَلٍ ثَوَابًا فَهُوَ مُجْزٍ لَهُ وَمَنْ أَوْعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ بِالْخِيَارِ (2).

خدا به هر که وعده ثواب در کاری داده است، بدان وفا می کند و به هر که تهدید کیفر در کاری کرده است، اختیار دارد.

38. رضایت همسر

وَيْلٌ لِّلْمَرْئَةِ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا وَ طُوبَى لِّلْمَرْئَةِ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجَهَا (3).

وای بر زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که موجب شادی و خشنودی شوهرش شود.

39. روزی

لَا تَهْتَمُّ لِرِزْقِ غَدٍ فَإِنَّ كُلَّ غَدٍ يَأْتِي رِزْقُهُ (4).

غم روزی فردا مخور؛ زیرا روزی هر فردایی می رسد.

1. تحف العقول، ص ۴۲

2. همان، ص ۴۸

3. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص

۵۶

4. تحف العقول، ص ۱۵

40. زهد

الرُّهُدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الوَرَعُ عَن كُلِّ مَا حَرَّمَ اللهُ(1).

زهد در دنیا، کوتاه کردن آرزو است و شکر هر نعمت و خودداری از آنچه خدا حرام کرده است.

41. سخن چینی

احذر الغيبة وَ التَّمِيْمَةَ، فَإِنَّ الغيبة تُفْطِرُ وَ التَّمِيْمَةُ تُوجِبُ عَذَابَ القَبْرِ(2).

از غیبت و سخن چینی بر حذر باش؛ زیرا غیبت، روزه را بشکند و سخن چینی مایه شکنجه در گور است.

42. سرمایه عمر

كُنْ عَلِيَّ عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلِيَّ دِرْهَمِكَ وَ دِينَارِكَ(3).

بر عمر خود، بخیل تر از درهم و دینارت باش.

43. سلام

سَلِّمْ عَلِيَّ مَنْ لَقِيتَ يَزِيدُ اللهُ فِي حَسَنَاتِكَ وَ سَلِّمْ فِي بَيْتِكَ يَزِيدُ اللهُ فِي بَرَكَاتِكَ(4).

به هر مسلمانی برخورد کردی، سلام کن؛ چون خداوند بر حسنات تو می افزاید و به اهل منزلت سلام کن؛ زیرا خداوند برکت هایش را به تو افزایش می دهد.

1. همان، ص ۵۷.

2. همان، ص ۱۴.

3. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

4. همان، ج ۷۶، ص ۳.

صفحه

۱۸۸

44. شکرگزاری

الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّائِمِ الصَّامِتِ(1).

آنکه بخورد و شکر کند، بهتر است از روزه دار خاموش.

45. صبر و شكر

الْإِيمَانُ نِصْفَانُ: نِصْفُ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفُ فِي الشُّكْرِ (2).

ایمان دو نیم است؛ نیمی صبر است و نیمی شکر.

46. صلوات

مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ (3).

هر کس صلوات فرستادن بر من را فراموش کند، راه بهشت را گم خواهد کرد.

47. صله رحم

صِلْهُ الرَّحْمَ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ (4).

صله رحم، عمر را طولانی می کند.

48. عامل کوری و کری

إِيَابُكُمْ وَالْهَوَىٰ فَإِنَّ الْهَوَىٰ يُعْمِي وَيُصِمُّ (5).

از هوای نفس خود بر حذر باشید؛ زیرا آدمی را نابینا و ناشنوا می سازد.

1. تحف العقول، ص ۴۸.

2. همان، ص ۴۷.

3. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۱.

4. تحف العقول، ص ۹.

5. نهج الفصاحه، ش ۱۰۰۱.

صفحه

۱۸۹

49. عبرت

كُفِيَ بِالْمَوْتِ وَاعْظَاءٍ وَ كُفِيَ بِالتَّقِي غَنِيًّا (1).

مرگ برای پندآموزی و پرهیزگاری برای توانگری بس است.

50. عطابخشي

مُرُوْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفُوَّ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ اِعْطَاءُ مَنْ حَرَمْنَا (2).

جوان مردی خاندان ما، گذشت از کسی است که به ما ستم کند و عطابخشی به کسی است که از ما دریغ دارد.

51. عفو و گذشت

اَوْصَانِي رَبِّي بَانَ اَعْفُوَّ عَمَّنْ ظَلَمَنِي (3).

پروردگارم به من سفارش کرده است که از کسی که به من ستم کند، درگذرم.

52. عیب پوشی

مَنْ سَتَرَ عَوْرَةَ اَخِيهِ سَتَرَهُ اللهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ (4).

کسی که عیب برادرش را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت، عیب هایش را پنهان می دارد.

53. غفلت

عَلَامَةُ الْغَافِلِ اَرْبَعَةٌ: الْعَمِي وَ السَّهُوُ وَ اللُّهُوُ وَ النَّسْيَانُ (5).

نشانه غافل چهار چیز است: کوری، سهو، لهو و فراموشی.

1. تحف العقول، ص ۳۴.

2. همان، ص ۳۷.

3. همان، ص ۳۵.

4. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۲۷.

5. تحف العقول، ص ۲۳.

صفحه

۱۹۰

54. فال بد

اِذَا تَطَيَّرْتَ فَاَمُضْ وَ اِذَا طَنَنْتَ فَلَا تَقْضْ وَ اِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَبْغْ (1).

چون فال بد زدي، پيش برو؛ چون گماني بردي، داوري مکن و چون حسد بردي، تجاوز نکن.

55. فضيلت امام علي، امام حسن و امام حسين (عليهم السلام)

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا (2).

حسن و حسين (عليهما السلام) دو سرور اهل بهشت هستند و پدر ایشان علي (عليه السلام) بهتر از آنها است.

56. كسب حلال

الْعِبَادَةُ سَبْعَةٌ أَجْزَاءُ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَالِلِ (3).

عبادت هفت بخش است و برتر از همه كسب حلال است.

57. كمال دين

يَا عَلِيُّ! أَرْبَعٌ مَنْ يَكُنْ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ: الصَّدْقُ وَالشُّكْرُ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ (4).

يا علي! چهار چيز در هر كس باشد، اسلامش كامل است: راستي، شكرگزاري، شرم و خوش رفتاري.

1. تحف العقول، ص ۵۰.

2. عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۳.

3. تحف العقول، ص ۳۶.

4. همان، ص ۱۰.

صفحه

۱۹۱

58. كمال عقل

قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ فَمَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ عَقْلِهِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فَلَا عَقْلَ لَهُ: حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ لِلَّهِ وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لِلَّهِ وَحُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ (1).

خداوند خرد را سه بخش کرده است. هر که همه را دارد، خردش تمام است و هر که هیچ از آنها ندارد، خردی ندارد: خوب شناختن خدا، خوب طاعت کردن برای خدا و خوب صبر کردن بر کار خدا.

59. كم خوري

مَنْ أَجَاعَ بَطْنَهُ عَظَمَتْ فِكْرَتُهُ وَفَطِنَ قَلْبُهُ(2).

کسی که شکمش را خالی نگه دارد، زیرک و هوشیار و خوش استعداد خواهد شد.

60. کنترل زبان

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ حِفْظُ اللِّسَانِ(3).

بهترین صدقه، کنترل زبان است.

61. گناهان کوچک

إِنَّ إِبْلِيسَ رَضِيَ مِنْكُمْ بِالمُحَقَّرَاتِ(4).

چه بسا شیطان به انجام دادن گناهی کوچک از شما راضی شود.

1. همان، ص ۵۳.

2. محجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۵۴.

3. نهج الفصاحه، ش ۴۰۴.

4. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳.

صفحه

۱۹۲

62. گشاده رویی

حُسْنُ البَشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ(1).

خوش رویی، کینه را از بین می برد.

63. لجاج بازی

إِيَّاكَ وَ اللِّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرَهَا نَدَامَةٌ(2).

از لجاج بازی بپرهیز؛ که آغازش، نادانی و پایانش، پشیمانی است.

64. مبارزه با هوای نفس

جاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ تَمَلِكُوا أَنْفُسَكُمْ (3).

با هواهای نفسانی خود مبارزه کنید؛ چون مالک نفستان خواهید شد.

65. مصلحت اندیشی در گفتار

ثَلَاثٌ يَفْتَحُ فِيهِنَّ الصَّدْقُ: التَّمِيمَةُ وَ إِخْبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُ وَ تَكْذِيبُكَ الرَّجُلَ عَنِ الْخَيْرِ (4).

راستی در سه چیز، زشت است: سخن چینی، خبر ناراحت کننده دادن به مردی از زنش و تکذیب مردی که دعوی نیکوکاری می کند.

1. تحف العقول، ص ۴۴

2. تحف العقول، ص ۱۵

3. نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۲

4. تحف العقول، ص ۱۰

صفحه

۱۹۳

66. مهریه

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْحُهُنَّ وَجِهًا وَ أَقْلُهُنَّ مَهْرًا (1).

بهترین زنان امت، کسانی هستند که از همه زیباتر و مهریه شان از دیگران کمتر باشد.

67. میانجی گری

إِصْلَاحُ ذَاتِ النَّبِيِّنَ أَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ (2).

برقراری صلح و سازش بین افراد بهتر از یک سال نماز و روزه (مستحبی) است.

68. ناسزاگویی

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَيَّ كُلِّ فَاحِشٍ بَدِيٍّ قَلِيلِ الْحَيَاءِ لِأَيُّبَالِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ (3).

همانا خداوند بهشت را حرام گردانده است بر هر ناسزاگویی که کم حیا باشد و بی باکانه هر چه از دهانش در آمد، بگوید و هر چه شنید، ناراحت نشود.

69. نشان منافق

عَلَامَةُ الْمُنَافِقِ أَرْبَعَةٌ: فَاجِرٌ دَخَلَهُ يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ وَ قَوْلُهُ فِعْلُهُ وَ سَرِيرَتُهُ عَلَانِيَتُهُ، قَوْلٌ لِلْمُنَافِقِ مِنَ النَّارِ (4).

1. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵۵.

2. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۵.

3. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۲.

4. تحف العقول، ص ۲۲.

صفحه

۱۹۴

نشانه منافق چهار چیز است: نهادش هرزه است؛ زبان و دلش دو تا است؛ گفتارش جز کردارش است و باطنش جز ظاهر او است. وای بر منافق از آتش دوزخ.

70. نشانه اخلاص

عَلَامَةُ الْمُخْلِصِ أَرْبَعَةٌ: يَسْلُمُ قَلْبُهُ وَ تَسْلُمُ جَوَارِحُهُ وَ بَدَلَ خَيْرُهُ وَ كَفَّ شَرَّهُ (1).

نشانه مخلص چهار چیز است: دلش درست است؛ اعضایش بی آزار است؛ خیرش به دیگران می رسد و از بدکردن خودداری می کند.

71. نشانه بدبختی

أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ بُعْدُ الْأَمَلِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ (2).

چهار خصلت از بدبختی است: خشک چشمی، سخت دلی، درازی آرزو و دوست داشتن دنیا.

72. نشانه راست گویان

عَلَامَةُ الصَّادِقِ فَرْبَعَةٌ: يَصْدُقُ فِي قَوْلِهِ وَ يُصَدِّقُ وَعَدَ اللَّهُ وَ وَعِيدُهُ وَ يُوفِي بِالْعَهْدِ وَ يَجْتَنِبُ الْعَذْرَ (3).

1. تحف العقول،
ص ۲۱

13.

2. همان، ص

3. همان، ص ۹.

صفحه

۱۹۵

صادق چهار نشانه دارد: راست گویی، باور داشتن خوف و رجا، وفای به عهد و کناره گیری از مکر .

73. نشانه فاسق

عَلَامَةُ الْفَاسِقِ أَرْبَعَةٌ: اللَّهُوُ وَاللُّغُوُ وَالْعُدُوَانُ وَالْبُهْتَانُ (1).

نشانه فاسق چهار چیز است: بازیگری، بیهوده گویی، تجاوزگری و تهمت و بهتان زدن.

74. نفاق

إِبَائِكُمْ وَتَحَشُّعَ النَّفَاقِ وَهُوَ أَنْ يُرِيَ الْجَسَدُ خَاشِعًا وَالْقَلْبُ لَيْسَ بِخَاشِعٍ (2).

مبادا خشوع منافقانه کنید و آن این است که تن، خاشع باشد و دل، خاشع نباشد.

75. نگارش

فَيَدُّوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ (3).

دانش را در بند نگارش کشید.

76. نگاه مهربانانه فرزند

نَظْرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ (4).

نگاه فرزند به پدر و مادرش از روی محبت و دوستی، عبادت است.

1. همان، ص ۲۳.

2. همان، ص ۵۹.

3. همان، ص ۳۵.

4. همان، ص ۳۸.

77. نماز جماعت

مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ (1).

کسی که برای اقامه نماز جماعت به سوی مسجد حرکت کند، برای هر قدمی، هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه و مقام برایش خواهد بود.

78. نماز جمعه

فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ (2).

هر مؤمنی که به سوی نماز جمعه حرکت کند، خداوند، سختی های قیامت را از او برطرف می گرداند و آن گاه به بهشت راهنمایی می شود.

79. نیرنگ

إِيَّاكَ وَالْمَكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ قَضَى «لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (3).

مبادا نیرنگ ببازی که خدا حکم کرد نیرنگ بد، جز به نیرنگ باز، بر نمی گردد.

80. نیرنگ

لَيْسَ مِثْلًا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَا كَرَهُ (4).

از ما نیست کسی که به مسلمانی دغلی و دورنگی کند یا زیان رساند یا نیرنگش زند.

1. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۲.

2. همان، ج ۵، ص ۴.

3. تحف العقول، ص ۳۴.

4. همان، ص ۴۱.

صفحه

۱۹۷

81. وفای به عهد

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَبِ إِذَا وَعَدَ (1).

هر که به خدا و روز جزا عقیده دارد، باید به وعده خود وفا کند.

82. ولایت محوری

يَا عَلِيُّ! لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ (2).

ای علی! هیچ مؤمنی تو را دشمن ندارد و هیچ منافقی تو را دوست ندارد.

83. هدیه

الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ وَجُوهٍ: هَدِيَّةُ مُكَافَاةٍ وَ هَدِيَّةُ مُصَانَعَةٍ وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ (3).

هدیه بر سه گونه است: هدیه با عوض، هدیه ساخت و ساز (کار راه اندازی) و هدیه برای خدا.

84. هم نشینی

مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (4).

دوستی و هم نشینی با افراد دین دار سبب شرافت دنیا و آخرت است.

85. یاد خدا

وَمَنْ أَكْثَرَ ذَكَرَ اللَّهَ اجْرَهُ اللَّهُ (5).

و هر که بسیار خدا را یاد کند، خدا جزایش می دهد.

1. همان، ص ۴۴.

2. نهج البلاغه، دشتي، كلمات قصار، ش ٤٥.

3. تحف العقول، ص ٤٩.

4. خصال، ج ١، ص ٥.

5. تحف العقول، ص ٤٥.

صفحه	١٩٨
صفحه	١٩٩

کتاب نامه

1. اصفهاني، رضا، اخلاق براي همه (جلد ١)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ١٣٧٤.
2. پابنده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاويدان.
3. حراني، ابو محمد حسن، تحف العقول، تهران، مكتبة الصدوق، ١٣٧٦ هـ. ق.
4. حكيم، سيد محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٧٤.
5. سجادي، محمد صادق و مرتضي فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامي، چاپ ششم، ١٣٦٨.
6. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم (علیهم السلام) (قم، دارالنشر، چاپ سوم، ١٣٧٠).
7. صبحي، صالح، نهج البلاغه، بيروت، چاپ اول، ١٣٨٧ هـ. ق.
8. صدوق، خصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ١٤٠٣ هـ. ق.
9. طباطبائي، سيد محمد حسين، تفسير الميزان، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٩٢ هـ. ق.
10. فيض كاشاني، ملا محسن، المحجة البيضاء، تهران، چاپ خانه حيدري، ١٣٤٠.
11. _____، وافي، اصفهان، ١٣٢٤ هـ. ق.

12. قمي، شيخ عباس، سفينة البحار، تهران، چاپ افست مروی، بي تا.

13. كليني، اصول كافي، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ هـ.ق.